نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال یازدهم - شماره ۵۴۶ - یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۸ - ۸ صفحه - ۲۵۰ تومان



ابراهیمی سرمربی ایرانجوان:

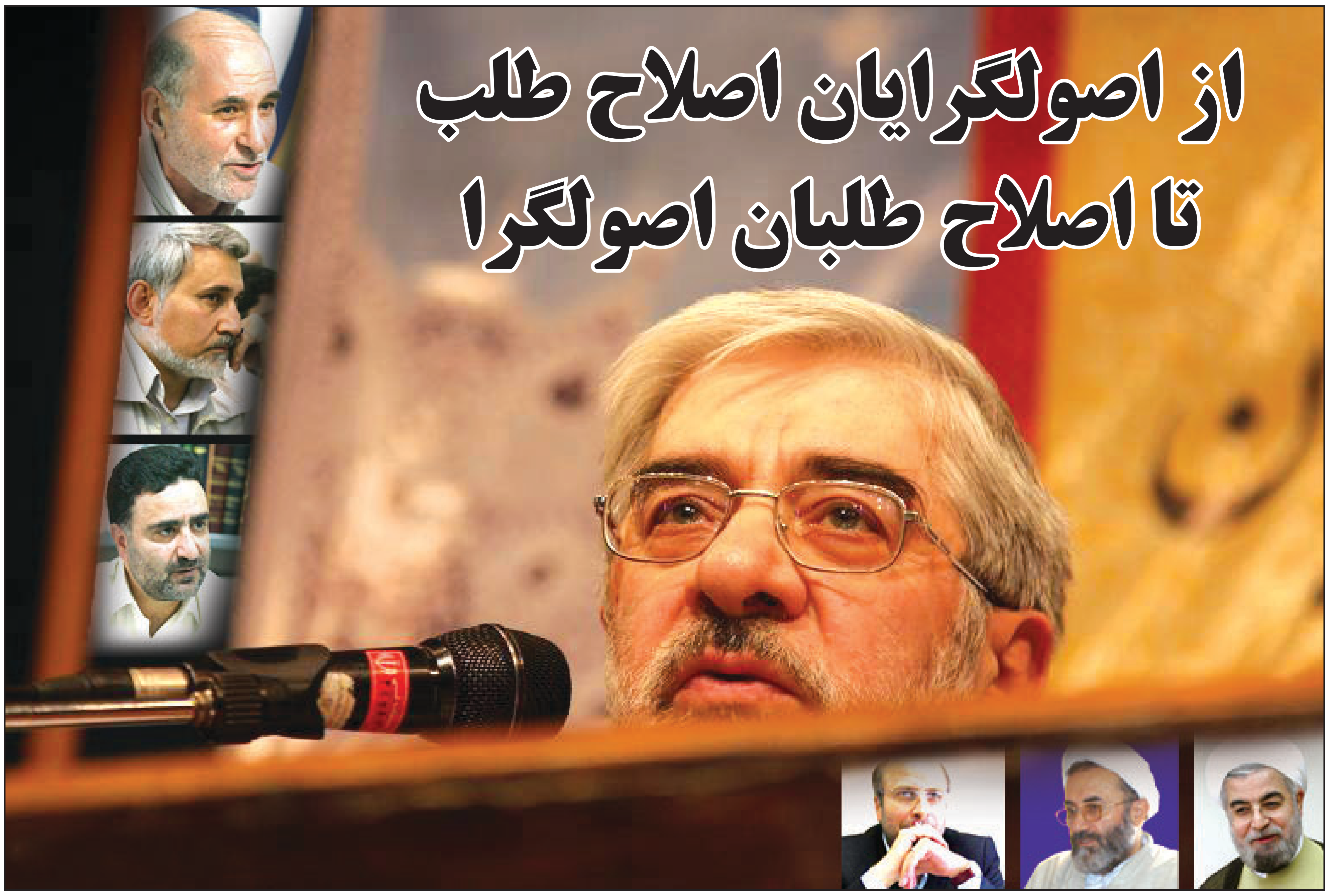
اگر هدفم پول بود، مثل یاوری برای ۵ بازی ۱۵۰ میلیون تومان می خواستم

صفحه۷



آیا پلاژ بانوان تعطیل خواهد شد؟

صفحه۲



از اصولگرایان اصلاح طلب تا اصلاح طلبان اصولگرا

نقش روحانیت دشتی در مبارزه با استعمار

حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد فولادی

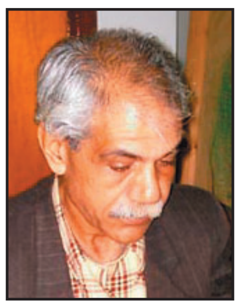
صفحه۳



اتاقی برای شب نشینی ارواح

محمد حسن آرش نیا

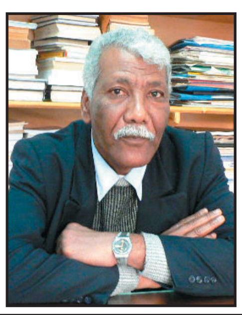
صفحه۴



چرا در ورزش، مقابل اعراب بازنده ایم؟

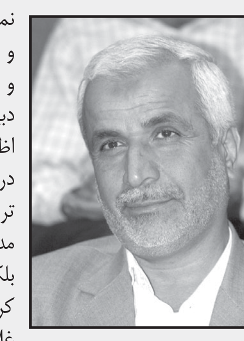
خورشید فقیه

صفحه۶



نماینده مردم بوشهر گناوه دیلم درجمع فرهنگیان اعلام کرد:

گرامی داشت مقام معلم ارج نهادن به جایگاه انسانیت است



نماینده مردم بوشهر گناوه و دیلم در جمع مدرسین و دانش آموختگان دبیرستان سعادت بوشهر اظهار داشت: جمع حاضر در قدیمی ترین، با عزت ترین و پر افتخار ترین مدرسه نه تنها استان بلکه کشور نقش آفرینی کرده اند.

غلامعلی میگلی نژاد این مدرسه را منشا هدایت جوانان به سمت نور و معرفت دانست و اظهار داشت: این مدرسه بزرگان زیادی به جامعه تحویل داده است که همگی باعث افتخار ما هستند. وی خاطر نشان ساخت: نقش معلم بر هیچکس پوشیده نیست و بدون اغراق معلمین نوری هستند که بر جهل و تاریکی می تابند. میگلی نژاد خاطرنشان ساخت: وظیفه خود می دانیم در مسیر پاسداشت و گرامی داشت مقام معلم گام برداریم و در این راه از هیچ کوششی فرو گزار نخواهیم کرد.

وی گرامیداشت مقام معلم را گرامیداشت جایگاه انسانیت دانست و از دست اندرکاران برگزاری این مراسم قدردانی نمود و این حرکت را خاطره ای ماندگار در تاریخ دبیرستان سعادت عنوان کرد. وی در پایان سلامت و سعادت برای تک تک معلمین در راه انجام رسالت سنگین خود آرزو کرده و معلمی را شغل انبیا دانست.

سد خاکی آبدان قربانی گرفت

ابراهیم دانش: بارندگیهای بهاری وفروردین ماه ۸۸ موجب شد تا سدهای مخزنی دیار حاصلخیز آبدان پر آب گردیده و کشاورزان را تا حدودی نسبت به ادامه کار دلگرمتر نماید. ولی از آنجائیکه همه مردم این دیار شادمانه از بارش باران و پرشدن سدها بودند؛ به ناگه خبر تلخ و دردناک غرق شدن ومرگ یکی از جوانان این شهر موجب تاثرهمگان گردید .

آری: جوان دانش آموز فاضل کرمی همچون سایر جوانان این شهر به دلیل نبود امکانات تفریحی دل خوشی با این آب داشت. او به اتفاق دوستان همکلاسی روزها با حداقل وسایل نجات (همچون تیوپ خودرو یا تخته چوبی) ساعاتی برای فرار از گرما و خوش بودن در جمع همکلاسیان ودوستان هم محله ای ؛ به سد خاکی آبدان میرفت و شنا مینمود .

اما این دانش آموزخوش اخلاق و شیرین زبان ما طعمه گل ولای ته سد شد و با خبر تلخ مرگش ؛همه اهالی را داغدار نمود. توضیح اینکه: در کمتر از چهل روز این دومین حادثه مرگبار برای جوانان این منطقه جنوبی استان بوشهر؛ که فاقد حداقل امکانات تفریحی ورزشی میباشند رخ داده است (مرگ جوان بردخونی که ایشان هم در سد خاکی بردخون دچار همین حالت شد.) قبل از این خبرنگار هفته نامه نسیم جنوب ؛بارها نسبت به عواقب تلخ شنا نمودن نوجوانان وجوانان در سدهای خاکی این شهر به مسئولین محلی هشدار داده بود؛ تا نسبت به تامین نیروی نجات غریق در ساعاتی از روز اقدام نمایند ؛که متاسفانه هیچگونه اقدامی صورت نگرفت؛ تا اینکه این حادثه تلخ تکرار شد.

سارقی که با اسلحه قلابی اقدام به سرقت نموده بود به دام پلیس افتاد

مامورین کلانتری ۱۱ باغ زهرا یک نفر سارق مغازه که با اسلحه قلابی اقدام به سرقت می نمود را در سطح شهر شناسایی و دستگیر نمود. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ، در پی اعلام سرقت از یک باب مغازه در خیابان باهنر مامورین کلانتری ۱۱ باغ زهرا اقدامات خود را در این خصوص آغاز کردند. بر پایه این گزارش ، مامورین با در نظر داشتن چهره ظاهری متهم توانستند وی را به نام "ع" در خیابان امام شناسایی و دستگیر نمایند. ادامه گزارش حاکیست، متهم در تحقیقات اولیه پلیس به سرقت پول و گوشی موبایل از یک باب مغازه با تهدید مغازه دار با اسلحه کلت پلاستیکی اعتراف نمود.

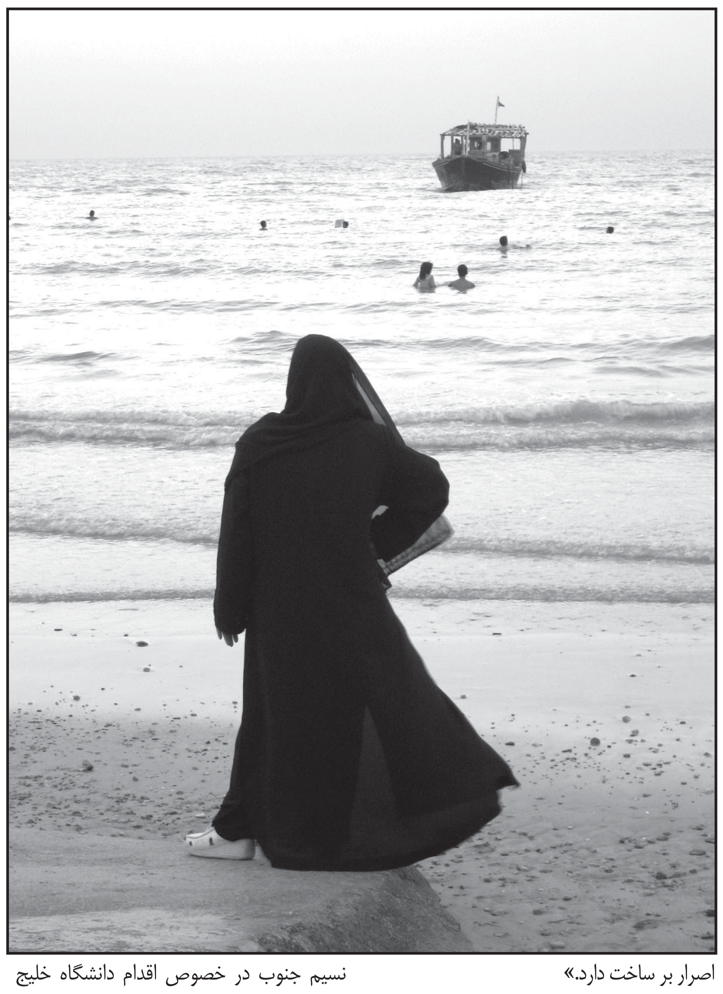
ساخت و ساز دانشگاه خلیج فارس بوشهر در کنار پلاژ بانوان

آیا پلاژ بانوان تعطیل خواهد شد؟

بهاره عالی پور

هفته نامه نسیم جنوب طی هفته گذشته خبری تحت عنوان"با ساختمان سازی دانشگاه خلیج فارس در کنار دریا، پلاژ بانوان دیگر قابل استفاده نخواهد بود" را منعکس کرد که رئیس کمیسیون عمران نیز به حمایت از شهرداری و دفاع از حقوق بانوان جهت استفاده از پلاژ بانوان به انتقاد از کار دانشگاه خلیج فارس پرداخت. خبرنگار نسیم جنوب به منظور پیگیری موضوع در این هفته به سراغ مسئول پلاژ بانوان و نایب رئیس شورای شهر تنها بانوی حاضر در شورای شهر و شهردار بوشهر ودر نهایت دکتر تاجیک رفته است تا صحبت های یکایک آنها درباره وضعیت کنونی پلاژ و آینده ای که احتمال می رود به تعطیل شدن آن نیز منجر شود را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

خبرنگار نسیم جنوب همچنان پیگیر این موضوع است تا مشخص شود که سرانجام پلاژ بانوان چگونه خواهد بود.



بیش از ۷۰۰ نفر از بانوان به نشانه اعتراض طومار امضا کرده اند

فاطمه صفرزاده مسئول پلاژ بانوان که موقعیت پلاژ بانوان را در خطر می بیند در گفت و گو با خبرنگار نسیم جنوب گفت: «قسمت شمالی پلاژ بانوان متعلق به دانشگاه خلیج فارس است و آنها تصمیم دارند که در آن زمین ساخت و سازی انجام دهند در حالیکه این اقدامشان بدون مجوز شهرداری ست.»

فاطمه صفرزاده با بیان اینکه این موضوع اسباب ناراحتی بانوان را فراهم ساخته، افزود: «خانم ها از شنیدن این موضوع بسیار ناراحت شده اند و حتی به نشانه اعتراض طومار بلند بالایی نوشته اند و آن را در پلاژ بانوان گذاشته اند.»

صفرزاده اضافه کرد: «تا کنون بیش از ۷۰۰ نفر از خانم ها به نشانه اعتراض طومار را امضا کرده اند اما ما با مدیریت و درایت آرامشان کردیم و به آنها قول دادیم که پیام آنها را به مسئولین منعکس کنیم و در صورتی که اعتراض آنها به نتیجه نرسید می توانند اعتراض کنند.»

لزوم حفظ حریم و موقعیت پلاژ بانوان

مسئول پلاژ بانوان گفت: «ما قبول داریم که این زمین متعلق به دانشگاه خلیج فارس است اما از رئیس دانشگاه خلیج فارس که فردی دانشگاهی و تحصیل کرده هستند انتظار داریم که ساخت و سازشان را به گونه ای انجام دهند که به حریم و موقعیت پلاژ خدشه ای وارد نکند؛ انتظار ما این است که در کارشان اولویت بندی کنند و با انجام کار کارشناسی اقدام کنند.»

وی با بیان اینکه برای جلوگیری از به خطر افتادن موقعیت پلاژ بانوان اقداماتی انجام داده ایم اظهار داشت: «در همین زمینه با نماینده ولی فقیه نیز دیداری داشتیم و ایشان گفتند که اگر دکتر تاجیک نظر کارشناسی داشته باشند می توانند ساختمان خود را به سبک خانه های شمالی بسازند به گونه ای که هیچ اشرافیتی به پلاژ نداشته باشد.»

فاطمه صفرزاده اضافه کرد: «در حال حاضر پلاژ بانوان فعال است و این اقدام ما بیشتر جنبه پیشگیری قبل از حادثه را دارد ضمن اینکه خود خانم ها نسبت به این موضوع حساسیت دارند و به خوبی کار را دنبال و پیگیری می کنند.»

تلاش در جهت حفظ تنها مکان تفریحی بانوان

وی در پایان تاکید کرد:«انتظار ما از مسئولین این است که با دید باز به موضوع نگاه کنند و تلاش کنند که تنها مکان تفریحی بانوان حفظ شود. در شرایط فعلی پلاژ بانوان بهترین مکان برای تفریح بانوان استان و حتی کشور است چرا که در هیچ جای دیگری چنین تفریح گاهی که محصور باشد و دارای امنیت باشد را نداریم و به همین جهت انتظار داریم مسئولین با دید باز به این موضوع نگاه کنند که این محیط تعطیل نشود.»

دانشگاه خلیج فارس در زمانی که بانوان بهترین استفاده را از پلاژ دارند اقدام به ساخت و ساز کرد

حمیده ماحوزی نیز که برای ممانعت از تعطیلی پلاژ بانوان تلاش کرده بود در این مورد اظهار نظر کرد. ماحوزی در گفت و گو با خبرنگار نسیم جنوب گفت: «تا این پلاژ به بهره برداری رسید تلاش های زیادی صورت گرفت و از جانب شهرداری نیز هزینه های بسیاری صرف شد تا این آرزوی دیرینه خانم ها برآورده شود و با توجه به اینکه احداث پلاژ نیاز مردم بود و تنها جای ممکن برای ساخت بود که تمام ویژگی های مناسب را داشت اما متاسفانه دانشگاه خلیج فارس در زمانی که بانوان بهترین استفاده را از پلاژ دارند و بر این امر واقفند که دانشجوها، بانوان استان و حتی کشور از این پلاژ استفاده می کنند اقدام به ساخت و ساز کرد.»

علی رغم همه مقاومتها، دانشگاه اصرار بر ساخت دارد

نایب رئیس شورای شهر افزود: «این تنها پلاژی در سطح کشور است که از همه نظر استاندارد می باشد اما دانشگاه خلیج فارس بدون گرفتن پروانه ساخت از شهرداری اقدام به ساخت و ساز کرده و بعد از آنکه حکم دستگاه قضایی رسید کار ساخت و ساز متوقف شد، اما شنیده شده که شبانه ساخت و ساز صورت می گرفته و با توجه به پیگیری هایی که صورت می گرفته و با وجود همه مقاومت هایی که صورت گرفت اما دانشگاه اصرار بر ساخت دارد.»

مسئولان نگذارند تنها تفریح گاه بانوان از آنها گرفته شود

وی افزود:«انتظار ما از مسئولین ارشد استان، معاون استانداری، امام جمعه این است که در این موضوع مداخله کنند و نگذارند تنها تفریح گاه بانوان از آنها گرفته شود چرا که بانوان مکان سالمی برای گذراندن اوقات فراغت ندارند.»

تنها بانوی حاضر در شورای شهر ادامه داد:«در شأن یک دولت اسلامی نیست که از لحاظ ارزشی جایگاه بانوان را در نظر نگیرد و لازم است که نسبت به این موضوع حساسیت داشته باشند، ضمن اینکه ما مالکیت دانشگاه خلیج فارس را نادیده نمی گیریم اما انتظار داریم که با گرفتن مجوز و در نظر گرفتن موقعیت فعلی پلاژ بانوان کار ساخت و سازشان را انجام دهند.»

بروز مشکلات فنی در پلاژ بانوان

داریوش پوربهی نیز که اولین کسی بود که خبر"پلاژ در آستانه تعطیلی" را تایید کرده بود به ایراد سخنانی در خصوص پلاژ بانوان پرداخت.

داریوش پوربهی که هفته گذشته به عنوان رئیس کمیسیون عمران در خصوص پلاژ بانوان اظهار نظر کرده بود به تازگی از این سمت کنار زده شده و این بار به عنوان عضوی از شورا سخن می گوید.

پوربهی می گوید:«یکی از مشکلات پلاژ بانوان شکستن دیوارهای اطراف پلاژ می باشد که به علت عدم استحکام بخشی به زیرساخت های آن این مشکل ایجاد می شود و در حال حاضر بخشی از این دیوار شکسته شده است و ۲ دیوار کاملا از هم جدا شده و هر لحظه امکان ریزش آن وجود دارد و باید هر چه سریعتر به طور اصولی و فنی ترمیم و تعمیر شود.»

او افزود: «مشکل دیگر پلاژ بانوان ته نشین شدن گل و لای در بستر پلاژ می باشد که به علت بسته بودن فضای آن این کار صورت می گیرد و تا کنون هم لایروبی نشده است و بخش زیادی از بستر پلاژ فوق عملا غیر قابل استفاده می باشد و باید هر چه سریعتر لایروبی شود ضمن اینکه عدم وجود امکانات و تجهیزات وسایل تفریحی و ورزشی در فضای آن یکی دیگر از مشکلات می باشد که هر فرد بعد از شنا بتواند از این امکانات ورزشی استفاده کند.»

وی افزود: «اما مشکلی که فعلا به طور جدی گریبانگیر پلاژ شده ساخت و ساز دانشگاه خلیج فارس می باشد که امید است مسئولین محترم دانشگاه در این کار با تعهد و مسئولیتی که در مقابل جامعه خود دارند عمل نموده و این کار را متوقف نمایند چرا که تنها محل تفریح مردم این شبه جزیره استفاده از ساحل دریا و شناور دریا می باشد و این دریا داروی اکثر دردهای پوستی، مفصلی و استخوان دردها و ... می باشد و هر کس که بتواند هفته ای ۲ بار در این دریا شنا کند انسان بانشاط و سرزنده و آماده کار و تلاش می شود.»

این عضو شورا در پایان و با اشاره به نقش بانوان تاکید کرد:«در جامعه ما بانوان دارای محدودیت های خاصی هستند و فضای ورزشی و تفریحی کافی برای آنان وجود ندارد و از آنجا که سلامت و حیات انسانها به سلامت و نشاط بانوان در اداره امور خانه و فرزندان بستگی دارد بنابراین از همه مسئولین استان استدعا دارم اولا در رفع مشکل این پلاژ اقدام نمایند و ثانیا جهت سلامت بیشتر این قشر از جامعه در توسعه فضاهای ورزشی و تفریحی بانوان عنایت ویژه مبذول فرمایند.»

اقدام دانشگاه خلیج فارس، تعطیلی پلاژ بانوان

و اما کشمکش های شهردار و رئیس دانشگاه خلیج فارس که قسمت پایانی گزارش است اما به یک نتیجه ختم می شود...

مهندس شاهپور رجایی درگفت و گو با خبرنگار نسیم جنوب در خصوص اقدام دانشگاه خلیج فارس به ساخت و ساز در نزدیکی پلاژ بانوان، با غیرقانونی دانستن این کار گفت: «قانون حاکم بر ساخت و سازها ماده ۱۰۰ شهرداری ست و اولین توقع ما از دستگاه های دولتی این است که در چارچوب قانون حرکت کنند؛ یعنی هر کسی در هر ابعادی که می خواهد ساخت و سازی انجام دهد باید به شهرداری مراجعه کند و اسناد قانونی و مدارک مورد نیاز را ارائه کند تا مسیر قانونی طی شود و پروانه ساختمان نیز صادر شود و به نوعی در چارچوب قانون مندرج در پروانه اقدام کند که دانشگاه خلیج فارس این اقدامات را انجام نداده است.»

۳ دلیل عمده شهرداری برای مخالفت با ساخت و ساز دانشگاه خلیج فارس

مهندس شاهپور رجایی افزود: «عدم انجام اقدام قانونی، اولین ایرادی ست که بر دانشگاه خلیج فارس وارد می باشد ضمن اینکه ما به شدت پیگیر آن هستیم تا حریم ۶۰ متری دریا آزاد شود و در هر صورت با کاربری های توریستی و گردشگری در اختیار مردم قرار گیرد در صورتی که بخش قابل توجهی از زمینی که دانشگاه خلیج فارس در آن اقدام به ساخت و ساز می کند، در حریم ۶۰ متری دریا و شبکه معابر ساحلی قرار گرفته که با طرح تفصیلی مغایرت دارد و برخورد با پلاژ بانوان سومین ایراد است به طوری که این اقدام دانشگاه خلیج فارس، استفاده از پلاژ بانوان را به طور کامل متوقف می کند.»

فقط ۸ کیلومتر از حریم ۴۰ کیلومتری ساحلی در اختیار شهر است

شهردار بوشهر با انتقاد از مسدود بودن نوار ساحلی شهر بوشهر گفت: « در حال حاضر فقط ۸ کیلومتر از حریم ۴۰ کیلومتری ساحلی در اختیار شهر است (از باسیدون تا پارک شغاب در اختیار شهر است) و در حالیکه بیشتر فضای تفریح گاهی و خدماتی باید در این نوار ساحلی ایجاد شود و با وجود این محدودیت فضا، شهرداری، ضلع غربی پارک دانشجو را برای ایجاد پلاژ بانوان انتخاب کرد.»

کار دانشگاه خلیج فارس، مغایر با اصول شهرسازی

مهندس رجایی تاکید کرد:«این ساخت و ساز، غیر مجاز است و دانشگاه خلیج فارس کار مغایر با اصول شهرسازی را شروع کرده و این اقدام دانشگاه خلیج فارس استفاده از پلاژ بانوان را عملا به طور کامل متوقف می کند.»

وی اضافه کرد:«اگرچه دانشگاه خلیج فارس الزام داشته باشد که در این مجموعه ساخت و سازی انجام دهد اما باید مسیر قانونی باید طی شود و قبل از هر گونه ساخت و سازی باید فکری به حال پلاژ بانوان و موقعیت حفاظتی آن کرد. اما در این میان دانشگاه بدون هماهنگی با ما این کار را شروع کرد و شهرداری هم در یک عمل انجام شده قرار گرفت و ما هم در مدت زمانی که هیچ فرصتی در اختیار نداشتیم دست به انجام دو اقدام زدیم: اول اینکه بعد از ساخت و ساز، بلافاصله انجام کار توسط محدوده کنترل و نظارت شهرداری متوقف شده ولی از آنجا که دانشگاه مجددا ساخت و ساز را ادامه داد حکم مراجع قضایی هم جهت توقف کار گرفته شد که به دانشگاه نیز ابلاغ شده است.»

حضور استاندار در مراسم کلنگ زنی

رئیس دانشگاه خلیج فارس هم دلایل مربوط به خودش را دارد که چندان هم غیر منطقی به نظر نمی رسد.

دکتر تاجیک در گفت و گو با خبرنگار نسیم جنوب گفت: «زمین هایی که مورد نظر ماست محدوده معاونت دانشجویی و فرهنگی ماست و این زمین ها پیش از این به مدت ۲۰ سال متعلق به دانشگاه صنعتی شریف بوده که بعدها به دلیل کمبود فضایی که دانشگاه داشته، به کمک دانشگاه صنعتی شریف و نهایتا در هیئت دولت در تاریخ ۸۴/۳/۴ هیئت وزیران مصوب می کند که زمینهای صنعتی شریف برای استفاده دانشگاه خلیج فارس به آن واگذار شود و بعد از این مصوبه کار تغییر نام انجام می شود و این اسناد به نام دانشگاه خلیج فارس ثبت می شود و در آن زمان که اسناد را تحویل می دهند، تمام کاربری زمین لحاظ شده و نقشه تفصیلی شهر هم موجود بوده است و ما هم طبق برنامه توسعه دانشگاه که از قبل به دنبال آن بودند پس از دریافت این اسناد اقدام به گرفتن اعتبار برای ساختن طرح هایمان کردیم و مجموعا ۴ طرح پژوهشی در آنجا پیگیری شد و نهایتا طی هفت خانی که برای هر پروژه ای وجود دارد در دهه فجر امسال کلنگ زنی شد و استاندار هم در مراسم کلنگ زنی حضور داشتند و اعتبار این پروژه ها ۲۲ میلیارد تومان است.»

ساخت مجتمع رفاهی فرهنگی که به درد استان می خورد

رئیس دانشگاه خلیج فارس از طرح های در نظر گرفته شده برای دانشگاه خبر داد و گفت:«در این طرح ها یک سالن اجتماعات شیک در نظر گرفته شده است که چهره استان را عوض می کند، یک مهمانسرای صد نفره برای اساتید و یک استخر سرپوشیده هم در نظر گرفته ایم که این پروژه توسط وزارت نفت برای ما ساخته می شود و ما هم به عنوان بهره بردار هستیم و سازمان مرکزی دانشگاه هم از اعتبارات ملی ساخته می شود و در نهایت یک مجتمع رفاهی فرهنگی می شود و به درد کل استان می خورد که متاسفانه چنین مجموعه ای به جز در شهرستان جم در استان بوشهر وجود ندارد.»

گفتند حق شما برای ساخت و ساز محفوظ است

دکتر تاجیک افزود: «این پروژه ها با خون دل و بعد از ۸ سال به اینجا رسیده اما حدود ۲ هفته است که تعطیل شده به این دلیل که چون نگران وضعیت پلاژ بودند، شهرداری از ادامه کار ما جلوگیری کرده البته از ابتدای احداث پلاژ شکایات و درگیری ما بوده و ما هم به خاطر اینکه مسائلی پیش نیاید سکوت کردیم و تمام مراجع رسمی کشور در جریان این مسئله هستند و گفتند که حق شما برای ساخت و ساز محفوظ است.»

اجازه دهند که ساخت و سازمان را انجام دهیم

وی افزود: «در این مدت عده ای از فرصت استفاده کرده و پلاژ را افتتاح کردند و الان تقاضای ما این است که اجازه دهند ساخت و سازمان را انجام دهیم و پیشنهاد ما این بود که پلاژ در جای دیگری طراحی شود و دانشگاه هم طراحی و اجرای آن را بعهده بگیرد یا اینکه در جای فعلی پوشش لازم داده شود.»

طراحی مناسبی برای ایجاد پوشش لازم

رئیس دانشگاه خلیج فارس گفت: «در نشستی که برای بررسی موضوع پلاژ داشتیم قرار شد که طراحی مناسبی برای ایجاد پوشش لازم در نظر گرفته شود تا امکان دید از بین رود و ما هم برای ممانعت از دید و اشرافیت بر پلاژ کمک می کنیم تا مشکل حل شود اما بقیه مسائل چون نداشتن پروانه هم قابل حل است و ما هفته گذشته درخواست پروانه از شهرداری کرده ایم و این پروانه را هم اخذ می کنیم.»

بهتر این بود که پلاژ در اینجا طراحی نمی شد

دکتر تاجیک افزود: «بهتر این بود که پلاژ در اینجا طراحی نمی شد و کار درستی نبود و ما از اول هم اعتراض کردیم و خیلی از بزرگان و مسئولان استان نسبت به این مسئله اعتراض کردند به اینکه کار کارشناسی نشده بود و باید جای مناسب تری را انتخاب می کردند اما در هر حال اشتباهی ست که صورت گرفته ولی قابل حل است و می توانیم پوشش را درست کنیم و از طرف دیگر کار ساخت و سازمان را هم انجام دهیم اما ما نمی توانیم کار ساخت و ساز دانشگاه را تعطیل کنیم به این دلیل که پلاژی ۲۰۰ متری در زمین ۷ هکتاری دانشگاه واقع شده.»

سالهاست که منتظر این ساختمان هستیم

وی اضافه کرد:«هر کسی حق مالکیت خودش را دارد و دانشگاه خلیج فارس دانشگاه جامع استان است و رسالتی برای پاسخگویی به نیازهایی که در استان است و ما به شدت به کمبود زمین مواجه هستیم و تمام چشم امید ما و مسئولین دانشگاهیان به این دانشگاه است. ما سالهاست که منتظر این ساختمان هستیم چرا که ساختمان مرکزی ما الان جوابگوی نیازهای ما نیست اما با نیت خیری که وجود دارد امیدواریم طراحی مناسب صورت گیرد و پوشش لازم داده شود واشرافیت از بین رود و ما هم بتوانیم کار ساخت و سازمان را انجام دهیم.»

آیا متقاضیان مسکن مهر رضا باید بروند عالیشهر؟

علی رغم تصور خیلی از شهروندان بی خانه بوشهری مبنی بر اینکه حد فاصل میدان آزادی تا خیابان مطهری به خانه های آنها اختصاص پیدا می کند این اختمال به صفر رسید چرا که تابلوی "تعاونی مسکن کارکنان نداجا" را نصب کردند.

یکی از شهروندان بوشهری در گفت و گو با خبرنگار نسیم جنوب گفت: زمینی که برای ساخت مسکن مهر به آن امید بسته بودیم به تعاونی مسکن نداجا رسید و با این حساب تمام متقاضیان مسکن مهر رضا باید بروند عالیشهر زندگی کنند.

این شهروند ادامه داد: «تا سال گذشته این احتمال وجود داشت که بخشی از خانه های طرح مسکن مهر رضا در سطح شهر ساخته شود البته با این شرط که نیروهای نظامی به بیرون از شهر منتقل شوند اما چیزی که الان می بینیم غیر از این است مثل اینکه تمام نیروهای نظامی باید در سطح شهر باقی بمانند و مردم به جای دیگری منتقل شوند.

پلیس بوشهر از یک فروند شناور بیش از ۲۰ هزار قوطی مشروبات الکلی کشف کرد

فرمانده انتظامی استان بوشهر از شناسایی و متلاشی شدن یک باند بزرگ قاچاق مشروبات الکلی به داخل کشور و کشف ۲۱۹۲۳ قوطی مشروب خارجی خبر داد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، سرهنگ پاسدار "رضا محمدی یگانه "فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: در راستای اجرای طرح مبارزه با مشروبات الکلی و کالا های ممنوعه به داخل کشور پلیس امنیت عمومی استان بوشهر یک شبکه عمده و گسترده تهیه، توزیع و قاچاق مشروبات الکلی خارجی را شناسایی کرد. وی افزود: سرکرده این شبکه اهل بندر گناوه و همدست وی نیز از قاچاقچیان قدیمی و فعال در شمال استان بوشهر بوده که اقلام قاچاق و غیر مجاز را در استان های بوشهر، اصفهان، فارس و تهران توزیع می کردند. سرهنگ "یگانه" از آمادگی و اشرافیت کامل پلیس استان بوشهر در مبارزه با قاچاقچیان و وارد کنندگان اقلام ممنوعه به استان و کشور خبر داد و گفت: سرکردگان این باند قاچاق حدود ۴۰ روز پیش شناوری را از بندر گناوه بصورت غیر قانونی راهی یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس کرده و در آنجا با بارگیری محموله سنگینی از مشروبات الکلی به مقصد جمهوری اسلامی ایران حرکت کردند. وی همکاری و تعامل سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره کل اطلاعات استان بوشهر با پلیس در شناسایی و انهدام این باند بزرگ مشروبات الکلی را مورد تقدیر قرار داد و اظهار داشت: کلیه حرکات و فعالیت های این باند از زمان بارگیری تا حرکت به سمت ایران تحت نظر بوده و نهایتاً پس از ورود شناور به آبهای جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ مایلی جزیره خارک در حالیکه بصورت خاموش لنگر انداخته بود در محاصره ناوچه های پلیس قرار گرفت. فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: این شناور در یک عملیات تعقیب و گریز دریایی به دستورهای «ایست» پلیس توجهی ننموده و با پرتاب یک کیسه پلاستیکی حاوی مقدار زیادی اسکناس قصد پرداخت رشوه و فرار به سمت آبهای بین المللی را داشت. وی در ادامه تصریح کرد: نیروهای عملیاتی پلیس با هدف قرار دادن مخزن سوخت شناور به دورن شناور رفته که ملوانان ضمن مقاومت به درگیری با پلیس پرداختند که نهایتاً پلیس موفق به توقیف شناور و دستگیری ملوانان آن شدند. به گفته این مقام مسئول در این شناور تعداد ۲۱۹۲۳ قوطی انواع مشروبات الکلی خارجی ساخت کشورهای اروپایی و آسیایی توقیف و کشف شد.

یک فروند لنج تجاری در بندر ریگ غرق شد

یک فروند موتور لنج تجاری به علت نامساعد بودن شرایط جوی و نقص فنی در نزدیکی بندر ریگ غرق شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ، یک فروند موتور لنج تجاری به مالکیت شخصی به نام " ع" و ناخدایی فردی به نام " ی" به همراه هفت ملوان با محموله تجاری از مبدا دبی به مقصد گناوه در حرکت بوده که در سه مایلی بندر ریگ دچار آب گرفتگی گردیده و غرق می شود. بر پایه این گزارش ،همه سرنشینان لنج توسط نیروهای کمکی و حلال احمر نجات یافتند. ادامه گزارش حاکیست ، در همین خصوص موتور لنج مذکور به همراه بار موجود به دلیل نا مساعد بودن شرایط جوی و شکستگی از ناحیه تحتانی شناور دچار آب گرفتکی گردیده و کاملا غرق شد.

نقش روحانیت دشتی در مبارزه با استعمار

حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد فولادی



گزارشی به خوانندگان و مردم بزرگ دشتی (خورموج) : خود، مرا دعوت کردند و برای همایش «نقش روحانیون دشتی در مبارزه با استعمار» مقاله خواستند و دو مقاله ارائه شده به همایش، از من پذیرفتند و برای ارائه یکی از آن دو مقاله برای قرائت به خانه ی خویش همایش (خورموج) فرا خواندند. آنگاه که به در خانه ایشان از راهی دور (بدون اطلاع از تصمیم نیمه شبشان) آمدم، مرا راه ندادند – یعنی اجازه قرائت مقاله ام ندادند– مرا تعجب آمد که جای محمدخان دشتی نشسته باشی و بر مردم شجاع و مهمان نواز دشتی (خورموج) حکمرانی کنی و با میهمان خود اینگونه رفتار نمائی و حتی خود را به آن میهمان نشان نداده و از او عذری هم حتی نخواسته (هر چند کسانی که در این مسئله نقشی نداشتند بزرگوارانه اظهار شرمندگی نمودند اما آنها مأمور بودند و معذور و البته عزتمند همچون همه ی مردم دشتی) که گویا اتفاقی نیفتاده است!!!
هر چند خُردی اینان گَردی بر بزرگی مردم بزرگ خورموج نمی نشاند که بسیار جاها روزگار چنین کرده است و برای من نیز این نمونه رفتارها تحمل پذیر شده است که با بزرگمان «خالوحسین دشتی فولادی» نیز از خُردان روزگار بی مهری ها رفته است.و من به آن همایش آمده بودم که از « خالو» بگویم و خود البته از قرائت مقالاتی که توسط محققین ارجمند خوانده شد، بهره بسیار بردم مخصوصاً از سخنان ارزشمند و حکمت آموز عالم ربانی استانمان حضرت آیت الله حاج سید مصطفی حسینی دشتی بوشهری که با تنی رنجور و دلی آگاه، مصباح قرآنی روشن در دست، راه امروز و فردا را برای شنوندگان خود نشان داد. خدای به ایشان و نادر افرادی همانند او عمری طولانی و به دردمندان آگاه زمانمان دلیری و آزادگی عطا فرماید، و فرهنگمان را از مردانگی و عزتمندی محروم نفرماید.

مقدمه: به طور کلی روحانیت مذاهب در همه ی زمانها از قدرت اجتماعی در بین ملتها و نزد دولتها برخوردار بوده اند و نقش اساسی در فرهنگ و تمدن و همچنین در نظامهای سیاسی و حرکتهای اجتماعی ایفا کرده اند و آن نیز چه در جنبه های مثبت و چه در جنبه های منفی، چه در رشد و آزادی و تعالی ملتها و چه در رکود و استبداد و ارتجاع. چرا که روحانیت هر مذهب و دینی دارای جایگاه و پایگاه مردمی و مقدسی است که در بیشتر زمانها مردم به دنبال آنها حرکت کرده و فرمان آنها را لازم و واجب بر خود می شمرده اند.
و این امر از دیرباز، از ایران باستان گرفته تا اندازه ای در عصر جدید و دوران مدرن نیز صادق است.
روحانیت شیعه که از عصر غیبت به عنوان عالمان دین و وارثان علوم امامت و مبلغان شریعت، جایگاه مخصوص در فرهنگ اسلامی داشته اند، بیش از روحانیون مذاهب دیگر از قدرت اجتماعی و نفوذ کلام و فرمان در نزد پیروان خود برخوردار بوده و در برهه های مختلف و حساس زمانی از آن بهره جسته اند به همین لحاظ مردم نیز نگاه و انتظاری دیگر از آنها داشته اند. تاریخ جهان اسلام و به خصوص تشیع گواه حضور همیشگی عالمان دینی در صحنه های سرنوشت ساز اجتماعی دارد که حکایت از پیشتازی آنان در هر جنبش و حرکت اصلاحی و یا اعتراضی در طول تاریخ خویش می کند. اگر بخواهیم شاهدی انکارناپذیر ارائه دهیم کافی است نگاهی به سده ی اخیر بیاندازیم و به مشروطیت در ایران و حوادث پس از آن، نظری افکنیم که چگونه عالمان بزرگ شیعی پیشتاز و یا هماهنگ با حرکتهای مردمی برای اصلاح وضعیت اجتماعی و نظام سیاسی بوده به گونه ای که این سخن از مرحوم دکتر شریعتی که اگر نگوییم به عنوان یک اصل، به عنوان یک شعار در آمد که: «پیشاپیش هر نهضت ضد استعماری و هر جنبش انقلابی و مترقی چهره یک یا چند آخوند را در این یک قرن می بینیم از سید جمال بگیر و میرزا حسن شیرازی و بشمار تا مشروطه و نهضت ...۱»
روحانیت جنوب کشور، فارس و بوشهر و از جمله دشتی نیز بر اساس جایگاه مردمی و اجتماعی خویش و تعهد مذهبی از مشروطیت تا حوادث مهم بعد از آن، در مخالفت با استبداد و ایجاد مشروطیت و در مبارزه با استعمار و تهاجم و اشغال بیگانگان در مجموع حضور فعال و چشمگیری داشته است.
این مقاله بنایش بر آن است که بیشتر تمرکز بر منطقه دشتی و نقش روحانیون آن در مبارزه با استعمار داشته باشد و تا آنجائی که مدارک، اسناد و کتب منتشر شده یاری می کند، نگاهی هر چند به اختصار اما تا آنجا که اسناد کمک می کند نظری جامع داشته باشد و نقص های موجود در آن، ناشی از فرصت و مجال اندک که مانع تحقیق شفاهی و میدانی شده و تنها اکتفا به اسناد مکتوب و کتابهای مطبوع دردسترس شده است.

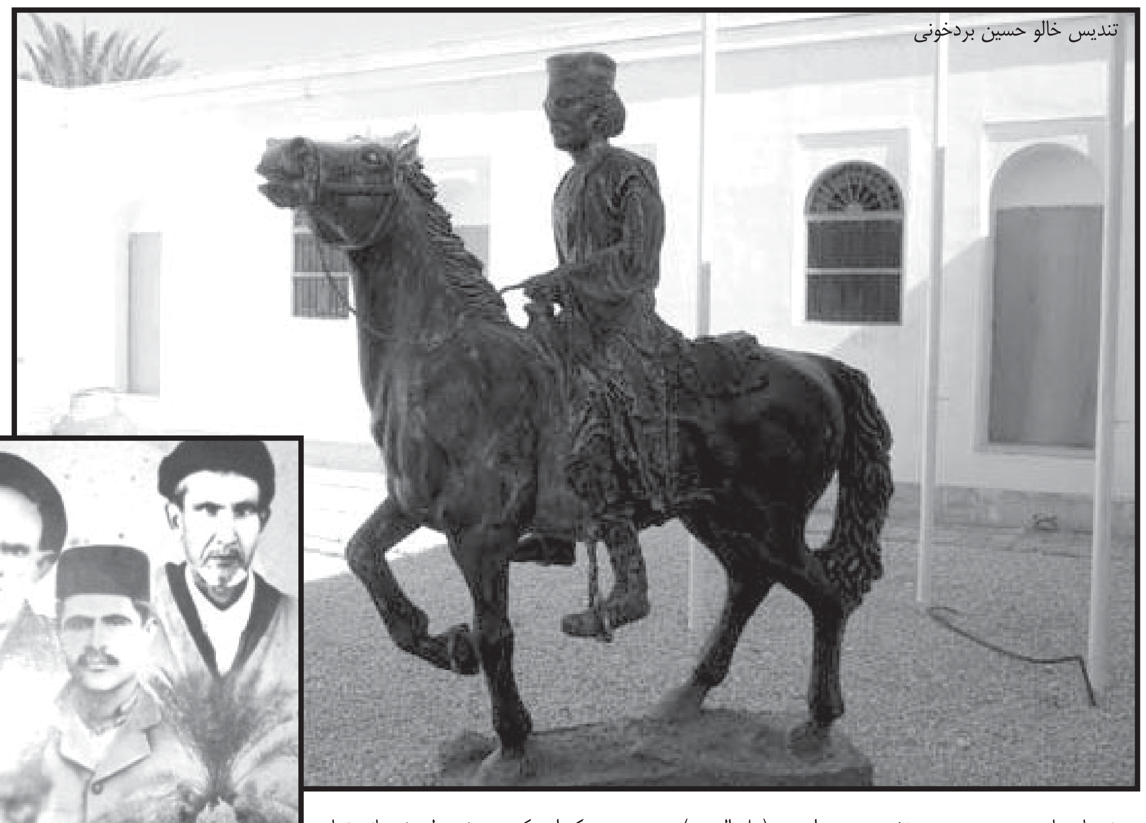
«سرزمین دشتی»

منطقه دشتی واقع در جنوب غربی ایران ۲۷ میلی جنوب شرقی بوشهر و درکرانه ایرانی خلیج فارس از روزگاران کهن منطقه ای آباد و حاصلخیز و دارای موقعیت اقتصادی و پراهمیت بوده و موردنظر پایتخت نشینان و سلاطین افشار و قاجار، به همین لحاظ از صحنه های فعالیتهای سیاسی دولتهای بزرگ و رقابتهای اقتصادی بدور نبوده است.
منطقه دشتی توسط خان اداره می شده است و گذر رود مُند بر جایگاه دشتی افزوده و از ارزش بیشتری از حیث اقتصادی و استراتژی برخوردار نموده است به حدی که منطقه را ماندنستان می خواندند و برای به دست آوردن قدرت منطقه و یا هر ناحیه زد وخوردها و تغییر وتحولات بسیار رخ می داده و بر سرخانی و یا کدخدائی، بعضی اوقات قوم و خویش را نمی شناخته است و برای نابودی رقیب نقشه های عجیب می کشیدند.دشتی از نعمت زمین و دریا هردو بهره مند و رودخانه مند پاسخگوی آب را داده و مردمش برخوردار، از وقتی که ساحل، دریا و کوه را از دست داد مردمانش فقیر شدند و به مرور زمان مجبور به مهاجرت و یا رعیتی دیگران، برای گذران زندگی مجبور به مهاجرت به کشورهای خلیج و یا شهرهایی چون آبادان و... شدند و اهمیت تاریخی آن نیز از دست رفت. مردم دشتی با مقایسه با مناطق دیگر از فرهنگ مذهبی بیشتری برخوردار بودند و حتی خوانین و کدخداهای آن نیز همچون مردمش مقید به آداب و احکام مذهبی و متعصب در آن، به گونه ای که هر کدخدائی یک روحانی مخصوص در بیت خویش داشته و محل رجوع برای حل مسایل دینی یا برگزاری مراسمی چون عزاداری سیدالشهدا و حتی گاهی اوقات هنگام متواری شدن کدخدا، آن روحانی با خود برده و در فرصتهای مناسب روضه خوانی داشته اند. همچون مرحوم «علی سمیل» کدخدای نوکن که مردی مؤمن و دوستدار اهل بیت و برای سادات احترام بسیار قایل بوده اند یا فردی مانند خالو حسین دشتی بردخونی، که در تقوا و تقید به آداب اسلامی و انجام فرائض و مناجات، زبانزد خاص و عام بوده اند. حتی می توان گفت: امری چون روضه خوانی در منطقه دشتی رسم بوده است لذا کتاب «روضه الشهدا» ملا حسین کاشفی بسیار دست نویس می شده و در خانه ی کدخداها و شخصیت های صاحب نام هر منطقه یافت شده و در ماه محرم الحرام از اول محرم تا آخر دهه می خواندند. مردم دشتی دارای طبعی بلند و مردمدار و رعایت کننده ی حلال و حرام و در یک جمله اهل ایمان بوده اند و همین نشان از حضور روحانیت و عالمان پرهیزگار در میان آنان دارد. زندگی آنان سبک زندگی دهقانی قدیم، یک زندگی دودمانی و باستانی که دارای حواشی بسیار بوده است، کدخدایان منطقه دشتی هم متمول و صاحب مکنت و هم دارای تفنگچی و نیزدارای روحانی و جنبه ی مذهبی و بعضی از آنان خود در مسایل دینی دارای اطلاعات در خور توجه و افرادی مسئله دان و متشرع بوده اند. البته تذکر این نکته ضروری است که این گفتار به معنای نفی خطاهای کوچک و بزرگ آنان نیست و یا تأیید بعضاً ستمهائی که به دست عده ای از آنها نسبت به رعیت صورت گرفته است نمی باشد که خاصیت بر قدرت و فرمان نشستن از حد خویش تجاوز کردن است، کافی است چشم باز کنیم تا آنچه باورناکردنی است آن را ببینیم!!
چنانکه خود محمدخان دشتی گفت:
هزاران خانه را بر باد دادم/ که تا بنیاد یک خانه نهادم
از این دست استدم زان دست دادم/ ستم کردم کرم نامش نهادم

«روحانیون دشتی و مبارزه با استبداد»

نقش علماء دشتی در مبارزه با استبداد داخلی و تجاوز خارجی همگام می باشد با همراهی بزرگان منطقه که اداره ی دشتی را به دست داشته اند و این خود یک قانون اجتماعی از دیرباز است که قدرت و روحانیت با هم بوده است چنانکه همنشین دیگر که ثروت باشد از آن دو جدا شدنی نیست و در زمان ها و موقعیتهای مختلف خود را به شکلهای مختلف نشان داده است، چه در جوانب مثبت آن و چه در جوانب منفی.
شاید بتوان گفت اولین حرکت بزرگ و با اهمیت در تاریخ دشتی از نظر سیاسی «تصرف بوشهر» توسط آیت الله سید مرتضی اهرمی «ملقب به علم الهدی» است که برای مبارزه با استبداد و به دست گرفتن امور بوشهر و در مخالفت با روی کار آمدن محمدعلی شاه، صورت پذیرفت. مرحوم سید مرتضی از مجتهد بن و مبارزین زمان خود و از شاگردان آخوند خراسانی و اصالتاً دشتی است چرا که جدشان «سید باقر» ازسادات کاکی و پدرشان «سید جعفر» از کاکی به اهرم مهاجرت می کند و در آنجا رحل اقامت می افکند.(۲)
محمدعلی شاه قاجار با به توپ بستن مجلس در جمادی الاولی ۱۳۲۶ (هـ.ق) دوره جدیدی را در تاریخ تحولات سیاسی ایران با نام استبداد صغیر آغاز کرد که در سراسر کشور با واکنشهای سرسختانه ای از طرف انقلابیون روبرو شد. مردم جنوب ایران و به ویژه بوشهر که از موقعیت سیاسی، تجاری و فرهنگی برجسته ای برخوردار بودند، با حمایت و رهبری سید مرتضی مجتهد اهرمی (علم الهدی) که از شاگردان آخوند خراسانی بودند، در شب ۲۳ آوریل ۱۹۰۹ م، ربیع الاول ۱۳۲۷ ق در یک اقدام سریع و بدون خونریزی، بوشهر را تصرف کرده و حاکم منصوب از جانب محمدعلی شاه را از قدرت معزول کردند.

تندیس خالو حسین بردخونی

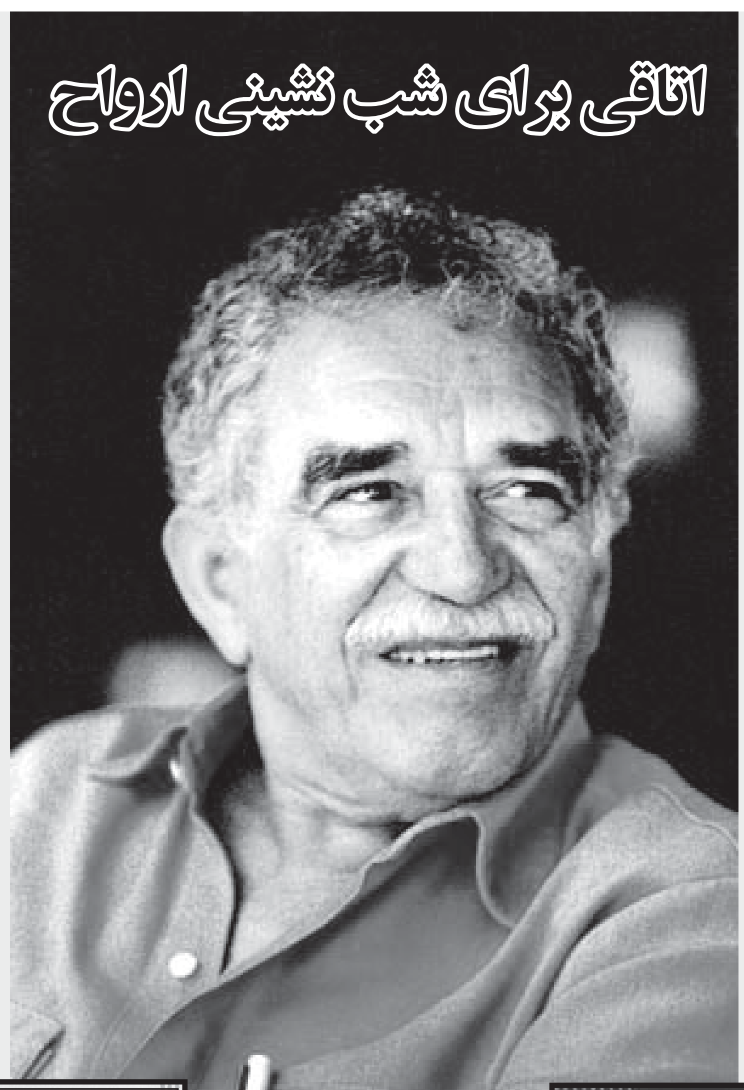




سید مرتضی اهرمی برای مبارزه با استبداد و به دست گرفتن امور بوشهر، پس از دریافت فتوای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و بعد از مشورت با علماء و تجار بوشهری، از عده ای از حکام محلی از جمله «خالوحسین بردخونی» و «رئیس عبدالحسین دشتی» به همراه تعدادی تفنگچی برای خارج کردن مستبدین و طرفداران محمدعلی شاه از بندر بوشهر دعوت به عمل آورد.(۳) صاحب کتاب دانشمندان و سخن سرایان فارس راجع به مرحوم سیدمرتضی علم الهدی اهرمی چنین می نویسد: در اوایل مشروطه و طغیان شاه مخلوع (محمدعلی میرزا قاجار) به فتوای مرحوم سیدعبدالحسین مجتهد لاری و هم با اجتهاد خود رئیس علی دلواری را با صد تفنگچی به بوشهر خواست و با مدد آنها و آزادیخواهان بوشهر تمام ادارات دولتی بوشهر را از دست مستبدین و نمایندگان شاه مخلوع خارج ساخت و خود رتق و فتق زمام امور بندر را به دست گرفت و چندی حکمران و آمر و ناهی بوشهر بود.(۴)
اخبار قیام آزادی خواهان بوشهر با واکنش های شدیدی از جانب کاپیتان ترور (Trevor) کفیل کنسولگری بوشهر که در غیاب ماژور کاکس (Sirpercy cox) سرکنسول انگلیسی در بوشهر، انجام وظیفه می کرد همراه بود. تصرف گمرک بوشهر که بر اساس وثیقه ای در دوران حکومت مظفرالدین شاه قاجار در اختیار انگلیس بود، هر چه بیشتر به تیرگی روابط بین مشروطه خواهان بوشهری و انگلیسیها افزود تا آنجا که انگلیسیها خواستار آن شدند که رهبران ملیون بوشهر و سیدمرتضی در امور گمرکات مداخله نکرده و همانند گذشته کنترل گمرک بوشهر را به کارکنان بلژیکی واگذار نمایند. مشروطه خواهان بوشهری این پیشنهاد انگلیسیها را که جنبه سیاسی و دیپلماتیک داشت، رد کرده و صریحاً اظهار داشتند که اعمال درخواست آنها منوط به توافق و اجازه آخوند خراسانی است.(۵)
سر جرج بارکلی در گزارش محرمانه به سر ادواردگری از طهران در ۲۴ مارس ۱۹۰۹ م/۴ فروردین ۱۲۸۸ .ش/۱۳۲۷ ق : احتمال حمله ملیون به بوشهر و تحت کنترل گرفتن اداره آن شهر، نشان از حساسیت انگلیس نسبت به حرکت ملیون دارد. آقا جنبش ملی فعلاً تا بنادر خلیج فارس منبسط گردیده، بوشهر و بندرعباس سر از انقیاد و اطاعت شاه پیچیده و بدون خونریزی در تحت سلطه ملی قرار گرفته اند در آخر فوریه قنسولگری دولت فخیمه از بوشهر را پورت داد که سید مرتضی اهرمی یکی از ملاهای نامی بوشهر در صدد است که یک عده از تفنگچیان ایلیاتی را به قصد تولید انقلاب وارد بوشهر بنماید. ماژورکاکس شرحی به حکومت محلی نوشته و تأکید نموده که اگر این شهرت متضمن صحتی است اقدامات احتیاطی را به عمل بیاورند کفیل جنرال قنسولگری روس با ماژورکاکس مشورت نموده و اظهارات مجدد به نایب الحکومه کردند و او جواب داده بود که مشغول اقدامات لازمه برای جلوگیری از اغتشاش هست.(۶)
در گزارش دیگر سر جرج بارکلی به سر ادواردگری با نمره ۱۲۹ تلگراف (واصله در ۲۳ مارس) از تهران ۲۳ مارس ۱۹۰۹ تلگراف ذیل از کفیل جنرال قنسولگری انگلیس مقیم بوشهر: امروز سید مرتضی اهرمی از طرف ملیون بطریق مسالمت آمیز مهام حکومت را به تصرف در آورد، برای این قصد یک عده تفنگچیان تنگستانی را وارد بوشهر نمود، مسئله تصرف گمرک موضوع بحث است ولی تا حال مداخله ای در این باب نشده، من در صدد اطلاع دادن به سید مزبور هستم که گمرکات نزد ما مرهون است «حاکم هنوز غیبت دارد مأمورین عمده مستعفی شده اند».(۷)
وقتی که مرحوم آیت الله سید مرتضی علم الهدی اهرمی موفق می شوند بدون خونریزی بوشهر را به کنترل خویش درآورده و گمرکات آنجا را در اداره ی خویش بگیرند، محمدعلی شاه به خاطر جلب نظر سیدمرتضی، لقب «نظام العلماء» را به وی اعطا و ماهی پانصد تومان مقرری برای وی برقرار نمود، ولی سید زیربار نرفته و به مبارزه ادامه می دهد، و حدود نه ماه بوشهر در اختیار آزادی خواهان و طرفداران مشروطه می ماند. در این مدت سیدمرتضی حاکم مطلق بوشهر است و به انتظام امور مردم آنجا می پردازد.(۸)
احمدخان دریا بیگی حکمران بوشهر که هنگام تصرف بوشهر به دست ملیون به تهران سفر کرده بود، ضمن تماس با فاتحان تهران خود را مدافع مشروطه معرفی کرده و با شتاب راهی شهرهای مقدسه در عراق می شود. در آنجا آخوند خراسانی را به جانبداری خود از اصول مشروطیت خاطر جمع ساخته و به علمای بزرگ نجف قول مساعد می دهد که از حکومت مشروطه پشتیبانی نماید. او که از حمایت فاتحان تهران و نمایندگان سیاسی دولتهای خارجی مستقر در بوشهر و علمای اعلام شهرهای مقدس عراق برخوردار شده، در حالی که حامل نامه ای از علمای بزرگ بود با کشتی پرسپولیس به بوشهر مراجعت کرد.(۹)
محمدعلی شاه که ناامید از فریب سید شده و با وعده و طمع نتوانسته نظر سید را به سود خود تغییر دهد، دستور می دهد به احمدخان دریابیگی که به قلع و قمع مشروطه خواهان بپردازد و عامل و حاکم استبداد در بوشهر نیز با ضرب و شتم و شایعه پراکنی، اطرافیان و طرفداران سیدمرتضی را از اطراف ایشان دور کرده و سید تنها می ماند.(۱۰)
طرفداران سید که به خاطر نرسیدن مواجب و مقرری به آنان، دست به غارت بوشهر زدند (و چه بسا به تحریک عوامل حکومت برای بدبین کردن مردم نسبت به آزادی خواهان مشروطه، عده ای دست نشانده و یا فریب خورده دست به چنین کاری زده باشند که نمونه اش در گذشته و حال به فراوانی دیده شده است) سرانجام خانه ی سید که در محله ی کوتی و کنار کنسولگری انگلیس قرار داشت، توسط مخالفان مورد حمله مسلحانه قرار گرفت.(۱۱) و به نقلی دیگر: خانه ی ایشان را به توپ بستند، اموالش را غارت کردند و خودش را با بی احترامی و اهانت در کوچه و بازار گرداندند. سپس او را زندانی کرده و به عراق تبعیدش نمودند.(۱۲) سید به دست «مسترچیک ویس» کنسول انگلیس در سبزآباد بوشهر دستگیر و به کنسولگری انگلیس می برند.(۱۳).
وقتی خبر دستگیری سید و بدرفتاری انگلیس ها با وی به مردم دشتی و تنگستان می رسد، عده ای از رؤسای دشتی به همراه رئیس علی دلواری که همرزم سید مرتضی بودند در صدد تسخیر بوشهر و آزادی سید برمی آیند ولی دریابیگی حکمران بوشهر از این خبر آگاه شده و سیدمرتضی را با کشتی مظفری بعد از چند روز اقامت در دریا، به دستور محمدعلی شاه به نجف اشرف تبعید می کند.(۱۴)
این حوادث همراه است با حوادث استبداد صغیر و قدرت یابی جناح قدرتمند بختیاریها در تهران که مسیر جریان حرکت مشروطه خواهان در بوشهر نیز تغییر می کند و جریان به ضرر سید مرتضی اهرمی و حتی به ضرر کنسول آلمان سیر می کند.
اسناد تاریخی بیانگر آن است که ترفند پیاده نمودن چهارصد تفنگچی انگلیسی در شبه جزیره بوشهر، با موافقت و حمایت نمایندگان سیاسی دولتهای خارجی از جمله لیستمان کنسول آلمان در بوشهر که در آن زمان در این بندر حضور داشت، همراه گردید. سید مرتضی و برخی از همکارانش دستگیر و به نجف اشرف تبعید شدند و با استقرار احمدخان دریابیگی که تمایلات انگلوفیل داشت، بار دیگر اوضاع به نفع انگلیسیها تغییر کرد(۱۵). به نظر می رسد تنها شدن سید و پذیرش دوباره احمدخان دریابیگی بدون مزاحمت چندانی توسط مردم، علاوه بر تبلیغات و توطئه ها بر علیه سیدمرتضی علم الهدی اهرمی توسط عمال حکومت، ملاقات دریابیگی در نجف اشرف با علمایی چون آخوند ملا محمد کاظم خراسانی که جزء مراجع بزرگ و رهبران مشروطه بودند بی تأثیر در سکوت مردم و همراهی نکردن مؤثرانه با مرحوم سیدمرتضی، نبوده دور از حقیقت نباشد چرا که تاریخ و اسناد باقی مانده حکایت از دخالت و یا اعتراض علمای دیگر و مؤثر بوشهر در این حادثه ندارد.
عامه ی مردم، دلسرد شده بودند به خاطرکارهای ناشایستی، که از دست عده ای به ظاهر طرفدار سید سرزده بود مانند غارت بازار بوشهر و به یغما بردن اموال مردم که وزارت خارجه انگلیس در گزارشی می گوید: به توسط تعدادی از نیروهای به ظاهر طرفدار سید که غالبا صحرانشین بودند صورت گرفته است.(۱۶)
جنرال کنسول انگلیس که قصد داشت اذهان دولتمردان انگلیس را در تهران، انگلیس و هند مشوش نماید، در گزارش به بار کلی اوضاع بوشهر را متشنج و غیر قابل کنترل معرفی کرده و پیش بینی کرد که اگر راه نجاتی پیدا نشود بیم آن است که اهالی همگی به کنسولگری انگلیس پناهنده شوند.(۱۷)
سر ادواردگری وزیر امورخارجه انگلیسی در پاسخ به گزارش جنرال کنسول انگلیسی در بوشهر و گزارش بار کلی موافقت خود را با مداخله نظامی اعلام داشته و به بهانه مخاطره آمیز بودن اوضاع بوشهر و تأمین جانی اتباع انگلیس و دیگر اتباع بیگانه به ناوسلطنتی فاکس (FOX) دستور داد تا از بندرعباس به جانب بوشهر رهسپار گردد.(۱۸)
در روز دوم آوریل ۱۳۲۷/۱۹۰۹ ق، کشتی فاکس وارد بوشهر شد و در لنگرگاه بیرونی استقرار یافت. با موافقت و تأیید وزارت امور خارجه ایران(۱۹) و تأیید ضمنی نمایندگان سیاسی دولتهای روس، عثمانی و آلمان برای مداخله انگلیس در بوشهر، جنرال کنسول انگلیسی در تلگرافی به سرجورج بارکلی، لزوم مداخله فوری در وقایع بوشهر را یادآور شد. سرادواردگری در تلگراف مورخ آوریل ۱۹۰۹/ربیع ۱۳۲۷ ق، موافقت خود را با عملیات در بوشهر اعلام نمود. نماینده سیاسی انگلیس مستقر در بوشهر با سید مرتضی تماس گرفته و اتمام حجت نمود تا در اسرع وقت تفنگچیان تحت امر وی بوشهر را ترک نمایند اما به دنبال رد درخواست از طرف سید، افراد نیروی دریایی انگلیس در ساحل پیاده شدند و ساختمان گمرک واقع درشمال شرق شهر، همجوار با بانک شاهی و تجارتخانه وانکهوس و شرکاء را به تصرف خود درآوردند.(۲۰)
در منطقه دشتی عالمان ارجمندی زندگی می کردند که منشأ آثار و خدمات ارزشمندی شده اند و این مقاله بنابر بیان نام آنان را ندارد و هدف نگارش این مقاله ذکر نام عالمانی است که نقشی در مبارزات مردم با استبداد و استعمار داشته اند و اینجاست که با نام تعداد اندکی از روحانیون صاحب نام مواجه می شویم که در کتب و اسناد پیرامون نهضت ضد استعماری مردم بوشهر در دست است از آنها یاد شده باشد. از این نکته نیز نباید غفلت کرد و از ذکر آن استنکاف ورزید که نقش شخصیتهایی چون رئیس علی دلواری، زایر خضر خان تنگستانی و شیخ حسین خان چاهکوتاهی و در دشتی خالوحسین بردخونی چنان برجسته است که حضور بسیاری از روحانیون تحت الشعاع آنان قرار گرفته است.
هر چند استثناهایی چون آیت الله مجتهد بلادی بوشهری و آیت الله سیدمرتضی اهرمی (علم الهدی) و آیت الله شیخ محمدحسین برازجانی که پیشتاز و نقش رهبری را به عهده داشته اند و مورد مشورت سران مبارزه بوده و با فرمان آن بزرگواران مردم پا به میدان خطر می نهادند، گفتار و فرمانشان اتمام حجتی شمرده می شده که گویا امام عصر دستور داده است و تخلف گناه است و در صورت تخلف در صف یزیدیان قرار گرفتن است.
رئیس علی دلواری گاهی اوقات گلایه می کند که از فلان روحانی درخواست کمک کردند اما او جواب نداده است.
رئیس علی در تاریخ ۱۱ جمادی الاول ۱۳۳۳ در نامه ای به آقای شیخ محمدحسین مجتهد برازجانی مقیم برازجان ارسال داشته و گلایه می کند که با وجود اینکه علماء و پیشوایان دین در کربلا و نجف حکم جهاد داده و امیدهای کلی از ماها داشتند از ما مأیوس شدند. بعد اشاره می کند که تا به حال خدمت آقای حاج سید غلامحسین (از علمای مقیم بوشهر) ده عریضه عرض کرده ام جانب خدا به کلی جواب نکرده اند. (۲۱)
مردم دشتی به فرماندهی بعضی از حکام متنفذ و قدرتمند محلی از جمله «خالوحسین بردخونی»، «رئیس عبدالحسن رزمی» حاکم سنا، «رئیس خورشید» حاکم گنخک و «رئیس عبدالحسین بجیکی» از فقیه حسنان، از همان آغاز با حضور گسترده خود در قیام جنوب، غیرت مذهبی، ملی و نوع دوستی خود را به اثبات رساندند.(۲۲)
قیام مردم جنوب، قیامی ملی مذهبی بوده است و عرق ملی و تعصب میهنی و دفاع از مرز و بوم کشور حرف اول را می زده و از آنجائی که مردمانش مؤمن بوده اند تعهد مذهبی و دفاع از وطن از دستور الهی می دانستند و شهادت را سعادت می شمردند. چنانکه رئیس علی دلواری در ملاقاتی که همراه خالوحسین دشتی در اوایل ماه رمضان ۱۳۳۳ هجری قمری در بوشهر با مرحوم حاج سید محمد رضا کازرونی – تاجر وطن پرست– داشته اند، می گوید: هم اکنون به بوشهر حرکت نکردم مگر به نیت مدافعه از وطن... از جد بزرگوارت عطف توجه و از خودتان التماس دعا را امیدوارم. من می دانم که آخرالامر در این جنگ کشته می شوم. ولی آیا جان بازی من در راه دین و وطن شایان اهمیت است. جان صدها هزار امثال من فدای یک ذره خاک ایران باد.(۲۳)
در بعضی از کتب مربوط به بررسی نهضت ضد استعماری مردم جنوب به این نکته اشاره شده است که مرحوم خالو حسین بردخونی با فتوای مستقیم آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی که حکم جهاد داده بودند و به طور مستقیم برای خالو فرستادند پا به میدان جهاد نهادند و نقش خالو آنقدر مهم بوده است که به نقلی مرحوم آیت الله سید عبدالله بلادی خود به دشتی مسافرت نموده و ضمن دیدار با خالوحسین، وی را به مبارزه با بیگانگان دعوت می نماید.(۲۴) (متن فتوای جهاد میرزای شیرازی توسط مرحوم حاج ابوالقاسم فولادی فرزند ارشد خالوحسین به مرحوم علیمراد فراشبندی سپرده می شود و دیگر به بازماندگان خالو باز گردانده نمی شود.)
یکی دیگر از روحانیون دشتی که مردم را به مبارزه و جنگ با قوای انگلیس دعوت می کند، مرحوم آخوند ملاحسن گنخکی است. ایشان والد آیت الله حاج میرزا احمد دشتی گنخکی است که در گفتاری شفاهی پیرامون نقش والد ماجدشان می فرمایند: «مرحوم آخوند ملاحسن گنخکی خود برای جنگ بر ضد قوای انگلستان اعلام جهاد نمود و از جمله کسانی که دعوت به جنگ با دشمن نمود، اسماعیل محمدعلی و دو فرزندش به نامهای اسماعیل و علی بود» (علی سمیل، علی اسماعیل فخرایی کدخدای نوکن).
در نامه ی ایشان آمده است: بسم الله الرحمن الرحیم گرامی منزلت مشفق مهربان اسماعیل محمدعلی و محمد اسماعیل و علی اگر جویای اخبار باشید اردو انگلیس از عالی چنگی و گورک تجاوز نکرده (نگذشته) و اکنون جای مردانگی و دینداری است.... (۲۵)
خود آخوند در میان نیروهای شرکت کننده حضور دارند و به بندرگاه هلیله می روند.(۲۶)
از جمله روحانیون که در تشویق و ترغیب مردم نقش مؤثری دارند، آقا سیدعلی نقی دشتی و میرزا باقرگزدرازی و میرزا ابراهیم دشتی صدیق است. رئیس علی دلواری (بنا به نقل مرحوم سیدمحمدحسن نبوی) به آقا سیدعلینقی دشتی ارادت می ورزیده و مسایل دینی خود را به ایشان ارجاع می داده است. میرزا ابراهیم دشتی متخلص به صدیق که رئیسعلی او را دعوت می کند و در پیش خود نگه می دارد تا نامه ها را ایشان به افراد مختلف بنویسد. به روایت نبوی: «مرحوم پدرم سید محمد صادق نبوی، که از آغاز زندگی و دوران جوانی با مرحوم صدیق رابطه ی اشنائی و دوستی داشته، یک بار به اتفاق چندنفر به عزم ملاقات رئیسعلی به دلوار می روند. پس از چند روز اقامت در آنجا از رئیسعلی تقاضای مرخصی می نمایند رئیس می گوید: مختارید، می خواهید به امور زندگیتان برسید مانعی نیست، اما میرزا ابراهیم باید پیش من بماند زیرا نامه هایی باید به اشخاص بنویسم که نوشتن آنها در توان میرزا ابراهیم است».(۲۷)
با شروع جنگ بین الملل اول و احتمال تجاوز متفقین به ایران و نقض بی طرفی ایران، رئیس علی پیش بینی حمله انگلیس را به بوشهر و دلوار می نماید و به فکر تهیه تجهیزات و نیروی رزمی می افتد. لذا با ارسال نامه به شخصیتهای علمی و دینی و مکاتبه با خان ها و رؤسای قبایل و عشایر و اعلام خطر حمله ی انگلیس به منطقه ی بوشهر، دست استمداد و کمک را به سوی همه دراز می کند. نزدیکترین جا به دلوار منطقه دشتی است که رئیس علی به آنجا امید فراوان بسته بود. اما رؤسا و کدخدایان دهستانهای دشتی اختلاف و دشمنی داشتند .... لذا رئیس علی تصمیم می گیرد ابتدا رفع اختلافات و منازعات کند و با ایجاد صلح و سازش و اتحاد همه را آماده ی نبرد کند و برای عملی ساختن نظر خود از دلوار عازم دشتی می شود.
ابتدا به روستای چاوشی وارد می شود، سادات چاوشی مقدمش را گرامی می دارند و از آنجا به درازی و میانخره می رود. در میانخره در منزل «آقا سید علینقی» مقصد و مقصود خود را که رفع اختلافات و برقراری صلح و سازش بین رؤسا و کدخدایان دشتی است، با آقا سید در میان می گذارد و از او یاری می طلبد تا از احترام و نفوذی که دارد در نیل به مقصود کمک کند. آقا با تمام وجود اعلام آمادگی می کند و با ملاقات با بعضی از سران و سفارش به بعضی دیگر همه راهیابی صلح و آماده کمک به رئیس علی و جان فشانی و مددکاری در راه اسلام و مقابله با دشمن استعمار می باشد(۲۸).
روحانیون دشتی در یک نبرد دیگر به نام «جنگ سربست چغادک» نیز حضور دارند. جنگ سربست چغادک که در نقض عهد و زیر پا گذاشتن قرارداد متارکه جنگ توسط دشمن که با شکست مجاهدین به پایان می رسد.هنگام جنگ سربست چغادک، تبلیغات روحانیون دشتی برای مقابله با قوای انگلیس به اوج خود رسیده بود مرحوم ملاحسن گنخکی با عده ای به هدف جنگ با دشمن حرکت نمود .
آیت الله حاج میرزا احمد دشتی نقل می کند که: «خود مرحوم والد دست به تهیه قوایی علیه دشمن نمود. از جمله کسانی که برای جنگ آماده شده و به گنخک آمدند عبارت بودند از حاج میرزا محمود دشتی، معروف به نمازی از گنخک، رؤسا آقا شیخ عبدالعلی از زیارت. آقا شیخ ابراهیم سرمستانی، آقا شیخ ابراهیم بحرانی از دیر و نیز بعضی از سادات محترم کاکی از جمله سید حسن آقا علی. مرحوم والد تا خورموج آمدند در آن سال آنفلوآنزا پیش آمد و چند نفر از تفنگچیان وی نیز بر اثر بیماری فوت نمودند بعد برگشتند.(۲۹)
در منطقه دشتی، روحانیون طراز اول همچون حضرت آیت الله سیدمرتضی اهرمی ملقب به علم الهدی نامش در اسناد نهضت برجسته است اما دیگر روحانیون به عنوان همراه و همگام با خالوحسین دشتی بردخونی و زایر خضر خان اهرمی و رئیس علی دلواری می توان نام برد و شاید به این خاطر نامشان برجسته نشده است چون مرجعیت دینی نداشته و تنها در مناطق مسکونی خود مطرح بوده اند و دیگر آنکه در مقابل درخشش فتاوای علمای عظامی چون آیت الله میرزای شیرازی، آیت الله بلادی بوشهری، آیت الله شیخ جعفر محلاتی، آیت الله شیخ حسن آل عصفور، آیت الله سید عبدالحسین لاری و آیت الله شیخ محمدحسین برازجانی، به چشم محققین نیامده اند. البته نباید این مطلب را نیز ناگفته گذاشت که بسیاری از روحانیون به هر دلیلی دخالت در امر نهضت و مبارزه نکردند و لذا حضور آن عالمان ارزشمند قابل تقدیر است چنانکه همه خالو حسین دشتی نمی شوند، همه هم آیت الله بلادی و آیت الله علم الهدی نمی شوند .کسانی که با مرحوم خالو حسین دشتی همراهی کردند از روحانیون محلی که منبر وعظ و خطابه داشته اند نیز بوده اند که اسلحه به دست گرفتند و جنگیدند. منطقه ای که خالو حسین کدخدائی آن را به عهده داشتند از دیرباز عالم پرور و دارای حوزه و مدرسه علمیه بوده و از نقاط دیگر به آنجا رفته و تحصیل علم می کردند. مدرسه علمیه بردخون توسط آیت الله حاج شیخ عبدالنبی بحرانی تأسیس شده است و سطوح اولیه دروس دینی را در آن مدرسه به طلاب آموزش می دادند.(۳۱)
و در اینجا باز لازم است از اولین مدرسه جدید در بردخون از مدرسه فولادی یاد کرد که توسط فرزند برومند خالوحسین، مرحوم حاج ابوالقاسم فولادی تأسیس شد و به جای چوبدستی چوپانی، مداد و قلم به دست فرزندان بردخون داد و همچون پدرشان کاری کارستان کرد.
در پایان به این نتیجه می توان رسید که در نهضت مقاومت جنوب در هر سه بار در دوره قاجار که با تهاجم انگلستان به مرزهای جنوبی کشور به وقوع پیوست، حضور دلاور مردان جنوبی ازروحانی تا کدخدا و از فقیر تا غنی و از رعیت تا خان همه حضور داشتند لذا آن نهضت و مقاومت، نهضتی ملی مذهبی است که هم ایمان و انجام وظیفه و هم عرق میهنی و دفاع از خاک و وطن در آن با هم عجین شده و جاودانه مانده است.
منابع در دفتر هفته نامه نسیم جنوب موجود است .

نسیم جنوب ۴
ادب و هنر
شماره ۵۴۶ یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

اتاقی برای شب نشینی ارواح





محمد حسن آرش نیا :
گابریل گارسیا مارکز نویسنده کلمبیائی تبار معاصر و برنده جایزه نوبل سال ۱۹۸۲ می باشد. امروز حتی مردم عادی جهان هم او را می شناسند و آمریکای جنوبی به وجود او افتخار می کند. کسی که مردم به وسیله او کلمبیا را شناخته اند. او مبتکر نوع متفاوتی از داستان نویسی است که در آن تخیل و واقعیت چنان در یکدیگر ممزوج شده اند که تفکیک آنها از یکدیگر امکان ناپذیر است. قهرمان داستانهای وی مربوط به چهار نسل پیش از او هستند که اکنون حتی نامی از آنها در خاطره ها نمانده است و نام و سرگذشت آنان که اکنون شکل افسانه بخود گرفته اند. مارکز در کودکی از مادر بزرگ خود که او نیز از مادر بزرگش، یعنی مادر بزرگ مادر بزرگش شنیده بود، شنیده است دهکده یا شهری بنام مکاندو که محل جغرافیائی داستانهای او هستند، با تمام خانه ها و کوچه ها و میدان هایش وجود خارجی نداشته بلکه زائیده تخیل قوی وی هستند.

مارکز بنا بر گفته خود به هنگام کودکی در خانه ای زندگی می کرد که همیشه یک اطاق آن را برای دورهم جمع شدن ارواح قوم و خویش ها خالی می گذاشتند.

پس از بدنیا آمدن گارسیا مارکز پدر بزرگ مادری اش او را نزد خود برد تا بزرگ کند، در کارائیب سپردن کودکی که پدر و مادرش دست به دهان باشد به پدربزرگ و مادر بزرگ کودک امری عادی است، به این ترتیب گارسیامارکز در کنار پدربزرگ و مادر بزرگ و عمه هایش در خانه ای جادار و بزرگ تربیت شد او از این خانه به عنوان خانه ای جن زده یاد می کند: «در هر اتاق آدم های مرده و خاطراتی نهفته بود و پس از ساعت شش غروب خانه به صورت جایی نفوذ ناپذیر درمی آمد و دنیائی بود آکنده از ترس، از اتاق ها دائم صدای پچ پچ می آمد در خانه اتاقی وجود داشت که عمه پترا درآن مرده بود، اتاقی وجود داشت که عمو لازارو در آن مرده بود، بنابراین شب ها نمی شد قدم از قدم برداشت چون تعداد مرده ها بیش از زنده ها بود. هوا که تاریک می شد من در گوشه ای می نشستم و با خود می گفتم از این جا تکان نخور چون در غیر این صورت عمه پترا که در اتاقش جا خوش کرده یا عمو لازارو که درآن یک اتاق است سرو کله شان پیدا می شود و سر جایم میخکوب شده بودم».

لذت بردن از داستانهای ماکز مستلزم این است که خواننده آنها را در ذهن خود تصویر کند و توقع واقعیت داشتن آنها را نداشته و تخیل را بعنوان عنصری غیرقابل انکار پذیرفته باشد و بتواند به آن خیال پردازی ها ارزش واقعی بدهد.

شخصیتهای داستانی وی اکثراً دوزیستی هستند و در دو زمان متفاوت حد فاصل بین چهار نسل پیش و نسل معاصرش زندگی می کنند. عناصر فوق طبیعی برای گارسیامارکز بخشی از واقعیت روزانه است، و ساحل



کارائیب زادگاه او محیطی است که از فرهنگ های گوناگون به وجود آمده و فرهنگ حاصل که از اختلاط افسون، راز، نادانسته ها سرچشمه گرفته است عنصری جذاب در دستهای رمان نویس به شمار می آید. او ذهنیت ها و دنیای اوهام مردمش را چنان دقیق توصیف می کند که عمیق تر از واقعیت در خواننده اثر می کند.

هر چند بسیاری از منتقدین مارکز را با فالکز مقایسه کرده و او را پیرو فالکنر نویسنده جنوب امریکا می دانند و کتاب «صد سال تنهائی» مارکز را با «خشم و هیاهو» ی فالکنر در یک ردیف می دانند، اما فضای ذهنی مارکز و محیط جغرافیائی او به ما و ذهنیت ما نزدیک تر است تا فالکنر. تفکری که در داستانهای فالکنر وجود دارد عمیق و بدون تکیه بر تخیل می باشد اما در کارهای مارکز تخیل بستر داستان است و از همان اول خواننده می پذیرد که با یک تخیل پیچیده مواجه است و همه اعمالی که از طرف قهرمانان داستان ارائه می شود، مجازی هستند از این رو داستانهای فالکنر عمیق تر و توانمندتر هستند اما داستانهای مارکز زیباتر و دلپذیرتر می باشند. فالکنر از بومیان سواحل می سی سی پی در جنوب آمریکا سخن می گوید ولی مارکز از بومیان سواحل کارائیب در آمریکای جنوبی.

دهکده تخیلی ماکوندو در کتاب «صد سال تنهائی» اندکی به دهکده آرکاتاکا در منطقه سانتامارتا در کشور کلمبیا شباهت دارد که گابریل گارسیامارکز در سال ۱۹۲۸در آن جا بدنیا آمده است. داستان خانواده «بوئندیا» نیز بی شباهت به داستانهائی نیست که مادر بزرگش برای او تعریف کرده است وی در این باره می گوید: «قصه گوی بزرگی بود صداش گوئی زمزمه یی بود از جهانی دور دست که از ماورای او به گوش می رسید.»

این جهان برای گابریل گارسیا مارکز همچنان جهان کودکی او باقی مانده است.

داستانهای بلند مارکز عبارتند از «صد سال تنهائی–عشق سال های وبا و پائیز پدر سالار» و مجموعه ای از داستانهای کوتاه وی. در کتاب «صد سال تنهائی» که سرگذشت چندین نسل از خانواده «بوئندیا» گزارش می شود مرز میان واقعیت و خیال ازبین می رود و توانائی واطمینان ما در تمایز میان این دو کاهش می یابد. «صد سال تنهائی» در واقع استفاده شرایط زندگی آدمی است، نمایش جبر فولادینی است که بر زندگی آدمها حکومت می کند. تنهائی، خشونت و نفرینی که در سایه آن خانواده « بوئندیا » در رنج هستند همه و همه بینش تراژدی گونه مارکز را تصویر می کنند.در «صد سال تنهائی»، «ملکیادس» دوست «سرهنگ» که سالها پیش مرده است در اتاق کار به دیدنش می آید. «سرهنگ» نخست او را به جا نمی آورد و وقتی «ملکیادس» خود را معرفی می کند با تعجب به او می گوید: «فکر نمی کردم مرده ها بعد از مردنِ هم پیر می شوند». در کتاب دیگری احتمالاً «عشق سالهای وبا» کافه ای است که شبها برای مشتریانش یک بشقاب پیاز پوست کنده می آورد و روی میز جلوی آنها می گذارد تا کسانی که اشک هایشان خشک شده یا گریستن را فراموش کرده اند بدین وسیله اشکشان جاری شود.

هر چند کتاب «صد سال تنهائی» شاهکار مارکز می باشد ولی کتابهای دیگرش نیز ارزشمند هستند و انگیزه ای در خود نهان دارند که خواننده را به خواندن داستانهایش ترغیب می کند.

گارسیا مارکز تا حد بسیار زیادی از جایگاه خود به عنوان نویسنده فراتر رفته و به صورت پدیده ای درآمده پدیده ای که آثارش نه تنها تحسین و احترام بلکه محبت و صمیمت همه را برانگیخته است.

اهدای جایزه نوبل ادبیات به گارسیا مارکز تائید رسمی بر بسیاری نکته هاست که از جمله می توان به اقبال خوانندگان آثار او بخصوص انسان دوستی تمام عیار او اشاره کرد که معیار اساسی جایزه نوبل شمرده می شود.

گارسیامارکز به هنگام دریافت جایزه نوبل ادبیات به جای پوشیدن لباس رسمی و بستن پاپیون سفید، لباس کتان سفید سنتی کارائیب را به تن داشت و به همراه خود شش گروه موسیقی و رقص کارائیب را برای اجرای برنامه با خود به سوئد آورده بود.



«پائیز پدرسالار» که در فاصله سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۸ نوشته شده می توان مکمل کتاب «صد سال تنهایی» یا آخرین رمان کلاسیک عصر حاضر دانست.

دو سه سال پیش در اسپانیا هشتادمین سال تولد مارکز را جشن گرفتند و در این جشن از هشتاد نویسنده بزرگ دنیا دعوت به عمل آمده بود. ابتکار جالبی که در این جشن صورت گرفت این بود که این هشتاد نویسنده هر کدام به نوبت به مدت ربع ساعت قسمتی از کتاب «صد سال تنهائی» را برای حاضران خواندند. گارسیامارکز برای نوشتن کتاب «پائیز پدر سالار» بمدت ۱۰ سال درباره دیکتاتورها مطالعه کرد و با آدم های گوناگون که در زیر حکومت دیکتاتوری، روزگار سپری کرده اند به گفتگو پرداخت.تاثیر مارکز بر نویسندگان ایرانی بیش از همه در داستانهای غلامحسین ساعدی نمود یافته است.بهترین مترجمان آثار مارکز یکی بهمن فرزانه مترجم «صد سال تنهائی» است و دیگری محمد فیروزبخت مترجم پائیز پدر سالار می باشد.

خلاصه ای از شناسنامه مارکز.

تولد ۱۹۲۸– جایزه نوبل ۱۹۸۲– صد سال تنهائی ۱۹۶۷– عشق سالهای وبا ۱۹۸۵– پائیز پدر سالار ۱۹۷۵– گزارش مرگی از پیش اعلام شده ۱۹۸۱– زائرین غریب ۱۹۹۱– از عشق و شیاطین ۱۹۹۴– گزارش یک آدم ربائی ۱۹۹۷– طوفان برگ اولین اثر مارکز– محل تولد کلمبیا.

ترانه

محمد آذری - تهران



چوپانی تورا
میان دشتی یافته بود
که برگلبرگ شقایقی
بخواب رفته بودی
وقتی چشم گشودی
عشق درنگاهت متولد شد
چوپان عاشق
سال های سا ل است
که درنی لبک اش میدمد
ترانه های عاشقانه می خواند
ودرجستجوی تو
هر روز
دشت را زیر پا می گذارد
با نی لبک اش
گل بوته ها را به رقص میآورد
وپرندگان عاشق را
مست می کند
سال های سال است
بوی تو
که بوی عشق می دهد
درسراسر دشت پیچید ه است

سیامک برازجانی

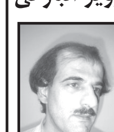
برای فریده برازجانی



دریایی که برآفتاب دیروز
تکثیر شده بود
اگر بر رودخانه ای که گذشت
طلوع کند
افلاطون
در برابر هر چیزی
مو سپید می کند
حالا غروب
به روزهای قبل دیروزهای فردا
برگشته
و گلهای پلاسیده
سوال جدیدی را
در غنچه های تازه تعارف می کنند
افلاطون
در برابر هر چیزی
مو سپید می کند
که ضرورت
میان زبان می چرخد
تا کلمه ی تازه ای
در برابر جهان پوست بیاندازد
دارکوب اما
نقشه ی دیگری دارد
بر درخت
و گذشته
سطرهای نخوانده را
گردگیری می کند
افلاطون
با پرسش های جدیدی
روبروی دریا نشسته است
... و آوارگی کاش
چرخی زیر پایم گذاشته بود
تا کوزه ای در موهایت می نهادم
تا جهان مردانه
همیشه تشنه ی گیسوان تو باشد.

مسیحادم

پرویز انبارکی



چه ذوقی دارد این شیدا معلم در گلستانش
مهیا می کند اسباب رویش از دل و جانش
تقلا می کند تا نونهالی تازه بنشاند
درون بی کران دشت لطیف عهد و پیمانش
چه بیتا عهد و پیمانی احاطه کرده برجانش
گرفته جان به کف کارش گره خورده به ایمانش
خسارت می زند برجان که تا گلبن دهد غنچه
مسیحا دم گشاید پلک گل مجنون خسرانش
چه شیوا دیدگاهی دارد این بینا معلم
به مافوق نفوذ دید ما بنشسته پیکانش
که تا جان در بدن دارد به باز خویش می تازد
چو بنشیند نباشد ثروت دنیا به همیانش
خداوندا تو را بر این گلستان ها که می بینم
به روز حشر در خلد برین بنما تو مهمانش
به زهرا دخت پیغمبر به رعنایی آن صفدر
معلم زیور دل ها بری بنما ز حرمانش

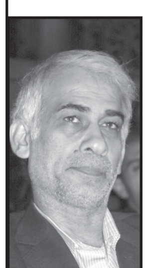
نازیلا روزبهی

شب ها چرخ خیاطی من با اوهام
پرده را چون سایه، بر دیوار می دوزد
گردش چرخ فلک، افکار پریشان مرا
در سرچون موج برصخره می کوبد
حس لالایی دل می رود از شهر وجود
از کجا تا به کجا می رود او، شهر سکوت

از دریچه سینما

دلیل فروش فوق العاده فیلم اخراجی های ۲؟

مطالب طنز فیلم اخراجی ها



سید محمد سیدزاده (مدیر حوزه هنری بوشهر): پخش گسترده اخراجی های ۱ و به هر حال استقبال و اقبال عمومی خصوصا خانواده ها از اخراجی های ۱ عامل بزرگی بود برای فروش قسمت دوم و البته به چند عامل دیگر هم بستگی داشت از جمله اکران به موقع این فیلم در زمان مناسب و همچنین با توجه به این که فیلم های اکران کنونی فیلم هایی بودند که در جشنواره، موفق بودند مثل وقتی همه خوابیم بیضایی و سوپر استار از میلانی که در مقابل این فیلم های جدی، مطالب طنز فیلم اخراجی ها توانست مخاطبان خوبی را در این ایام به خودش جلب کند. دلیل دیگر هم رویکرد مخاطبان در سینما به فیلم هایی که درون مایه طنز دارند، که این ها از عوامل موفقیت فیلم اخراجی های ۲ بود. تهیه کننده این فیلم سینماهای زیادی را هم در اختیار گرفت برای پخش آن.

مسابقه ای با یک شرکت کننده



رضا صافی (کارگردان) : من یک مثال می زنم و شما دیگر خودتان اصل مطلب را بگیرید. شما تصویر کنید که در یک مسابقه دو شما به عنوان یک از شرکت کننده ها این قدرت داشته باشید که دست و پای همه را ببندید، خوب معلوم است در مسابقه ای که فقط و فقط خودتان هستید برنده اول آن هم خودتان هستید.

شوخی با جنگ



مژده غضنفری (منتقد) : دلیل فروش زیاد این فیلم این است که آقای ده نمکی کارگردانی فیلم اخراجی ها آمده با خیلی از مسایلی که برای همه ما راحت نبود که آن ها را مطرح کنیم و شوخی کنیم، خیلی راحت آمده مجوز گرفته و با همین مسایل شوخی کرده و مجوز این را هم گرفته و این برای مردم تازگی دارد. به هر حال این فیلم نمی تواند از نظر سینمایی ارزشمند باشد چون در واقع فیلمش لودگی است نه طنز و مهم ترین علتش هم همین است. چون هر کارگردانی اجازه ندارد که با جنگ این گونه شوخی کند.

نوجوان بوشهری، برترین نمایشنامه نویسان کشور

مدیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان بوشهر گفت: سحر پاسیار و مطهره جمالی از مرکز فرهنگی هنری شماره دو بوشهر با نمایشنامه " من یه دم قشنگ می خوام " به عنوان برترین نمایشنامه نویسان نوجوان کشور معرفی شدند.

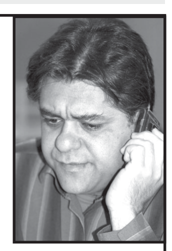
به گزارش روابط عمومی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان بوشهر غلامعلی قادریان افزود: این نوجوانان عضو کارگاه نمایشنامه نویسی کانون هستند. وی اظهارداشت: شماری از کتابخانه‌های منتخب کانون در ۳۰ مرکز استان کشور از تابستان گذشته کارگاه‌هایی را با نظارت مربیان آموزش دیده برپا کردند تا طی آن نوجوانان ایرانی با مبانی هنر نمایش و نمایشنامه‌نویسی آشنا شوند.

دلایلی برای فروش چند میلیاردی اخراجی ۲ ساخته مسعود ده نمکی

اخراجی ها، پدیده سبک انتقادی خودی ها

مهدی غضنفری - منتقد و کارشناس سینما





۱ –اخراجی های ۲ قسمت دوم فیلمی است که فروش همان قسمت اول نیز میلیاردی بود اگر سی دی های قاچاق فیلم در نمی آمد بدون تردید فروش اخراجی های ۱ چند میلیاردی می شد. این سنتی مورد تایید در سینمای هالیوود و جهان است که دنباله ی فیلم های موفق را وارد بازار می کند و موفق (از لحاظ فروش) نیزبوده است .

۲ –اخراجی های ۲ همانند قسمت اولش با آزادی بسیاری ساخته شده است. بسیاری از شوخی های فیلم از خط قرمزهای مرسوم سینمای ایران عبورمی کند. این جدا ازآن است که فیلم های مربوط به دفاع مقدس ماهیتی ملتهب دارند و هرکسی اجازه ورود ندارد. نوع نگاه فیلمساز چنان است که هیچ دغدغه ای برای توقیف فیلم نداشته است. فیلم با اعتماد به نفس زیادی ساخته شده است که بسیاری از فیلم های دیگر سینمای ایران فاقد آنند. چون اجازه ی چنین اعتماد به نفسی به عوامل آن فیلم ها داده نشده است.

۳ –فیلم مورد حمایت رسمی شخص وزیر فرهنگ و ارشاد است بیشترین سینما برای نمایش فیلم در نظر گرفته شده است (در این سالها شهردار تهران سالن های شیک ومدرن زیادی را به مجموع سالن های قبلی افزوده است) و حتی به سهمیه زیاد هم قانع نشده و بااینکه فیلم سوپراستار مورد حمایت معاون سینمایی ارشاد است و فروش بالایی هم دارد، تهمینه میلانی اعتراض نموده است که سینماهای اختصاص یافته برای فیلم او بدون هماهنگی به فیلم اخراجی های ۲ داده شده است !

۴ – فیلم بازیگران مطرح بسیاری دارد که سلیقه های متنوع مخاطبانشان را تامین می کنند. امین حیایی، اکبرعبدی، محمدرضا شریفی نیا، حسام نواب صفوی و خیل بازیگران زن و مرد دیگر فیلم یکی از موارد مهمی است که فروش خیره کننده فیلم را تامین کرده است.

۵ – کارکتر خود ویژه مسعود ده نمکی هم عامل مهمی است. او که از اعضای موثر گروه انصار حزب الله بود و با حمله به سینما قدس! هنگام نمایش تحفه هند فعالیت شان را علنی نمودند و تقریبا با همه ی صاحبان اندیشه و تفکر ممکلت درگیری داشتند. بعد از حضور سید محمد خاتمی و پیروزی او در انتخابات دوم خرداد ۷۶ فعالیت های آقای ده نمکی و دوستانشان که پیش از انتخابات شدت گرفته بود، پیاز داغش زیادتر شد و شکلی مطبوعاتی هم گرفت. هفته نامه های چون شلمچه و جبهه همه ی تلاششان را کردند که جلوی اصلاحات آقای خاتمی را بگیرند. سرجمع نتیجه گیری برخی از آنان این بود سینمای ایران مبتذل است و باید جلویش گرفته شود، روزنامه های اصلاح طلب باید بسته شود، کتاب های مسئله دار! (بیشتر در حوزه های انتقادی و ادبی) اجازه نشر پیدا نکنند و خلاصه اینکه منتقدان حرف نزنند...

اما اکنون ده نمکی فیلمشان را آنگونه ساخته است که اگر اصلاحات خاتمی به سرانجام مشخصی می رسید، تقریبا همه می توانستند همین گونه و با اعتماد به نفس فیلم های انتقادی بسازند و البته چون آن ایده های اصلاحی فعلا به محاق رفته است، ده نمکی تنها کسی است که با اعتماد به نفس زیاد کارش را به سرانجام رسانده است. البته مردم (عام) این ده نمکی را ترجیع می دهند چون ایشان سالهاست از نگاه رسمی خسته شده اند و هرکس این اجازه را بیابد، حتما مورد استقبال قرار خواهد گرفت، همانگونه که پیشتر از فیلم مارمولک کمال تبریزی حمایت کردند (جلوی نمایش آن فیلم را بعد ازبیست روز گرفتند که اگر این اتفاق نمی افتاد، به چنین رکوردی خیلی زودتر می رسیدیم).

سینمای ایران پتانسیل زیادی برای جذب مخاطب میلیونی دارد اما تا اطلاع ثانوی دوستان آقای ده نمکی اجازه اش را به دیگران نمی دهند و فقط خودی ها، آنهم در رویکردی کمدی و نه جدی، اجازه دارند انتقادهایی داشته باشند. برای همین هم است که امکان بهره برداری از این موفقیت برای دیگران وجود ندارد آن گونه که در سینمای هالیوود و جهان مرسوم است.

۶ – مهمترین نکته باقی مانده سلیقه سطح پایین مخاطب (خاص) ایرانی است. این مشکل حل نخواهد شد تا اینکه این مخاطب از آزادی نسبی بهره مند شود و بی دردسر با نمونه ها ی موفق و نقد آن روبرو شود. به احتمال زیاد فیلم «درباره الی» نیز که قرار است چند صباح دیگر اکران شود فروش بالایی را تجربه خواهد کرد. آیا فروش بالای فیلم بدلیل فهم زیباشناسانه فیلم از جانب مخاطب احتمالی است؟ یا بدلیل جنجالی است که حول و حوش گلشیفته فراهانی بازیگر فیلم برپاشده است؟ به نظر نگارنده دومی صحیح تراست.

واقعیت آن است مخاطب تحصیل کرده و دانشگاهی ما از درک زیباشناسانه ی پایینی برخورداراست. چنین فیلم های ضعیفی را اینجا و آنجا می بینند و هیچگاه اذیت نمی شوند و حتی گاها با شیفتگی به تبلیغ آن می پردازند در واقع این گونه مخاطبان اگر هم گاهی بخواهند رویکردی اندیشمندانه بروز دهند، فقط در حوزه سیاسی است و با اینکه بسیاری از آنان در رشته های نامرتبط با علوم سیاسی مدرک دانشگاهی دارند، اما گاها برخورد درست تری در این زمینه دارند (حالا بگذریم که به هرحال جان ایرانی جانی شاعرانه است تا فیلسوفانه، و گرچه همیشه اهل تحلیل امورهستیم اما معیاری نداریم بلکه مبنای تحلیل ها یا خاطره است، یا رویا و دقیقا مشکل در همین بی معیاری است که رخ می نماید) اما در زمینه های دیگر رویکردشان بسیار سطحی است. آنان از اینکه این فیلم توسط کسی ساخته شده که خود با مظاهر تمدن و اندیشه پیشتر مخالف بوده، دلخورند و چون فیلم فروش میلیاردی دارد احساس می کنند امتیازی برای آن جناح محسوب می شود و اذیت می شوند. اما اذیت نمی شوند که فقر فیلم را در جا جای فیلم احساس کنند. ازبازی های اغراق شده، دیالوگ های رو و شعاری و بی منطقی فیلم چیزی سر در نمی آورند و مشکل بزرگ دقیقا همین جا رخ می دهد. آنها به مخاطب عام نمی دانند چرا باید بگویند که فیلم اخراجی های ۲ فیلم خوبی نیست و فقط به سابقه فیلمساز اشاره دارند و مخاطب عام سردر نمی آورد که آنها چه می گویند چون با این فیلم، ده نمکی از هر اصلاح طلبی ،اصلاح طلب تر می نماید، چون تلقی رسمی را به چالش طلبیده است. استقبالی که از این فیلم می شود (که بخش زیادی از مخاطبین تجربه ای دانشگاهی دارند) همان استقبالی است که از سریال های چون مرد هزارچهره، یوزارسیف و جومونگ و.. می شود و ظاهر این مخاطب عظیم از این فقر ایده پردازی، طراحی ضعیف کارکتر ها و دیالوگ های وحشتناک اذیت نمی شود و احساس بدی ندارد. فقط از اینکه این فیلم توسط ده نمکی ساخته شده ناراحت است و مثلا اگر توسط مخملباف ساخته می شد مشکلی نبود .

۷ – واقعیت آن است که مجموع این عوامل و عواملی دیگر باعث پدیده شدن فیلم اخراجی ها شده است، همانگونه که در این سالها بسیاری از فیلم ها یا سریال ها تبدیل به یک پدیده شده اند اما چون بسیاری ازاین پدیده ها ماهیتی لاغر دارند، که به زور عوامل بیرونی چاق به نظرمی آیند، باقی نخواهند ماند همانگونه که دیگر کسی مانند سریال های مهران مدیری حرف نمی زند و بجز فروش خیره کننده ، یادی از گنج قارون نمی شود. تقریبا پرواضح است که اخراجی ها نیز بدلیل ضعف های وحشتناکی که در پرداخت دارد، چیزی بیش ازآن نمونه ها نخواهد بود.

نسیم جنوب
۵
سیاسی
شماره ۵۴۶ یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

پارس جنوبی، تناسب تلاش ها و خواسته های ما



مجید سعدآبادی
کارشناس ارشد نفت و گاز – لندن

مدت‌هاست که می‌خواهم در ارتباط با نوع تعامل مسوولین استان بوشهر با پدیده پارس جنوبی نظرم را بنویسم، شاید برای هر دو گروه راه بهتری بگشاید. شاید هم اگر فرصتی از دست رفته است با مرور اشتباهات گذشته‌مان بتوانیم در پارس شمالی تجربه بهتری را از آن خود کنیم.

البته در اینجا قرار نیست اشاره‌ای شود به آنچه شرکت نفت بایسته و شایسته است انجام دهد تا از تضاد بین دو طرف فنس شرکت بکاهد، بلکه گفتمانی است داخلی تا مرور کنیم که خود ما از این فرصت چگونه استفاده کرده‌ایم؟

من از یکطرف به واسطه کار در مجموعه عملیاتی پارس جنوبی از شروع ساخت تا زمانی که این مجموعه به یک پایداری نسبی رسید و از طرف دیگر به عنوان کسی که تعلق خاطری به منطقه داشتم همیشه نوع ارتباط این دو مجموعه را پیگیری می‌کردم.

از یک‌طرف مردم, مسؤولین و دانشگاهیان استان بوشهر گلایه‌مند از عدم بهره‌مندی مناسب و درخور از این طرح ملی هستند و از طرف دیگر مجتمع نوپای پارس جنوبی در زمانی که هنوز بسیاری از ساختارهای اولیه‌اش شکل نگرفته بود، در بسیاری زمینه‌ها به دنبال پشتیبانی قوی بود تا بتواند جایگاه خود را به عنوان بزرگترین و مؤثرترین تولید کننده گاز در کشور و حتا منطقه تثبیت کند.

پروژه پارس جنوبی در سال ۱۳۷۷ با شروع ساخت پالایشگاه فازهای ۲و۳ در منطقه شروع شد, در زمانی که بیش از ۱۰۰ شرکت پیمانکاری, ۲ شرکت بزرگ خارجی و بیش از ۱۰۰۰۰ کارگر قراردادی مهمان ما شدند.

شاید از همان ابتدا ما به این مهمانان به چشم جماعتی نگاه کردیم که جای ما را گرفته‌اند. در ته ذهن ما این بود که عده‌ای از شهرهای دیگر در اینجا شاغل شده‌اند در حالیکه بسیاری از همشهریان ما بیکارند. آلودگی, ترافیک جاده‌ای, به هم ریختن نظام زندگی برای ما و کار برای دیگران که البته من هیچکدام از این مباحث را نفی نمی‌کنم, ولی آیا ما تلاش مؤثری برای رفع این مشکل کرده‌ایم؟

در ادامه با بیان چند جنبه از نیازهای منطقه و نحوه رفع نیازها (البته به آن صورت که خود دیده‌ام) به بررسی نوع روابط و اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم سرمایه‌داران, دانشگاهیان, مدیران استان بوشهر و مردم عادی بر کارکنان منطقه پارس جنوبی می‌پردازم. امید دارم که این نوشته پنجره تازه‌ای در روابط مجموعه استان با مجموعه شرکت نفت بگشاید.

مسؤولین استانی:

در سال‌هایی که من در عسلویه بودم به راحتی می‌توانم بگویم هیچ اثری (نه فقط حضور مؤثر که هیچ اثری) از مسؤولان استان بوشهر در کنار پارس جنوبی ندیدم. کسی نمی‌تواند بگوید که این حضور بوده و شما ندیده‌اید که با توجه به مسؤولیتم و حساسیتم در این زمینه, تمام اخبار را پیگیری می‌کردم. نمایندگان ما همانقدر به پالایشگاه می آمدند که نمایندگان بقیه شهرها. این آمدن یا در هنگام افتتاح پروژه‌ای توسط رییس جمهوری بوده و یا بازدید رییس مجلسی.

استانداران, نمایندگان مجلس و مقامات محلی چه اصلاح‌طلب و چه اصول‌گرا, در ۱۰ سال گذشته از کنار مسئله مهم پارس جنوبی به راحتی گذشته‌اند. حضورشان بیشتر سخنرانی‌هایی در بین مردم بوشهر, مقاله‌ای در نشریات محلی و حداکثر نطقی در مجلس یا رایزنی با وزیری برای حق استان بوشهر و مردم استان از پارس جنوبی بوده‌است. ولی آیا هیچ فکر کرده‌اند در این بین اگر حمایت کارکنان پارس جنوبی را داشته باشند به هدف خود به مراتب راحت‌تر خواهند رسید؟ و آیا این حمایت جز با تعامل مثبت دوطرفه پیش می‌آید؟ آیا تاکنون نمایندگان استان در بین کارکنان شرکت گاز, پتروشیمی و منطقه ویژه آمده و مشکلات آنان را شنیده‌اند؟ قطعا تا سال ۱۳۸۶ که این اتفاق نیافتاده بود و بعدش هم من در تیتر وب سایت‌های خبری و وب‌لاگ‌های نخبگانمان چنین خبری را ندیده‌ام!! مگر همین کارکنان, همشهریان جدید همه ما و مدیران آینده صنعت نفت نیستند؟ آیا مسؤولین امروز ما برای جذب آنان و به قولی تبدیل آنان به یک بوشهری خونگرم فکری کرده‌اند؟ من مانده‌ام ما چطور خونگرمی و مهمان‌نوازی زبانزد خود را به این مهمانان نشان داده‌ایم؟

دانشگاهیان:

نمی‌دانم از حضور دانشگاهیانمان چه بنویسم؟ آیا مجتمعی بهتر از پارس جنوبی برای فعالیت‌هایشان سراغ دارند؟ بازدید علمی ساده‌ترین آن است. پارس جنوبی برای تمام رشته های مهندسی, حسابداری و مدیریت در جای خودش دانشگاهی است. ولی در ۸ سالی که از عمر پارس جنوبی گذشته‌است چند بازدید از طرف دانشگاه خلیج‌فارس, دانشگاه آزاد و هنرستان‌های صنعتی استان از بزرگترین مجتمع صنعتی دنیا که فقط در چند قدمی ما واقع شده صورت گرفته‌است؟ آیا قبول نداریم که همین بازدیدهای ساده می‌تواند راه جوانان ما را برای کار در منطقه هموارتر کند؟

چند پروژه تحقیقاتی از طرف دانشگاه‌های ما به پارس جنوبی ارائه شده است؟ اگر آمار پروژه‌های تحقیقاتی که از طرف دانشگاه شیراز ارائه می‌شود و پیگیری که برای انجام آنان می‌شود را با مراکز استان مقایسه کنیم قطره‌ایست در کنار دریا.

واحدهای تجاری:

در ابتدای شروع پروژه پارس جنوبی, تنها چند مغازه ساده در عسلویه فعال بود که با پیشرفت سریع پروژه‌ها در همان سال‌های اولیه و هجوم نیروی کار به منطقه نیاز به واحدهای تجاری به شدت افزایش یافت. در این شرایط انتظار می‌رفت با فرصت خوبی که برای تاجرهای استان به وجود آمده بتوانند با سرمایه‌گذاری در منطقه هم نیاز کارگران را برطرف کنند و هم سرمایه در گردش منطقه را جذب نمایند. ولی آنان که پیشتاز سرمایه‌گذاری بودند نه بوشهریها بلکه همسایگان ما بودند. تا آنجا که تا چند سال اولیه به راحتی می‌شد از تمام استان‌های کشور در بین صاحبان مغازه‌ها نماینده پیدا کرد در حالیکه از استان بوشهر شاید یک یا دو نفر در آنجا مشغول بودند. آیا می‌توانیم شرکت نفت را در این زمینه مقصر بدانیم؟

پیمانکاران:

از زمان شروع پروژه پارس جنوبی ما از بیکاری جوانان و نیروی کارمان ناراضی بوده‌ایم در حالیکه هر روز سیل کارگر از شهرهای بالاتر به منطقه سرازیر می‌شد.

من زمانی که تازه به عسلویه رفته بودم همیشه از نزدیک این معضل را می‌دیدم ولی مشکل این بود که پیمانکار دستش در انتخاب نفر آزاد است. شرکت نفت و گاز قانونن نمی‌توانند در انتخاب نفرات پیمانکار دخالت کنند و در صورت دخالت, پیمانکار می‌تواند در صورت بروز مشکل در حین کار به راحتی مسئله را به فشار شرکت برای به کار گرفتن نیروی سفارشی متهم کند. بنابراین انتقاد ما از شرکت نفت برای عدم به کارگیری نیروی بومی در سطح کارگری برای شرکت‌های پیمانکاری که بیش از ۹۰ درصد نیروهای شاغل در منطقه را در هنگام فعال بودن پروژه‌ها شامل می‌شوند دور از انصاف است.

وظیفه ما برای حل این معضل تأسیس شرکت‌های پیمانکاری و شرکت در مناقصه‌ها از یک طرف و از طرف دیگر تعامل مسؤولین استان با مدیران پارس جنوبی و قانع کردن آنها به استفاده از پیمانکاران بومی‌است. به خوبی به یاد دارم که پیمانکاران اولیه پارس جنوبی در بسیاری از زمینه‌ها نیروی متخصصی نداشتند ولی با این شعار که نیروهای بومی تخصصی ندارند از به کار گرفتن نیروهای بومی سر باز زده و نیروهای تازه‌کار حوزه خود را وارد منطقه می‌کردند. این نیروها ابتدا در کنار پرسنل شرکت نفت به کار گرفته می‌شدند و الان غالبا در زمینه کاری خود استاد هستند. البته این جدای از استخدام رسمی شرکت نفت است که متأسفانه با شعار پارس جنوبی- پروژه ملی, حق فارغ‌التحصیلان بومی را نادیده می‌گیرند و با این بهانه که در استان بوشهر نیروی متخصص وجود ندارد در آگهی‌های استخدامی, استان‌های مجاور را هم جزء بومی به حساب می‌آورند. که البته این هم با تلاش مسؤولین ما و رایزنی در لایه‌های پایین شرکت نفت مثل مدیریت شرکت گاز پارس جنوبی و یا مدیریت شرکت‌های پتروشیمی فعال در منطقه تا حد زیادی قابل حل است.

اهدای نشان مدالیوم خانه تئاتر ژنرال تاتربوشهر ایرج صغیری

جشن انجمن کارگردانان به مناسبت ششمین دوره بزرگداشت هفته تئاتر با حضور برخی از کارگردانان تئاتر کشور در بام خانه



هنرمندان ایران برگزار شد.

به گزارش خبرنگار سرویس فرهنگی‌هنری برنا، در این مراسم ابتدا شکرخدا گودرزی کارگردان تئاتر متنی را برای وضعیت این‌روزهای تئاتر قرائت کرد.

بعد از اجرای قطعه‌ای موسیقی، مجددا میکروفن در دستان شکرخدا گودرزی قرار گرفت و بیانیه انجمن کارگردانان خانه‌تئاتر را قرائت کرد. در یادداشت هیات‌مدیره کانون کارگردانان خانه تئاتر آمده است: «سالی که گذشت سال پرمخاطره‌ای بود. بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اواخر سال ۸۶ و بیست و هفتمین دوره اواخر ۸۷، در دورانی شکل گرفت که هیات‌مدیره کنونی کانون کارگردانان خانه تئاتر بر مسند کار بود و مسوول در قبال پاره‌ای تعهدات اخلاقی که ظاهرا واکنش به برخی بی‌عدالتی‌ها یا کم‌عدالتی‌ها هم در روزگاری که نمی‌دانیم کی بود بر ذمه ما نوشته شد و بنابراین ما هم همان کردیم که لازم بود. واکنش کتبی و مطبوعاتی به انتخاب آثار جشنواره تئاترفجر و جست‌وجوی حقوق اعضایی که میل به کار دارند و اقبال به کار نه. واکنش به وجود مالیات در دستمزدهای هنرمندان و نگارش نامه به وزیر وقت اقتصاد و دارایی، واکنش به برخی جزم‌اندیشی‌ها در حوزه‌های صنفی واز این قسم حرف و گفت‌ها و نامه‌پرانی‌ها.»

در ادامه این برنامه، از توحید معصومی کارگردانی اردبیلی تئاتر تقدیر شد. نادر برهانی‌مرند که وظیفه اعطای هدیه را به این کارگردان برعهده داشت، ضمن برشمردن توانایی‌های هنرمندان شهرستانی، از خون‌دل‌هایی که برای ادامه راه می‌خورند یاد کرد. معصومی هم از همسرش و فرهاد قائمیان و قطب‌الدین صادقی به خاطر حمایت‌هایشان تشکر کرد. همچنین با یاد مهندس فرهاد جلایی پدر تئاتر اردبیل، جایزه خود را به روح مرحوم رضا سیدحسینی تقدیم کرد.همچنین جایزه‌ای به مهدی نصرالله‌زاده مترجم آثاری چون نظریه اجرا و راهبردهای نمایشنامه‌نویسی تقدیم شد.

سپس سهراب سلیمی دبیر اجرایی جشن خانه تئاتر پشت تریبون قرار گرفت و گفت: اواسط دهه ۵۰. در حال آموختن بودیم که شنیدیم موجی گرم از بندر می‌آید؛ با امواجی خروشان به نام «ایرج صغیری» و قلندرخونه.

بعد از این معرفی، ایرج صغیری کارگردان بوشهری گفت: کارهای زیادی در نظر داشته‌ام انجام دهم که نشد. من مدیون مردم هستم و امیدوارم کارهای قابل‌توجهی که برایم مقدور است برای آنان انجام دهم. کارگردان «قلندرخونه» خاطرنشان کرد: من امشب به یک مکاشفه رسیده‌ام. از زمانی که شروع به کار کرده‌ام تا به امروز کسانی از من حمایت کردند و به من درس آموختند که بعضا گمنام و بدون توقع بودند. اینها منتقدین هستند؛ چه آن دسته از منتقدین که نمایش‌های مرا قابل دیدن نمی‌دانستند و چه آنها که مرا تشویق می‌کردند که از آن جمله محمد ابراهیمیان است.

وی افزود: چیزهای زیادی در نقدهای منتقدین یاد گرفتم. هرچند که کارگردانان دوست دارند که حرف‌های خوش و تعریف درباره کارشان بشنوند اما حرف‌های ناخوشایند آنان نیز برای من مفید بود. صغیری اظهار کرد: امیدواریم کارگردانان ما نیز چنین نگاهی به منتقدان داشته باشند. شاید در برخی نقدها حرف‌های نامربوط به نمایش نوشته شود اما آنچه که مربوط به نمایش است را عشق است. بعد از این سخنان، نشان مدالیوم خانه تئاتر و نشان ویژه کانون کارگردان خانه تئاتر به ایرج صغیری اعطا شد.

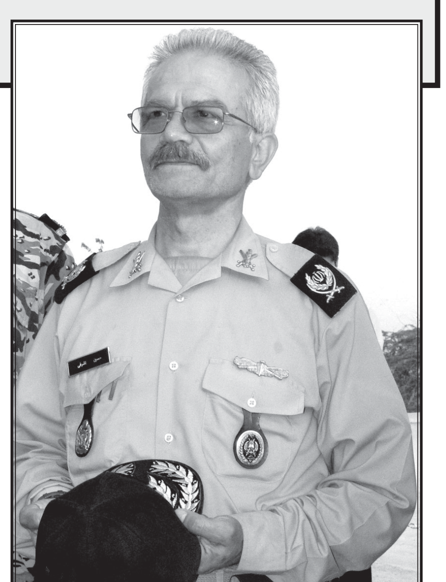
حسین کیانی عضو هیات‌مدیره کانون کارگردانان نیز ضمن تشکر از هیات‌مدیره خانه تئاتر پایان جلسه را اعلام کرد.

مصاحبه با امیر دریادار حسین اشرفی فرمانده نیروی دریائی بوشهر:

تاریخ و تجهیزات دریانوردی در موزه دریانوردی بوشهر

بازدید موزه دریانوردی از ساعت ۸ صبح تا ۸/۵ شب برای عموم آزاد است

محمد محبوبی



بازدید اعضای خانه مطبوعات بوشهر از موزه دریا و دریانوردی خلیج فارس در محل ساختمانی معروف به کلاه فرنگی و گزارش و مطالبی که بعد از آن در نشریات استان نگاشته شد، باعث آشنایی مردم بوشهر با این موزه شد. در همین راستا مصاحبه ای با امیر دریادار حسین اشرفی فرماندهی نیروی دریائی بوشهر انجام داده ایم که در زیر می خوانید:

– جناب امیر لطفا برای شروع مصاحبه لزوم ضرورت تاسیس موزه دریا و دریانوردی خلیج فارس در بوشهر، را بفرمایید.

– بنام خدا، همانطور که استحضار دارید دریای بوشهر بسیار غنی است زیرا تاریخ بسیار غنائی دارد، لشکر کشی هایی به خیلی از کشورها در طول تاریخ از بوشهر انجام پذیرفته است، لذا بسیار لازم و ضروری بود تا اطلاعات تاریخی و دریانوردی بوشهر و خلیج فارس در یک مکان جمع آوری شود. به عنوان نمونه محل کنونی موزه دریانوردی، در سال ۱۸۵۸ میلادی برابر با ۱۲۷۵ هجری قمری به عنوان مقر تابستانی نمایندگی انگلیس در سبزآباد تا سال ۱۹۴۶ میلادی برابر ۱۳۲۵ هجری قمری به عنوان سرکنسولگری انگلیس در بوشهر استفاده می شده است. البته بعد از انتقال نمایندگی سیاسی انگلیس به بحرین، این عمارت به دولت ایران تحویل گردید و سپس در اختیار نیروی دریایی ایران قرار گرفت و هم اکنون هم ما آن را به موزه دریا و دریانوردی خلیج فارس تبدیل کرده ایم.

همچنین از طرفی تاریخ دریا و دریانوردی نیروی دریایی کشور به ویژه بوشهر را پر از رشادتها و مقاومتهای دریائی در برابر بیگانگان در کنار ذهن و تاریخ خود داریم، و بهتر دیدیم تا با برپائی این موزه پایمردیها و سخت کوشیهای همرزمان قدیم و معاصر خود را به نسلهای حال و آینده معرفی کنیم. البته فعلاً این موزه نیمه کاره است و به مرور زمان آن را تقویت خواهیم کرد.

– به طور تقریبی هزینه های احداث این موزه چه قدر بوده است؟

– مبلغی برابر با یک میلیارد تومان هزینه شده است. البته هنوز اوایل راهیم ولی برنامه های تکمیلی ما به قوت خود باقی است.

– با توجه به سندیت و قدمت تاریخی بناهای موزه (کنسولگری انگلیس) دلیل تزئین نمایی این بنا، با مصالح جدید و امروزی چیست؟ به نظر شما این نما، نگران کننده و دور از شان تاریخی مجموعه نیست؟

– منهم با شما موافقم، چون اقدامات مرمت و بازسازی را به میراث فرهنگی واگذار کرده بودیم، تصورمان بر این بود که مشاور میراث فرهنگی در مطالعات و اجرای پروژه، مسئله قدمت و تاریخی بنا را مد نظر قرار داده، نمای بنا را متناسب با وضعیت تاریخی خودش ترمیم خواهد کرد، لذا زمانی که با وضعیت موجود مواجه شدیم، دستور توقف را صادر کردم و فعلا در حال بررسی و مطالعات لازم هستیم تا به نتیجه مطلوب برسیم.

– با توجه به فرمایشات شما و مشارکت میراث فرهنگی در ساخت این موزه، مالیکت موزه در اختیار نیروی دریایی است یا میراث فرهنگی؟

– این مجموعه با تمام فضاها و امکانات موجود در مالیکت مطلق و محض نیروی دریایی است و میراث فرهنگی از نظر مالکیت اختیاری ندارد.

– این نگرانی وجود دارد که با توجه به تقبل زحمت استقرار موزه در نیروی دریایی، آیا با تغییر مدیریت فرماندهی، این مجموعه برچیده نخواهد شد؟

– خیر، ببینید، ارتش دارای سازمان بسیار قوی و منسجم می باشد. در تاسیس این موزه موافقت فرماندهی محترم نیروی دریایی کشور دخیل بوده و معظم له آن را افتتاح فرموده اند، فلذا چیزی نیست که با تغییر مدیریت برگردد و یا تعطیل شود، پس با اطمینان بر جای خود استقرار دائمی خواهد داشت.

– جای نمادی از ناوچه پیکان در این موزه خالی است، آیا دلیل امنیتی دارد؟

– دلیل امنیتی خاصی ندارد، ناوچه پیکان در قالب یک عملیات گسترده به ماموریت جنگیٍ رفت و در اجرای عملیات جنگی کاملا موفق عمل کرد و تا آخرین گلوله ها و مهمات خود با دشمن جنگید، بعد از اتمام ماموریت و در حال بازگشت مورد حمله و اصابت قرار گرفت که عده ای شهید و برخی نجات یافتند. دلیل عدم حضور ناوچه پیکان این است که این اتفاق در خارج از آبهای خلیج فارس و در آبهای بین المللی به وقوع پیوسته است، لذا در حال پیگیری هستیم تا با اخذ موافقت، برنامه انتقال را شروع کنیم و انشاءا... در آتیه نزدیک شاهد حضور ناوچه پیکان در این موزه خواهیم بود.

– آیا برای دادن اطلاع درباره ادوات موزه منعی وجود ندارد؟

– راهنمایان ما مجاز به اطلاع رسانی کامل هستند. اما مشکل فعلی که با آن مواجه هستیم کامل نبودن اطلاعات لازم است، لذا همکاران ما در حال تکمیل اطلاعات هستند که بعد از اتمام انجام کار هیچ سئوالی از بازدید کنندگان بدون پاسخ نخواهد ماند.

– آیا بازدید از موزه زمان خاص یا نیاز به مجوز دارد؟

– خیر، بازدید برای عموم آزاد است و شهروندان و میهمانان عزیز، هر لحظه از زمان که تمایل به بازدید دارند، همکاران ما در خدمت آنها هستند. ولی چون در حال حاضر برای بازدیدهای شبانه مشکل روشنائی داریم، از صبحٍ تا ۸/۵ شب بازدید برقرار می باشد. مضافاً بر اینکه در حال پیگیر تامین اعتبار هستیم تا روشنایی مجموعه را به حد کمال و لازم برسانیم. بعد از آن محدودیتهای شبانه نیز برداشته خواهد شد.

از مردم عزیز و افراد مطلع و کارشناسان مربوطه نیز می خواهیم که ما را در تکمیل این موزه یاری نمایند و اعلام می دارم که بهترین پروژه های پیشنهادی که دارای قابلیت های فنی و تاریخی و اجرائی در حد و اندازه این موزه باشد، نه تنها استقبال نموده که حتی جایزه بسیار خوب و نفیسی را همٍ برای آن در نظر خواهیم گرفت. البته مجدداً تأکید دارم بر این مقوله که پروژه های پیشنهادی در ابعاد کلی باید مناسب نیروی دریائی و تاریخ دریا و دریانوردی بوشهر باشد.

درخواست از نماینده بوشهر

در خواست ۲۵درصدی تخفیف سود بازرگانی برای بندر بوشهر

جناب آقای میگلی نژاد

نماینده محترم بوشهر، خارگ، گناوه و دیلم

با سلام

همان طور که مستحضرید در سالهای گذشته با تلاشهای بی وقفه نمایندگان محترم استان و درخواست اهل تجارت، بعنوان کمک به رونق تجارت استان ۲۰ تخفیف سود بازرگانی به تجارت بوشهر اختصاص داده شد که بعد از سالی چند به ۱۵ تخفیف سود بازرگانی تقلیل پیدا نمود.

اخیراً شاهد هستیم که در بنادر آبادان و خرمشهر به ترتیب ۲۰ و ۲۵ تخفیف سود بازرگانی اعمال می گردد در حالی که گمرک بوشهر هم چنان برمدار ۱۵ تخفیف می چرخد.

از آن جا که بنادر بوشهر ریه تنفسیش فقط از طریق بازرگانی و تجارت و گمرک به دم و بازدم می پردازد و همچنین در هنگام انتخابات نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی شما نیز به رای حقوق حقه مردم پافشاری داشتید و به مردم قول هر نوع کمک به تجارت را ابراز فرمودید، تقاضا می شود در این خصوص مسئولین سطح بالای مملکتی را به این امر مهم معطوف دارید که استان بوشهر با مردمی صمیمی و خونگرم و میهن دوست که حاضرند تا پای جان از مرز پرگهر ایران اسلامی دفاع نمایند، انتظار داشته محبت آنها شامل مردم شده و بنادر بوشهر نیز از ۲۵ تخفیف سود بازرگانی برخوردار گردد.

دعای خیر مردم صمیمی بوشهر همچنان بدرقه شما نماینده محترم مجلس و مسئولین می باشد.

با تشکر جمعی از بازرگانان، حق العملکاران و ترخیص کاران بوشهر

آموزش کارآفرینی؛ از حرف تا عمل

ابوالحسن گنخکی



اخیراً رئیس سازمان کار و امور اجتماعی استان در گفتگو با یکی از سایت های خبری محلی گفته در سال جاری تعداد ۳ هزار نفر آموزش کارآفرینی می بینند. وی هدف از برگزاری این دوره ها را افزایش سطح دانش کارآفرینان و متقاضیان استفاده از تسهیلات بنگاه های زود بازده و کارآفرین اعلام نموده است. وی همچنین یادآور شده این سازمان از سال ۱۳۸۵ تاکنون موفق به آموزش ۳۰۷۰ نفر متقاضی آزاد و استفاده کننده از تسهیلات بنگاه های زود بازده در استان شده است.

جای بسی خزسندی است که فرصت دریافت آموزش های کارآفرینی و مهارت های کسب و کار در اختیار کارآفرینان استان قرار می گیرد. افزایش چند درصدی فرصت دریافت آموزش ها قدردانی از مسئولین امر را اجتناب ناپذیر می نماید. طبیعی است آسیب هائی نیز اجرای آموزش ها را تهدید می نماید. نخستین موضوعی که در این میان می باید بررسی شود دستاورد آموزش کارآفرینان طی سال های گذشته است. افزایش سطح دانش بیش از ۳ هزار نفری که به گفته حسین باشی زادگان طی سال های گذشته آموزش دیده اند، در کجا نمود یافته است؟

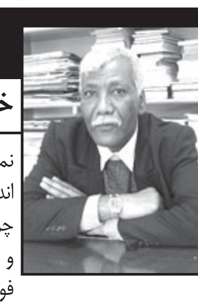
گرچه یکی دو سال پیش جشن پایان بیکاری در استان توسط استانداری برگزار شد اما به دلیل غیر واقعی بودن آن، توفیق چندانی نداشت و عملاً ثابت شد راه طی شده توسط دولت نهم برای افزایش اشتغال و کارآفرینی در استان بوشهر به بی راهه ختم شده است. آنچه آسیب ها را پر رنگ می کند محتوای آموزش های ارائه شده و ارتباط آن با نیاز بازار و تسهیلات قرار گرفته در اختیار متقاضان سرمایه گذاری است. واقعیت آن است بیشتر متقاضیان دریافت تسهیلات و وام های بانکی که مؤظف به حضور در کلاس های آموزش کارآفرینی هستند فاقد تحصیلات متناسب با طرح کاسب و کار خود هستند. بیشتر متقاضیان طرح های موسوم به زود بازده دارای تحصیلات دیپلم و پائین ترند.

از طرفی محتوای آموزش های ارائه شده، کلی و تیتر وار است و برای کارآفرینان جذابیتی ندارند. اجبار کردن تسهیلات گیرندگان و شرکت کنندگان در کلاس ها به تدوین طرح کسب و کار در حالی که نوشتن طرح توجیهی نیازمند مشارکت و همکاری چندین کارشناس می باشد، نشان دهنده ناکارآمد بودن این برنامه است. چه آنکه مدت زمان برگزاری دوره های آموزشی ۷۲ ساعت می باشد و از مدرسین دارای تجربه در زمینه تدوین طرح های کسب و کار بهره کافی گرفته نمی شود.

در کنار این آسیب ها، به نظر می رسد شیوه برگزاری آموزش ها توسط سازمان کار استان استاندارد نبوده و نظارت سازمان بر مراکز آموزشی طرف قرارداد نیز ممکن است دستخوش نظارت سلیقه ای شود. سلیقه ای شدن انتخاب مراکز و مؤسسات مجری آموزش ها بدون رعایت سابقه و تجربه برگزاری دوره های آموزشی این شائبه را در اذهان ایجاد می کند که برنامه ارائه آموزش کارآفرینی در استان دستاوردی جز افزایش آمار شرکت کنندگان در کلاس ها بدون دریافت اطلاعاتی درخور باشد و این برنامه به سرنوشت دیگر برنامه های دولت نهم دچار شود.

چرا درورزش، مقابل اعراب بازنده ایم؟

نگاه کوتاهی به عوارض عرب زدگی جامعه ایران



خورشید فقیه

نمیدانم باخود اندیشیده اید که چرا ورزشکاران و بخصوص فوتبالیست های ما در مواجهه با تیم های عربی، اغلب دچارنوعی استرس و ترس میشوند؟ و یا به عبارت واقعی تر، بیشتر اوقات، قبل از شروع بازی حتی، بازنده بنظر میرسند؟! نمونه های آن در حافظه ی علاقمندان به فوتبال بسیاراست، از نزدیک ترین موارد نیز میتوان به چند بازی اخیر جام باشگاههای آسیایی نام برد که در آن، تیم های باصطلاح قدر مملکت و گل های سرسبد فوتبال باشگاههای ما، چگونه در مقابله با فوتبالیستهای امیرنشینهای کوچکی که تمام جمعیت آن ها ازچند برابر تماشاگران استادیوم آزادی هم کمترند، به گونه ی تحقیر آمیزی خود را به نمایش گذاشتند! اما درعوض ، همین باشگاهها و بازی کنان، درمواجهه با تیم های نسبتا قدرتمندتر کشورهای پرجمعیت تر و متمدن و پیشرفته تری نظیر چین و ژاپن و کره و استرالیا و در موردی حتی آمریکا، مشکل چندانی نداشته و با روحیه و اطمینان به نفسی ستودنی و چشمگیر وارد میدان شده و حتی اگر به نتایج درخشانی هم نرسند، اما بازی با نشاط و قابل قبولی را ارائه مینمایند؟

در روان شناختی جنگ و مبارزه – ازهرنوعی که باشد – اصل بر این است که قبل ازشروع عملیات، طرفین متخاصم و یا مبارز، از طریق بلوف زدن و رجزخوانی ها، میبایست برتری ها و اقتدار خود را ولو به دروغ، به رخ حریف کشیده واو را پیشاپیش بازنده میدان قلمداد کرده و بلحاظ ذهنی، شکستی را بر روان و باور او وارد سازد. حال اگر این بلوف و خودستایی از یک زمینه قبلی نیز برخوردار بوده و مسبوق به سوابقی پیشینی ویا تاریخی باشد و به طرق مختلف و پیوسته و مکرر به آن بپردازیم، تاثیرات روانی آن بمراتب بیشتر بوده واحتمال شکست حریف را افزون تر می نماید. حال اگربایک دید جامعه شناختانه وروانکاوانه به موضوع مبارزات ورزشی کشورمان با کشورهای عربی بپردازیم و قضیه را به ذهنیات وباورهای اجتماعی مردم ایران بویژه در دهه های اخیر نسبت به اعراب مربوط بدانیم، به نتایجی هرچند تاسفبار ولی مقرون به واقعیت تری میرسیم. براساس یافته های علم جامعه شناختی ، شخصیت، خلقیات و بطورکلی رفتار، منش وباورهای اساسی وپایه ای فردی هرانسان اجتماعی، منتج وملهم ازآموزه ها وباورها وکردارهای جمعی وتاریخی جامعه ای است که درآن رشد و تربیت یافته است. مثلا درجوامعی که باور واعتقاد عمومی براین است که جایگاه ومحل تجمع کلیه ارواح خبیثه و مضره برای آدمیان، مکان های تاریک و فاقد نور است، اکثریت قریب باتفاق مردم آن جامعه ، حتی اگر برای یکبارهم صحت این موضوع را تجربه نکرده باشند، از تاریکی و اماکن تاریک واهمه دارند . جوامع بشری، معمولا ازخانواده به عنوان کوچکترین واحد شروع شده وبه محله وشهر و نهایتا کشور و...می رسد که هرکدام ازبالا به پایین ویا بالعکس ، بریکدیگر تاثیر گذاشته ویک فرهنگ ومنش اجتماعی واحدی را تشکیل میدهند که اصطلاحا به آن ، فرهنگ اجتماعی میگویند .

حال اگریک باشگاه ویا تیم ورزشی را نیزجامعه ی کوچکی به حساب آوریم که خود، نشات گرفته و جز و بخشی از جوامع بزرگتری است که آن را محاط کرده اند ، میتوانیم برای یافتن پاسخ به سئوال بالا،ازاین معبر واردشده و به موضوع ازدریچه ی جامعه شناختی بنگریم وچرایی پیش آمدن ضعف دسته های ورزشی – وحتی متاسفانه خیلی موارد دیگر– کشورمان درمقابل اعراب راازاین زاویه مورد مطالعه قراردهیم :

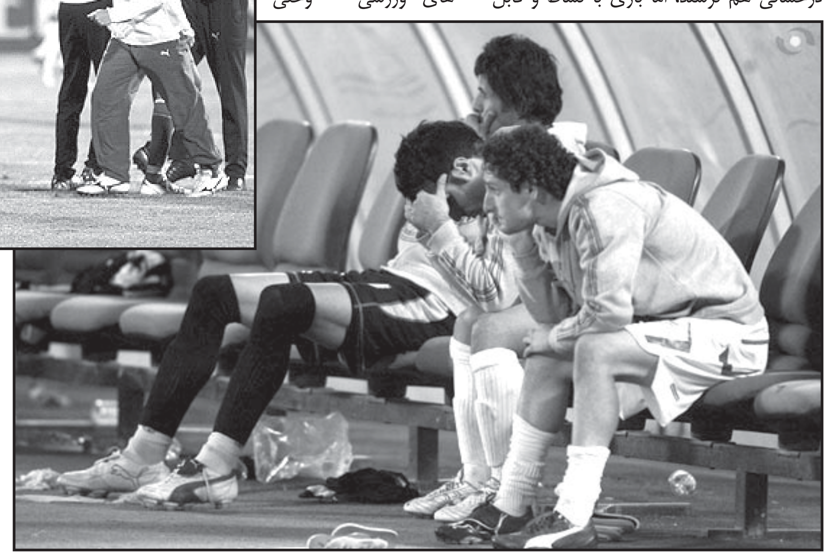
البته قبل از ورود به این مبحث، ذکراین نکته راضروری میدانم که دراینجا، قصد به میان کشیدن ضعف های ساختاری وتاریخی ورزش مملکت وعدم مدیریت علمی وبرنامه ریزی وسرمایه گذاریهای لازم که متاسفانه درتمام زمینه ها ی اجتماعی با آن ها مواجه میباشیم را ندارم، بلکه صرفا پرداختن به موضوعی است که عنوان این نوشتار می باشد.

فکر میکنم برای تک به تک ما پیش آمده باشد که درهنگام برخورد و منازعه با افراد ویا خانواده ها ، آنچه که بیش ازهرموضوعی درشکست ویا پیروزی ما نقش داشته ویا اصولا مارا به مقابله ومصالحه با طرف دعوا واداشته است، تصورات ذهنی ما از ضعف و قوتهای بالقوه و بالذات طرف مقابل ووزنی که برای خود درمقایسه با او قائل هستیم بوده است. درمسائل کلان وعمومی نیزچنین موضوعی مصداق دارد. مثلا در گذشته – وحتی حالا – هنگام بروز جنگهایی میان ملل مختلف، سران و سرداران دو طرف متخاصم، سعی میکردند قبل از شروع جنک و بمنظور تقویت روحیه خودی وتضعیف دشمن، بایک سری رجزخوانی وکشیدن رشادتهای تاریخی خود به رخ حریف، اورا پیشاپیش مهیای پذیرش شکست نمایند.

واما درخصوص ما واعراب در میادین ورزشی وبویژه فوتبال که دراین سال ها مورد عنایت ویژه عرب ها قرارگرفته است ، همان قاعده ی پیش گفته ولی به اشکال پیچیده تر وتاریخی تر ودرعین حال عجیب تری، ایفای نقش میکند. نگاه ما ایرانیان به اعراب بخصوص ساکنین سرزمین های پیرامونی ، پیوسته نگاهی تحقیرآمیز و توام با نوعی خودبزرگ بینی ناشی ازگونه ای انتقام جویی تاریخی بوده است. به همین خاطر، تلاشمان نیز بیشتر معطوف به این بوده است که درهرگونه مواجه ی با آنان – البته اعراب غیرایرانی – خودرا یک سروگردن بالاتر از آنان ببینیم. اما، در سالیان اخیر و به دلایلی، ما ،هم به لحاظ ذهنی وهم ازجنبه های عملی، ناگهان خود را در وضعیت و شرایطی یافته ایم که با آن تصورات خودبزرگ بینانه قبلی، زمین تابه آسمان فاصله دارد : ۱– از نظر ذهنی و ملی و براساس آنچه که ازمبادی مختلف تبلیغاتی مملکت میگذرد، مابا شش هزارسال تاریخ وتمدنی که تا کنون دستمایه ای برای فخر و مباهاتمان دردنیا بوده است، ناگهان مواجه شده ایم با این پندار: " که تا قبل از تهاجم اعراب به کشورمان و انقراض آخرین سلسله پادشاهان ایران باستان، ملتی وحشی وبی تمدن بوده ایم"!! (ازفرمایشات آقای علی لاریجانی رئیس کنونی مجلس شورا و رئیس سابق صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران). ضمنا پسوند و پیشوند این گزارش خارق العاده و غرورشکن ، که از دهان مدیر یکی از پرمخاطب ترین واثرگذارترین رسانه ملی شنیده میشود، سریال های تاریخی بیشماری است که از همین رسانه بخش شده و میشود و در اکثر آنها، اگرفرمانده و جنگجوی لایقی درتاریخ این مملکت بنمایش درمیاید، عرب است، اگر دانشمند و فیلسوف و عالمی رخ مینماید یا عرب است و یا اگرایرانی هم باشد درس آموخته و تلمیذ مکتب و مدرسه عرب هاست، هرچه انسان پاک و منزه و بامعرفتی به مردم نشان داده میشود به گونه ای یا به اسم و یا به عمل، به نوعی رنگ و بو و نشان ازعربیت دارد، و درعوض هرچه لات ولوط ودزد و تبهکار و خائن وعقب مانده اجتماعی برصفحه تلویزیون ها وسالن تاترها نمایانده میشوند، هوشنگ و داریوش و کورش و بابک و افشین و ... هستند که حداقل از نظرنام، ایرانی هستند!! وانگارنه انگارکه این مملکت دراندشت و آن امپراتوری های بزرگ ایرانی که یک روز بر نیمه ای ازاین زمین پهناورخدا حکومت میکرده اند، حاصل شجاعت ، درایت و پایمردی امیران وسردارانی ایرانی بوده است که امروز توفیق حکمروایی وفرمانروایی براین مملکت را بر ما ارزانی داشته اند، بی آنکه حتی بخود اجازه دهیم که نامی از آنان به میان آوریم!! بدیهی است که با آن ذهنیت و باورهایی که قبلا نسبت به اعراب داشته ایم، ونیز تکرار مکرر چنین القائاتی در این سالها، نه تنها درذهنیت های تاریخی ما ایجاد اخلال کرده است، بلکه جامعه رابه گونه ای مرموز و درون ذهنی، مهیای پذیرش برتری اعراب نسبت به ایرانیان نموده است. پرواضح است که وقتی ملتی از غرور و عقبه ی تاریخی تهی میشود و بقا و دوامش قائم به ملت دیگری نمایانده میگردد، پیوسته خود را در تمام زمینه ها نسبت به ناجی و تکیه گاه خویش ضعیف تراحساس می کند، ولو اینکه چنین موضوعی به تاریخ حواله شده باشد .

–۲ موضوع دوم که به نوعی مکمل عامل اول بوده و متاسفانه جنبه عینی و اثباتی بیشتری دارد، پیشرفت های چشمگیر اقتصادی دهه های اخیر کشورهای عربی بخصوص کشورهای همسایه و سرعت ورود آنان به مدرنیزم و دنیای معاصر و سهم آنان در مناسبات بین المللی روز است. کم نشنیده ایم اوصاف زندگی اجتماعی مردم امارات و عجایب مدنیت و رفاه و امنیت و فرهنگ اجتماعی مردم شیخ نشین دبی، اززبان و دهان بازمانده ازتعجب و تحسین کسانی که حتی برای یکبار و در مدتی کوتاه به آن محل سفرکرده اند. در این تحسین و تحبیب ها، به گونه ی آشکار و تاسف باری، از برتری همه جانبه مردم وکشوری نسبت به خود سخن میگویند که تادیروز باالقاب و اوصاف تحقیر کننده ی " موش خور و سوسمارخور" از آنان نام میبردند. بدیهی است که کاربرد این دوعامل ذهنی و عینی، نه تنها درزمینه های گوناگون اجتماعی ، بلکه در ورزش ما نیز که از یک سو شاهد برنامه ریزی ها و سرمایه گذاری های علمی اعراب بوده واز سوی دیگر مواجه با ندانم کاری ها وباری به هرجهت مسئولان مملکتی روبرو است، همین نتایج تاسفباری است که در میادین ورزشی با آن مواجهیم. بنابراین، بجای محکوم کردن و تعویض مکرر مربی و بازیکن و رئوسای فدراسیون های مختلف ورزشی، بهتر است به ریشه های اصلی ماجرا بپردازیم .





ره آوردی از همایش: نقش مردم و روحانیون دشتی در مبارزه با استعمار

یک همایش خوب با یک نکته منفی

ناصر علیخواه



از روی علاقه مندی به نقش مردم و روحانیون دشتی (خورموج) در مبارزه با استعمار و نقش تأثیرگذار آنان در برپائی یک نهضت عظیم، سازمان ملی جوانان، فرمانداری و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خورموج، همایش نقش مردم و روحانیون دشتی در مبارزه با استعمار در تالار اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خورموج با حضور علاقه مندان و صاحب نظران و شخصیت های علمی و فرهنگی و کشوری برگزار نمودند. ضمن قدردانی از کلیه دست اندر کاران در برپائی این همایش که بحق به جا و بسیار مناسبت داشت که در این برهه تاریخی نقش آنان و علمای برجسته نود سال پیش که با چه شور و هیجانی این مبارزه قوت و دوام بخشیدند گرامی بداریم و به نسل های حال و آینده این پیام را در حافظه تاریخ به یادبود بگذاریم، که فرزندان این سرزمین در همه حال حافظ دین و میهن اسلامی خود بوده و خواهند بود تا پای جان.

و رحمت خداوند بر آنان که خالصانه مبارزه بی امان خود را با افتخار به انجام رساندند و ما را به یاد هشت سال دفاع مقدس رهنمود می کند که این مردم خلل ناپذیرند و دشمن ستیز و در هر برهه ای جان برکف، آماده ایثارند.

در این همایش پس از تلاوت آیاتی چند از کلام خدا و اجرای سرود مقدس جمهوری اسلامی ضمن خیر مقدم فرماندار خورموج، آقایان: آیت الله سید مصطفی حسینی، دکتر کرمی، دکتر خیراندیش، دکتر مالکی و... حجت الاسلام و المسلمین پورفاطمی نماینده مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام مصلح امام جمعه خورموج، حاج علی مرادی و مهندس شفقت استاندار و... در راستای نقش مردم و روحانیون دشتی در مبارزه با استعمار، نقطه نظرات خود را که حاکی از ارزشمندی و روح مبارزه جوئی آن بزرگواران در گذشته بود برای حاضرین در همایش بیان داشتند.

قیام مردم جنوب که با همت و پایمردی مجاهدان در ۹۰ سال پیش شروع شد به علت حضور نیروی دریائی انگلیس در محدوده زمانی جنگ جهانی اول در استان بوشهر هر چند که دولت ایران درسال۱۳۲۲ ه.ق. رسماً بی طرفی خود را در جنگ جهانی اول اعلام نمود، اما طرفین درگیری بدان اعتنائی ننموده و بدین ترتیب، بوشهر توسط قوای نظامی انگلیس اشغال شد. در این میان شهید رئیس علی دلواری با مقابله با انگلیسی ها برخاست، او به همراهی خالو حسین بردخونی، غضنفرالسلطنه برازجانی، خضرخان اهرمی و شیخ حسین خان چاهکوتاهی به کمک یکدیگر مقاومت وصف ناپذیری در برابر قوای انگلیس مبادرت نمودند که در واقع قوای انگلیس را زمین گیر کرد و حضور شهید رئیس علی دلواری در روستای میانخره و استدعای کمک از مرحوم سید علی نقی میانخره ای دشتی و بسیج رؤسا و کدخداهای محلی و توده مردم جهت پشتیبانی بیشتر به مبارزان با تلاش مرحوم سید علی نقی صورت گرفته است و این حرکت منسجم باعث دلگرمی و اسباب رضایت جنگاوران را موجب شد.

تاریخ مبارزات مردم بوشهر با استعمارگران نیز به دنبال تأثیر حضور استعمار انگلیس در اوضاع منطقه دشتی و دشتستان و حرکت مردمی رئیس علی دلواری به عنوان رهبر مقاومت و خالو حسین دشتی بردخونی به عنوان یکی از متحدان و یاوران اصلی مبارزات مردم بوشهر عنوان شده است که تا زمان دستگیری همراه رئیس علی دلواری بوده که بعلت دلاوریهای بسیار که از خود نشان داد در یکی از نبردهای نابرابر در تنگک به اسارت انگلیس درآمد، که بعدها در ایران مبادله گردید. نقش علما و روحانیون و مردم دشتی مخصوصاً عالم فاضل مرحوم سید علی نقی حسینی دشتی میانخره ای که در نامه ای که به سید مصطفی بهزادی نوشته است در باب بیداری مردم علیه استعمار در حکم جهاد علیه مشرکین است: «استعمار می خواهد که امروز اسمی که از اسلام مانده است معدوم کند. من و شما که ذریه آن هستیم تکلیف شرعی همه ما بخصوص علمای اعلام در برابر این جرثومه فساد اعلام قیام شود.»

حکومت هند شرقی: در ۱۳ دسامبر ۱۸۵۶ می نویسد: «طوایف دشتی و تنگستان که در این عملیات شرکت جسته اند به عنوان شجاع ترین و مجرب ترین اقوامی شناخته می شوند که توانایی دفاع از مواضعی را مانند ریشهر دارند.»

اما نکته تاسف آمیز که باعث افسوس بسیاری از شرکت کنندگان در این همایش شد، جلوگیری از سخنرانی اندیشمند فرزانه و روشنفکر مذهبی حجت الاسلام والمسلمین محمد فولادی بود که علیرغم دعوت از ایشان برای حضور و سخنرانی در این مراسم، به طور ناگهانی از سخنرانی وی جلوگیری به عمل آورده شد که با این اقدام ناپسند، شرکت کنندگان در همایش را از شنیدن سخنرانی وی محروم نمودند.

وفا و عشق در واژه ی زیبای تنگستان

به مناسبت کنگره ملی شهید رئیس علی دلواری
سروده حاج مصطفی دشتی
دبیر بازنشسته دبیرستان های بوشهر



وفا و عشق بین در واژه ی زیبای تنگستان
صفا و صدق در آن کعبه ی دلهای تنگستان
شنو از سوز دل، شور نوای فتح و پیروزی
زنی از نینوای عرصه ی هیجای تنگستان
شجاعت، آدمیت طبع بالا و سلحشوری
صفات هر کلان و کودک و برنای تنگستان
ولایت دوستی، حفظ نظام و انقلاب و دین
عجین است همچنان در خون و در رگهای تنگستان
اگر روح حماسی می دمد در قالب معنی
گرفته نشأت از آن جانفشانیهای تنگستان
اگر این مرز وبوم آیینه دار جام جم بینی
نمای سیرت زیبای او سیمای تنگستان
ملاحت چهرگان خورده نمک از هجر شور آن
شکر خندان شیرین لب از آن خرمای تنگستان
دلیرمردان تاریخ جنوب در اهرم و دلوار
درخشیدند چه خوش بر تارک دنیای تنگستان
سپه سالاری از این خطه و مرز دلاور خیز
بزرگا رئیس علی مرد بلند آوای تنگستان
بسی اهل کمال و دانش و اندیشه و عرفان
چراغ محفل و روشنگر شبهای تنگستان
زهی فخر آفرینان جهاد و جبهه ی ایمان
به خون غلطان شده در برّ و در دریای تنگستان
چو تنگسیر شعار دین خود حب الوطن دادند
کجا ترسد ز قوس و شرجی و گرمای تنگستان
نگنجد در درون خامه و شعر و تو ای دشتی
سرود عشق آن بزم و حماسی های تنگستان

ابتکار جدید گدایان برای گدایی

گدایان بوشهری هم برای اینکه در امر گدایی از دیگر رقبا عقب نیفتند، به دنبال اتخاذ روش های جدیدی هستند تا از این راه بر رقبای خود پیشی بگیرند. گدایان بوشهری از گدایی در سطح شهر و پیاده روها گرفته تا بیمارستان و بانک ها، اینبار گوشه خیابانها را چسبیده اند تا دل مردمِ سواره را به درد آوردند و کیسه پرپولشان را پربار تر.

به گزارش خبرنگار نسیم جنوب تعدادی از گدایان بوشهری قبل از شروع ساعت کار اداری و همزمان با حرکت کارمندان به محل کار، گدایی خود را شروع می کنند و با نشستن بر گوشه خیابان سعی می کنند با غلبه بر احساسات مردم، منبع درآمدی برای خود کسب کنند.

مدتی ست که این روش گدایی کردن در سطح شهر رایج شده و یکی از پایگاه های گدایی هم حد فاصل میدان هوایی تا میدان آزادی می باشد به گونه ای که پیش از شروع ساعت کار اداری و همزمان با حرکت کارمندان، کارشان را آغاز می کنند و تا حدودی نیز در این امر موفق بوده اند چرا که سواره ها هم با مشاهده گدایانی که بر گوشه خیابان نشسته اند احساساتی شده و در راه خدا کمکی می کنند.

نکته جالب توجه دیگر این است که این گدایان بدون هیچ ترس و واهمه ای از بروز تصادف، قرص و محکم بر سر جایشان می نشینند.

اضطراب امتحان

طلعت بحرینی – دبیرریاضی مدرسه راهنمایی پروین اعتصامی



اضطراب امتحان وضعیتی روانی است که به هنگام رویارویی با سوالات امتحان در افراد پدید می آید. این وضعیت معمولا توام با نگرانی زیاد ، اختلال و نابسامانی فکری، افکار تحمیلی وتنش روانی و در نتیجه ایست تفکری باشد. اضطراب امتحان را همه تجربه کرده ایم و می شناسیم . حالت تشویق، نگرانی و هیجان ناخوشایندی است که اغلب دانش آموزان و دانشجویان در ایام امتحان بدان مبتلا می شوند. گاهی این اضطراب با سردرد، حالت تهوع، تپش قلب و تنگی نفس نیز همراه می شود. این وضعیت نه چندان خوشایند ممکن است از زمان درس خواندن برای امتحان تا سر جلسه امتحان و حتی بعد از آن نیز پیش بیاید. شاید شما هم فکر می کنید که این اضطراب بخشی از واقعیت امتحان است و نمی توان کاری درباره آن انجام داد، اما بهتر است بدانید که این اضطراب را باید تا حد زیادی کنترل کرد .بسیاری از دانش آموزان قبول دارند که زمانی عمیق تر و دقیق تر درس می خوانند، اضطراب کمتری برای امتحان دارند زیرا هر چه درباره موضوعی بیشتر می دانند، تسلط و اعتماد بیشتری هم نسبت به داشته هایشان در خود پیدا می کنند و با هیجان کمتری بر سر جلسه امتحان حاضر می شوند. به همین دلیل است که تمامی آموزگاران و مربیان به بچه ها توصیه می کنند که عادت به مطالعه و تمرین را همواره به صورت رویه زندگی تحصیلی خود قرار دهند. آنها معتقدند اگر دانش آموزان در خواندن، نوشتن حساب کردن و... مهارت فوق العاده های هم داشته باشند باز به سختی می توانند زحماتی که باید طی یک ترم به دوش بکشند یک شب متحمل شوند. به طور کلی اگر بپذیریم که هدف اصلی از امتحان گرفتن علاقه و انگیزه بیشتر برای یادگیری بهتر، ارزیابی میزان پیشرفت دانش آموزان و اصلاح روش های تدریس معلمان است، علی الاصول موجب ترس و دلهره بچه ها شود. تنها دانش آموزانی از امتحانات و آزمونهای کلاسی نگران و مضطرب می شوند که نسبت به توانایی ها و عملکرد خود در طول ترم اعتماد و اطمینان کافی نداشته باشند. علل و عوامل اضطراب امتحان در دانش آموزان بسیار گوناگون و متعدد است، اما مهمترین آنها عبارتند از:

الف) عامل های فردی و شخصیتی، از جمله اضطراب عمومی، پایین بودن سطح عزت نفس، هوش و ارزیابی شناختی، عدم آمادگی، نداشتن توجه و تمرکز، روشهای نادرست مطالعه و انتظارات بالا.افراد دارای عزت نفس بالا توانایی برخورد شایسته با امتحان و مشکلات آن را در خود می بینند و تحت تأثیر تغییرات محیط قرار نمی گیرند. آنان به توانایی خویش اطمینان دارند. در مقابل ، افرادی که عزت نفس پایین دارند، به دلیل نداشتن اعتماد و اطمینان به توانایی های خود در موفقیت های اجتماعی عملکرد ضعیفی را بروز می دهند. وقتی دانش آموزان خود را دسته کم بگیرند و به توانایی های خویش اعتماد نداشته باشند در آنها اضطراب به وجود می آید. ب)عوامل آموزشگاهی و اجتماعی از جمله انتظارات معلمان، رقابت، نظام آموزشی حاکم برمدارس، مدرک گرایی ، نوع درس، موقعیت و مراقبان امتحان ج)عوامل خانوادگی از جمله شیوه تربیتی والدین، انتظارات آنها، جو عاطفی حاکم بر خانوده ویژگی های شخصیتی پدر و مادر و طبقه اقتصادی– اجتماعی

گاهی سخت گیری بیش از حد پدر و مادر و شیوه های انضباطی خشک و انعطاف ناپذیر آنان علت اساسی ایجاد اضطراب در دانش آموز است. به علاوه وقتی پدر و مادر تمام آن چه را خود به آن نرسیده اند و از آن زاویه احساس حقارت می کنند، بخواهند در وجود فرزندانشان بیابند آن ها رفته رفته از خواسته ها و علاقه های خود دور می شوند و اعتماد به نفس شان را از دست می دهند. مقایسه ی بی مورد و نا به جای که پدر درباره ی فرزندان خویش با دیگران ولی بین فرزندان خود دارند، نیز احساس حقارت و ضعف و زبونی را در آنها پرورش می دهد. همه ی این ها از علت های مهم اضطراب دانش آموزان است.

همایش هم اندیشی ادبی شهر آبدان

ابراهیم دانش: سومین همایش هم اندیشی شاعران شهرستانهای جنوبی استان بوشهر ؛با همکاری انجمنهای ادبی شهرستانهای شیراز و کازرون (ویژه بزرگداشت مقام معلم) با حضور اساتید صاحب قلم : دکتر سید جعفر حمیدی؛ دکتر سید احمد حسینی کازرونی ؛ دکتر سید محمد سید صادقی و شاعران برتر و نامی استان بوشهر و فارس همچون عبدالحمید زنگویی ؛ حیدر عرفان ؛ سید محمد هاشمی فردو ... با استقبال کم نظیر اهالی این شهر خصوصا فرهنگیان دانش اموزان و سایر اقشار؛ در محوطه باز مدرسه شهید مطهری شهر آبدان برگزار گردید .

پس از تلاوت کلام الله مجید و سرود مقدس جمهوری اسلامی؛ کلیپ یار دبستانی پخش شد. مرتضی پروانه شهردار آبدان به مدعوین خیر مقدم گفت و با تبریک هفته معلم ؛ مقام معلم را مرتبه ای غیر قابل توصیف دانست و اظهار داشت: شان ومرتبه این مقام را خدا میتواند بیان نماید؛ زیرا خداوند اولین معلم است .

جوان دانشجو بهرام جعفرزاده دبیر این همابش که انصافا با پیگیری جدی وچندین ماهه موفق شده بود به نتیجه نشستن زحمات خود را شاهد باشد؛ با گزارشی از روند شکل گیری این همایش از مسئولین شهرستانی که در مراسم حضور داشتند ؛استدعا نمود به دلیل علاقمندی اهالی این شهر به مسائل ادبی و فرهنگی این همایش را در تقویم سالانه مراسمات فرهنگی شهرستان گنجانده شود تا مردم هرساله بتوانند حضور این بزرگواران را در جمع خود شاهد باشند . دکتر سید صادقی هم با معرفی توانمندیهای این دیار وسابقه وپیشینه تاریخی شهر آبدان از جوانان این شهر خواست با مطالعه تاریخ دیار جنوب بیشتر از گذشته به فرهنگ قدیم آشنا شوند. ایشان قطعه شعری هم در وصف مقام معلم خواند .

سخنران مراسم دکتر سید جعفر حمیدی بود که موضوع سخنرانی خود را با توصیف مقام معلم آغاز نمود. ایشان با ذکر این نکته که اولین معلم خدا و دومین معلم پیامبر اعظم(ص) میباشد افزودند: وظیفه معلم بسیار سنگین است؛ ولی در مقابل مسئولین باید کاری بکنند تا معلم هم با دل و زندگی خوش به امر تعلیم وتربیت بپردازند. ایشان با گرامیداشت ایام فاطمیه اول ؛از حضرت زهرا(س) به عنوان شخصیتی که در تاریخ اسلام به نیکی از ایشان یاد شده؛ تا جائیکه در حدیث کساء نام مبارک این بانوی بزرگ قبل از نام پیامبر(ص) آمده و این به معنی افتخار برای زنان بوده اپهار داشت: به عنوان پدری دلسوز از زنان ودختران میخواهم تا زندگانی پر از درس بانوی اسلام خانم حضرت زهرا(س) را مطالعه نمایند . دکتر حمیدی سخنان خود را با دفاع از تاریخ خلیج فارس ادامه داد و در پایان با شعر زیبایی در وصف خلیج فارس سخنان خود را به پایان برد. غلامحسین خسروی فرماندار شهرستان دیر هم با تسلیت ایام فاطمیه (س)از معلمان به عنوان نیروهایی که در همه مراحل تاریخی یار ومدد کار جامعه بوده اند نام برد و قول داد تا نسبت به پیگیری سالن اجتماعات این شهر اقدام جدی صورت پذیرد . (توضیح اینکه شهر آبدان را میتوان در کشور و استان تنها شهری نام برد که فاقد سالن اجتماعات فرهنگی وورزشی بوده وبا داشتن توانمندیهای فراوان؛ جوانان وعلاقمندان به مسائل فرهنگی؛ ورزشی وهنری با داشتن گروههای متعدد هنری ؛ ورزشی و نمایشی هنوز در فضای باز و بعضا با نشستن روی زمین خاکی مراسمات خود را اجرا مینمایند و اینکه خبرنگار نسیم جنوب ؛ مرتبا در هر محفل ادبی و رسانه ای و هر مسئولی که به این شهر تشریف آورده این موضوع مهم را یاد آور شده است .که متاسفانه تاکنون هیچ گونه اقدامی صورت نپذیرفته و تا ببینیم قول شب جمعه فرماندارشهرستان چه میشود؟) .

در ادامه مراسم شاعران با سرودها واشعار خود مراسم را رونق ادبی دادند؛ شعر خوانی هاشمی فرد؛ که در وصف معلم کلاس اول خود با حالتی بچه گانه و لحن زیبا ادا نمود. زنگویی و عرفان و دکتر کازرونی هرکدام اشعاری سرودند که مورد تشویق حضار قرار گرفت . نوبت به شاعران مهمان فارسی که رسید؛ به رسم ادب مهمان نوازی با تشویق شدید حضار به دلیل اینکه دوستان از مسیر طولانی برای این مراسم دعوت را پذیرفته بودند ؛باعث شد تا لحظاتی جلسه حالتی تشویق گونه داشته باشد؛ شاعران بومی همچون حیدر منصوری شاعر نامدار کشوری و حسین میدری شاعر محلی سرای دیری و سید مرتضی کراماتی هم اشعاری در وصف معلم و شهید مطهری سرودند. سهم خانمها هم در این مراسم با سروده های خانمها: سحر عبدالله زاده از دهستان بردستان ونرگس درمانده از شهر آبدان بود.

این مراسم که تا پاسی از شب ادامه داشت با اهداء لوح یادبود ؛ هدایایی وصرف شام به پایان رسید .

نسیم جنوب
۷
ورزشی
شماره ۵۴۶ یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB



ناصر ابراهیمی سرمربی ایرانجوان:

اگر هدفم پول بود، مثل یاوری برای ۵ بازی ۱۵۰ میلیون تومان می خواستم



– بازی شما با تیم ذوب آهن اردبیل، بازی خوبی در این کار موفق نبودند؟ – بازی را خوب شروع کردیم وخوب گل زدیم و چند گل را نزدیم، متاسفانه وقتی بچه ها از من فاصله می گیرند و از محوطه کادر فنی دور می شوند، خیلی احساسی عمل می کنند، به آنها گوش زد کردم که آنها دارند با پاسهای بلند ما را تحت فشار قرار می دهند باید آنها را پرس کنیم، در چند مورد این عمل را بخوبی انجام ندادند.

–دو تعویض های این بازی اجباری و از روی مصدومیت صورت گرفت، در کل از یاران تازه نفس رضایت داشتید؟ – همان طور که شما اشاره کردید دو تعویض اجباری نصیب ما شد اگر لطیف جناحی مصدوم نمی شد او را عوض نمی کردم ، چون او دفاع ذوب آهن را حسابی بهم می ریخت.

–دو بازی شما مقابل کاوه تهران و ذوب آهن اردبیل، پاسهای صحیح سه برابر اشتباه بود دلیل این عمل چیست؟ – حفظ توپ بچه ها و کنترل آن به حد خوبی رسیده و درک کرده اند که من از آنها چه چیزی می خواهم، همین امر باعث بازی زیبا و ترکیبی می شود.

–در حال حاضر ایرانجوان با ۷ امتیاز صدر نشین گروه خودش است و دو تیم ذوب آهن اردبیل و کاوه تهران در رده های دوم و سوم برای این که این صدر نشینی را حفظ کنید و به لیگ دسته اول صعود کنید چه برنامه ای در دستور کار قرار داده اید؟ – بازی آینده ما مقابل تیم فولاد اهواز است، این تیم کاوه تهران را به سه گل شکست داده، ما چهارشنبه این هفته با تیم فولاد و اهواز بازی داریم که هوای گرم اثر منفی در کار آنها نمی گذارد. به امید خدا و با حمایت مردم با یک بازی تاکتیکی موفق خواهیم شد در بازی دیگر گروه ها، قطعاً ذوب آهن را در اردبیل و کاوه تهران را شکست خواهد داد.

–گپ پایانی؟ – من با این سابقه در فوتبال ایران ، با ۳۰ میلیون تومان به ایرانجوان بوشهر آمدم، من زحمت می کشم قول داده ام که تیم به لیگ یک صعود خواهد کرد، من اگر هدفم پول بود، مثل یاوری که گفته بود برای۵ بازی شاهین ۱۵۰ میلیون تومان درخواست کرده بود, همین حرفها را می زدم. بعضی ها اگر مربیگری می دانند بیایند در زمین کار کنند.

ایرانجوان بوشهر ۲
ذوب آهن اردبیل ۱

اردبیل ذوب شد، ایرانجوان صدر نشین

گلها: حسین پودری(۱۴) پاس گل: حمید فرد- لطیف جناحی (۳۲)پاس گل: حسین پودری برای ایرانجوان- سجاد عرفانی (۸۰) برای ذوب آهن داور فرشید افشار

پسین ۱۶ اردیبهشت ماه سال۸۸ در یک هوای نه چندان صاف و مطلوب، تماشاچیان و هواداران و صد البته منتقدان سرمربی تیم ایرانجوان، با دیدگان خود مشاهده کردند که سربازان ناصر ابراهیمی در یک بازی اصولی که درصد پاسهای سالم و میدان داریشان به مراتب از گذشته بهتر به نمایش گذاشته شد اگر تعویض اجباری که به دلیل مصدومیت آن هم در فاصله ۲۶ دقیقه گریبان کادر فنی ایرانجوان را نمی گرفت حریف اردبیلی نمی توانست در اواخر بازی تنها گل خود را وارد دروازه بوشهر کند. پس از این گل با حمایت همه جانبه تماشاچیان و بازی فداکارانه سرخ پوشان بوشهر سه امتیازی به حساب ایرانجوان ریخته شد که حکم صدر نشینی در گروه خود را داشت.



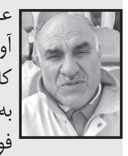
شاهین بوشهر ۲
فولاد هرمزگان صفر

پیروزی روحیه بخش شاهین

گلها: رضا بازیاری (۵۶ پنالتی) خطا روی نجمی زاده، امید وزیری(۴+۹۰) با پاس ذالکی – شاهین دو بر صفر، فولاد هرمزگان را در بوشهر شکست داد تا صدر جدول باقی بماند. و باز به لطف گل بهتر، تراکتور در رده دوم جا خوش کند. پنجشنبه ۱۷ دومین ماه سال ۸۸، نزدیک به ۶ هزار تماشاچی خونگرم و پرانرژی بوشهری باز هم از بازی شاهین لذت نبردند، اما از نتیجه آری. همت مردم در این روز گرم و با رطوبت بالا، باعث شد گلر بندرعباس و داور میدان در دقیقه ۵۴ تمرکزشان را از دست بدهند و یک پنالتی مشکوک به سود شاهین اعلام گردد بازیاری با هنرخود پنالتی را تبدیل به گل کرد. تیم بندرعباس که از تیم شاهین گروهی تر بازی می کرد در یک حمله خطرناک در دقیقه ۵۹ توپی به تیرک افقی شاهین کوباند. در لحظات وقت تلف شده پاس هنرمندانه ذلکی روی خط دروازه به امیر وزیری رسید و این تهاجم تنبل با یک بغل ساده دومین گل شاهین را به ثمر رسانید.



قضیه یاوری، ناهماهنگی بین سران باشگاه و هیات رئیسه را می رساند

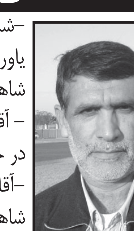


عباس سالار پور

آوردن محمد یاوری مربی کهنه کار و سرد و گرم چشیده ایران به درخواست هیات رئیسه تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی، جهت همکاری با کادر فنی، برای پنج بازی باقی مانده این دوره از مسابقات جام آزادگان به عنوان مدیرفنی مشاور فنی اشتباه بوده است. من بعید می دانم که یاوری سادگی کرده باشد و با قبول این مسئولیت به بوشهر آمده باشد یا این که خواسته دل بعضی از دوستان نشکند و اعلام حضور کرده باشد.به هر صورت این کار در این برهه حساس نیاز به مطالعه بیشتر و قاطعیت داشت. احساساتی تصمیم گرفتن بهتر از این نتیجه ای در برنخواهد داشت.برای اثبات موضوع اگر یاوری مدیرفنی بوده، پس چرا کلانتری را بعنوان دستیار اول با خود از شیراز آورده و اگر مشاور فنی است از همان اصفهان یا هر جای دیگر هم می توانست تلفنی مشاوره بدهد. در خصوص حضور یاوری در کادر فنی تیم معلوم نبوده از او چه می خواسته اند. این قضیه تنها ناهماهنگی بین سران باشگاه و هیات رئیسه می رساند و به هر صورت یک جای کار عیب دارد. این حرکات تمرکز کادر فنی و تیم را بهم می ریزد. امیدواریم این حرکت در روحیه کادر فنی، تیم، هواداران و شاهینی ها تاثیری چندانی نداشته باشد و همچنان به صعود به لیگ برتر بیاندیشند و تلاش کنند. انشا...

محمد دوانی عضو هیات رئیسه شاهین پارس جنوبی:

نمی دانم در آن نشست چه گذشت که کللی فرد تغییر عقیده داد



–شما در جریان به خدمت در آوردن، محمود یاوری برای کمک کردن به اکیپ فنی تیم شاهین بودید؟ – بله من هم با خبر بودم.

– آقای کللی فرد هم مطلع بود؟– بله ایشان هم در جریان این مسئله بودند و هم موافق.

–آقای یاوری قرار بود با چه عنوانی در تیم شاهین فعالیت کند؟

– وی برای کمک نمودن به کادر فنی شاهین به بوشهر آمده بود.

–اصلاً چرا چنین تصمیمی گرفته شد؟ – قبل از بازی با تراکتور سازی تبریز، این تصمیم را گرفتیم و آقای کللی فرد هم قبول داشت که باید یک نفر با تجربه به تیم اضاف شود تا به تیم شوک وارد شود.

– ولی کللی فرد اعلام کرده که تیم شاهین مشکل فنی ندارد؟

– در این رابطه باید خودش جوابگو باشد

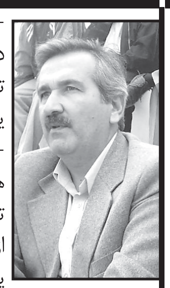
– چه شد که یاوری قید همکاری با تیم شاهین را زد؟– در جلسه اول که کللی فرد با ایشان داشته، نظر کللی فرد مساعد بود ولی در جلسه دوم که یاوری با کلیه افراد سرپرستی وفنی شاهین برگزار گردید, کللی فرد مخالفت خود را اعلام نموده بود. نمی دانم در آن نشست چه گذشت که کللی فرد تغییر عقیده داد.

– با توجه به ندامت ایمان دشتی در خصوص مسائل پیش آمده و عذرخواهی کتبی با نظر موافق هیات رئیسه، دشتی بخشیده شد، ولی با این که شما او را بخشیدید، کللی فرد اجازه تمرین را به کاپیتانِ شاهین نداده، این عدم هماهنگی تبعاتی نخواهد داشت؟

– قطعاً تبعات خوبی نخواهد داشت و به نفع تیم شاهین نخواهد بود. ما باید بپذیریم که اشکال داریم، باید یک دل کار کنیم اگر جدا باشد با مشکل مواجه خواهیم شد.

احمد گزی عضو هیات رئیسه شاهین پارس جنوبی:

یاوری گمان کرده بود سرمربی خواهد شد



– شما به عنوان کسی که در به استخدام در آوردن محمود یاوری جهت کمک فنی به تیم شاهین نقش مهمی داشتید، بفرمائید چرا یاوری با کادر فنی شاهین همکاری نکرد؟

– پس از این که در جلسه ای که با اعضای هیات رئیسه تیم شاهین با حضور کللی فرد، تصمیم گرفته شد برای مشاوره فنی تیم یکی از بزرگان فوتبال ایران را به بوشهر بیاوریم، پس از بررسی چند گزینه، نهایتاً قرعه به نام محمود یاوری درآمد، بنده با توجه به این که دوستی قدیمی با ایشان داشته و دارم با یاوری صحبت کردم و ایشان گفت اجازه دهید تا با آقای عبدالمحمد پوربهی هم مشورت کنم. وی بعد از این که مشورتش با پوربهی انجام داد اعلام کرد آماده همکاری هستم و از طریق عسلویه به بوشهر آمد و به اتفاق به محل تمرین بچه ها رفتیم. کللی فرد شب با یاوری صحبت کرد. صبح دوشنبه گذشته کللی فرد به من گفت: یاوری فکر کرده به عنوان سرمربی باید فعالیت کند، در همان روز یاوری با کادر فنی شاهین جلسه ای برپا می کند و ساعت ۱۳ با حالتی ناراحت به هتل محل اقامتش می رود و در آن جا به من گفت دست به ترکیب کادر فنی تان نزنید و اظهار داشت من تا بحال کار مشاوره ای انجام ندادم. روی همین اصل او از بوشهر رفت.

–یاوری مگه نمی دانست با چه سمتی قرار است در شاهین فعالیت کند؟ – قرار بود ایشان به عنوان مشاور به ما کمک کند ولی او گمان کرده بود سرمربی خواهد شد.

–چرا به درستی به او تفهیم نشده بود که قرار است چه پستی در شاهین داشته باشد؟

– متاسفانه این اشکال در کار ما وجود داشت.

وردیانی عضو هیات رئیسه شاهین پارس جنوبی:

کللی فرد مشاور می خواست نه سرمربی



–آقای وردیانی شما به عنوان یکی از ارکان اصلی هیات رئیسه تیم شاهین پارس جنوبی، در جریان استخدام محمود یاوری بودید؟ – بله هم من باخبر بودم هم اعضای هیات رئیسه با خبر بودند.

–سرمربی تیم شاهین چی؟

– او هم مطلع بود.

–شما یاوری را به چه عنوان به همکاری دعوت کرده بودید؟

– دوست داشتیم او مشاور فنی تیم شاهین شود.

– اصلاً چرا این تصمیم گرفته شد؟ – این خواسته خود آقای کللی فرد بود، با توجه به بازیهای حساسی که شاهین در پیش رو دارد، او احساس کرد، فردی با تجربه به عنوان مشاور فنی، راه کارهای مناسبی برای بهبود وضعیت تیم ارائه دهد، این بود که مسئله یاوری مطرح شد.

– یعنی هیچ مشکل فنی در تیم شاهین وجود ندارد و این مسئله مورد بحث نبوده؟– خیر

– چرا یاوری با شما به تفاهم نرسید؟ – او خیال کرده بود که به عنوان سرمربی به بوشهر می آید، او حتی کمک خودش (کلانتری) را نیز به بوشهر آورده بود، زمانی که فهمید او را برای مشاوره فنی می خواهند، قید همکاری را زد.

– کللی فرد در دو جلسه ای که با او داشته، نظر اولش موافق بوده ولی نظر دوم و نهایی اش مخالف بود چرا؟ – کللی فرد مشاور می خواست نه سرمربی. به این خاطر مخالف بود.

دیداری با غزال نا آرام قایقرانی بوشهر:

مگه گناه ما چه بود؟

اشاره : غزاله بوریایی با ۲۰ سال سن، هنوز پرانرژی و پرتوان و فعال است. البته وی نزدیک به یکسال است که در عرصه قایقرانی فعالیت را کنار گذاشته است: به دلیل عدم حمایت مسئولین استانی وکشوری به قایقرانی عطای پارو را به لقایش بخشیدم، با وجود اینکه قایقرانی جزیی از زندگی ام است، ولی بخاطر خیلی از مسائل، قایقرانی را کنار گذاشتم. رکوددار ۵۰۰ متر کایاک یک نفر ایران که بیش از ۱۵ مدال بین المللی در کارنامه خود دارد، این روزها حسابی گرم درس و مشق شده و تازه فهمیده که ورزش در ایران فقط برای سلامتی مناسب است، نه برای درآمد.

مسئولین حسابی جواب ما را دادند!

وقتی که عکس هایم را نگاه می کنم و مرور می کنم گذشته را و حال را می بینم که هیچ مسئولی پرسی ازم نمی کند بخدا گریه ام می گیرد. مگه گناه ما چه بود؟ مگر من و امثال من برای بزرگی اسم بوشهر و ایران فعالیت نمی کردیم؟ برای مشاهده پرچم ایران در بلندای آسیا و جهان شب و روز تلاش می کردم، در مسیر قهرمانی خیلی سختی کشیدم و مسئولین هم حسابی جواب ما را دادند!

با برخوردهای نامناسب باعث شدند قید قایقرانی را بزنیم

هر کس پایش را در ورزش می گذارد دوست دارد اسم شهر و پرچم کشورش را در بالاترین سطح ببیند. با وجود پختگی در قایقرانی و عشق به این رشته، به همه مقام ها و مدال ها پشت کردم، حسابی از ورزش زده شدم. به کسانی که اول راه ورزش هستند توصیه می کنم ورزش را برای سلامتی انجام دهید. چون ورزشکاران بخصوص ملی پوشان در ایران آینده روشنی ندارند. مسئولین هم قربانشان برم فقط وعده های توخالی می دهند.

بخاطر بی توجهی مسئولین استانی و کشوری به قایقرانی بانوان، حدود یک سال است که در این رشته فعالیت نمی کنم. به جز من، خانم ها الهه خوارزمی و سروناز ساخری هم از این رشته خداحافظی کرده اند. ما سه نفر جز کسانی بودیم که در هر مسابقه کشوری و بین المللی برای ایران و بوشهر کسب افتخار می کردیم و مسئولین با برخوردهای نامناسب باعث شدند قید قایقرانی را بزنیم. آخرین مقامی را که در این اواخر بدست آوردم کسب مقام سومی بود با کسوت مربیگری.

دکتر امامی به ورزشکاران لطف و محبت ویژه ای دارد

اکنون در رشته تربیت بدنی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر در حال تحصیل هستم و دوست دارم تا مقطع دکتری ادامه دهم. در دانشگاه مذکور همه مسئولین با من برخورد خوب دارند، اما رئیس دانشگاه جناب دکتر امامی، آقایان شاهروبندی، فریدی، هاشمی ، نرجس زارعی .... به ما ورزشکاران لطف و محبت ویژه ای دارند. ای کاش مسئولین ورزشی بخصوص اهالی قایقرانی بوشهر مثل این عزیزان با ما برخورد می کردند.

رئیس هیات قایقرانی و همکارانش کم لطفی نمودند

خانم عبیدیِ رئیس هیات قایقرانی بوشهر واقعاً انسانی پرتلاش بود. او کسی بود که برای قایقرانی، اسپانسر مالی خوبی مهیا کرد، ولی چون این کار، کاری عملیاتی است و ایشان خانم تشریف دارند، در بعضی از اوقات کم می آورند و نشان داد برای آن کار ضعیف است. رئیس هیات و همکارانشان در چند مورد به بنده و چند ملی پوش دیگر کم لطفی نمودند. برخورد نامناسب وی و دیگر زیر دستانش در زمان برگزاری کلاس مربیگری درجه ۳ قایقرانی با ما از مهمترین برخوردهای بد آنها می باشد. با اینکه برای صدور کارت ما مانع تراشی کردند اما با تلاش کارشناسان تربیت بدنی بوشهر (کمال صالح احمدی و اصغر کامیاب) کارت مربیگری برای ما صادر گردید.

به لطف زحمات زرندیان و عباسی به تیم ملی رسیدم

اواخر اردیبهشت امسال مجمع انتخاب ریاست جدید هیات قایقرانی استان برگزار می گردد. امیدوارم افراد فعال و کاردانی مانند آقای زرندیان، ساخری و.. کاندیدا شوند، تا بتوانند به خوبی سکان هیات قایقرانی را بدست بگیرند. من به لطف زحمات آقایان زرندیان و عباسی به تیم ملی رسیدم. با وجود اینکه یکسال از ورزش قهرمانی دور هستم، اگر جناب زرندیان رئیس هیات شد دوباره قایقرانی را شروع می کنم. اگر رئیسِ قبلی انتخاب شد اصلاً فعالیت نخواهم کرد.



شاهین و ایرانجوان مدیون هواداران



علیرضامحمدی

سالهاست که مسابقات فوتبال جام اروپا جام قهرمانان فوتبال ایران و شهر عزیزمان بوشهر نیز تاثیر مثبتی به جای گذاشته است تماشاگران را در استادیوم های ورزشی می بینیم که برای ستایش از بازیکن مورد علاقه اش و یا کسب نتیجه دلخواه و بازی زیبا از تیم محبوب اش به جای فریاد کشیدن، ایستاده تشویق می کند و این خود یک فرهنگ جدید و مثبت در ورزشگاه هاست. مسابقات زیادی نیز می توانیم به یاد بیاوریم که در طی آنها تماشاگران در اعتراض به تصمیمات داوری به صورت یکپارچه سوت می زدند و دیگر خبری از شعارهای توهین آمیز نبود. این واکنش های به هنجار و جالب توجه جای بخشی از فحاشی های گذشته را گرفته و بی تردید در این پروسه تماشای مسابقات خارجی و دیدن رفتار تماشاگران در سطح اول فوتبال جهان موثر بوده است. حتی کادر فنی تیم های خارجی تاثیرات خاص خود را دارد وقتی گواردیوی سرمربی جوان بارسلونا برای تبریک نزد گاس هیونیک می رود می توان دریافت که واژه (respect) "احترام" برای تبلیغ را فقط روی پارچه ها ننوشته اند و به تمام معنا با احترام رفتار می کنند... شاهین و ایرانجوان دو قطب اصلی فوتبال بوشهر، خوشبختانه در آستانه راهیابی به لیگ بالاترند. گرچه تلاشهای بازیکنان، کادر فنی، مدیران و دست اندرکاران هر دو تیم محبوب بوشهری قابل تقدیر و ستایش است ولی هواداران، عاشقانی که در سرما و گرما حمایت بی دریغ خود را نثار تیم شان کرده اند رکن اساسی موفقی های این دو باشگاه اند. مدیران یکی پس از دیگری می آیند و می روند و این هوادار عاشق است که برای تیم محبوبش می خواند.... اول بشی، آخر بشی دوستت داریم...

ارکستر شاهین ناهماهنگ است



وحید پورجماد

شاهینی ها با شکست تیم آلمنیوم هرمزگان هم انتقام شکست دور رفت خود را از این تیم گرفتند و از بحران بوجود آمده خارج شدند تا به ۴ بازی فینال گونه خود امیدوار شوند. اما نکاتی در مورد بازی شاهینی ها دیده می شد که کادر فنی این تیم باید برای آن فکر اساسی کند تا در چهار بازی آخر تیم دچار مشکل نشود. اگر بخواهیم واقع گرایانه بگوئیم شانس با شاهینی ها یار بود که توانستند آلمینیوم هرمزگان را شکست دهند. متاسفانه به گواه همه کارشناسان شاهینی ها بسیار بد بازی کردند، ضعف در خط میانی و حمله این تیم آشکار است و در درون دروازه هم هادی شفیعی بعضی مواقع اشتباهات فاحشی انجام می دهد. تیم شاهین در چند بازی اخیر خود برای حمله به دروازه حریفان و گلزنی واقعا تاکتیک خاصی نداشت. مهمترین نکاتی که به نظر می رسد این موارد می باشد :

۱ –تعدادی از بازیکنان شاهین مدتها است مصدوم هستند. بازیکنی مثل جمال حق شناس واقعا مهره کلیدی است اما چندین مدت است که به دلیل مصدویت غایب است، در حالی که شاهینی ها از کمبود بازیکن رنج می برند، یا در درون دروازه دژان یسیچ مصدوم شده و اگر هادی شفیعی مصدوم یا محروم شود، جایگزین او چه کسی خواهد بود؟ آیا کادر پزشکی یک تیم که می خواهد به لیگ برتر صعود کند نباید یک کادر پزشکی مجرب باشد که بتواند بازیکنان مصدوم راسریعا برساند؟ در حالی که کادر پزشکی شاهین بیشتر فیزیوتراپ است تا پزشک! ۲ –بعد از بازی با شاهین اهواز، ایمان دشتی به دلیل اعتراض خود محروم شد و دو بازی است که شاهینی ها ایمان دشتی را ندارند در حالی که از سوی هیئت رئیسه تیم فوتبال شاهین ایمان دشتی جریمه شد و مجوز حضور او در تمرینات داده شده، اما سرمربی تیم مانع حضور او می شود و بعد از بازی با آلمینیوم حمید کللی فرد اعلام کرد ایمان دشتی بخشیده نمی شود در حالی که هواداران شاهین هم یکصدا خواهان بازگشت دشتی به تیم شدند، این در حالی است که شاهینی ها در خط حمله ضعف مفرط دارند و حضور ایمان دشتی در ۳۰ دقیقه آخر بازی می تواند بسیار کارساز باشد. تیم در شرایط حساسی به سر می برد، جریمه سنگین مالی بهترین تنبیه ایمان دشتی بود. دلیل این لجبازی کللی فرد در شرایط حساس چه می باشد؟!

۳ – واقعا ارکستر شاهین ناهماهنگ است. در این چند بازی اخیر شاهینی ها بسیار بد بازی کرده اند چند مربی تیمهای حریف شاهین در صبحتهای خصوصی بعد از بازی می گفتند شاهین نسبت به نیم فصل اول بسیار ضعیفتر بازی می کند در حالی که نیم فصل دوم بسیار قوی تر باید بازی می کرد. در حالی که سرمربی تیم از نداشتن مشکل فنی خبر می دهد اما شاهین مشکل فنی دارد و دلیل حضور محمد یاوری کمک فنی به تیم بود که متاسفانه شرایطی بوجود آمد که محمد یاوری از بوشهر رفت. اما گویا محمد یاوری در صحبتی که داشته از نحوه تمرینات شاهینی ها به شدت انتقاد کرده و گفته بوده تیمی که می خواهد به لیگ برتر صعود کند اینگونه تمرین نمی کند. واقعا کللی فرد باید پاسخ دهد که دلیل بد بازی کردن بازیکنان شاهین چیست؟

۴ – با پرداخت پول بازیکنان شاهین مشکل مالی بازیکنان هم حل شد و دیگر بهانه مشکل مالی هم نباید باشد. در حالی که اکثر تیمهای لیگ برتری ۵۰درصد قرارداد بازیکنان خود هنوز ندادند، اما بازیکنان شاهین ۷۰ درصد قرارداد خود را گرفته اند. فوتبال بوشهر در تاریخی ترین موقعیت خود قرار گرفته است و صعود به لیگ برتر کار مشکلی نیست. فقط با همت و غیرت در این چهار بازی می توان به حق مسلم فوتبال بوشهر رسید. همه بوشهری ها برای رسیدن شاهین به لیگ برتر باید تلاش کنند تا انشاالله بتوانیم در روز بازی با دیهیم جشن صعود مستقیم به لیگ برتر را بگیریم.

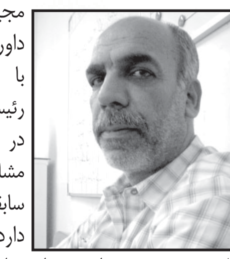
قدردانی خبرنگاران بوشهری از وردیانی



بدین وسیله ما خبرنگاران ورزشی نویس استان زرخیز بوشهر کمال تشکر و قدردانی خود را از زحمات جناب آقای حسین وردیانی و همچنین روابط عمومی آن اداره محترم که حقیقتا در مدت ریاست ایشان خدمات چشمگیری انجام شده و همکاری بسیار خوبی با خبرنگاران ورزشی نویس استان داشته اند را داریم و از خداوند متعال آرزوی بهروزی برای ایشان را خواستاریم.

« نادر اقدام ، حسن غریبی ، مهدی صالحی زاده ، نعمت الله امین نژاد ، محمد جهان افروزیان ، ضیاء جمالی ،مجتبی صالح احمدی ،غلام رضا احمدی ، فرهاد محمد پور ، علیرضا محمدی ، فاضل قنبر پور ، عزیز افتخاری ، اسکندر احمد نیا و خالق پناه »

برای چندمین سال پیاپی ، مشایخ رییس کمیته داوران شد



مجید مشایخ رییس کمیته داوران هیات فوتبال بوشهر، با تشخیص محمد دوانی رئیس هیات فوتبال استان در سمت خود ابقا شد. مشایخ نزدیک ۲۰ سال سابقه در ریاست این کمیته دارد. وجود او برای داوران استان بوشهر نعمتی است و این را سیاه جامگان فن داوری بهتر از هر کسی می دانند. به امید این که این مرد زحمت کش و دیگر مسئولین کمیته داوران در امور داوری موفق باشند.

دوومیدانی کار بوشهری به اردوی آمادگی تیم ملی نابینایان دعوت شد



رییس هیات ورزشهای نابینایان و کم بینایان استان بوشهر گفت: فدراسیون ورزشهای نابینایان و کم بینایان یک دوومیدانی کار بوشهری را به اردوی آمادگی تیم ملی دعوت کرد. ابراهیم ابراهیم زاده در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: سجاد نیک پرست عضو تیم دو و میدانی نابینایان و کم بینایان استان بوشهر به این اردو دعوت شده است. وی اظهار داشت: این اردو با شرکت ۲۵ورزشکار به مدت یک هفته در تهران برگزار می شود.

گلزنی عادل فردوسی پور در پارس جنوبی!



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی منطقه ویژه تیم رسانه ورزش متشکل از خبرنگاران، عکاسان و دست اندرکاران مطبوعات ورزشی، خبرگزاری ها و صدا و سیما به دعوت باشگاه فرهنگی ورزشی پارس در عسلویه مقابل تیم سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس قرار گرفت. تیم سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در نیمه اول با دو گل از حریف خود پیش افتاد اما در ادامه بازی، عادل فردوسی پور تهیه کننده و مجری برنامه ورزشی نود و مهاجم تیم رسانه ورزش در دقیقه چهل، فاصله تیم خود با حریف را به حداقل رساند. در دقیقه ۸۸ نیز کیوان طاهرکناره عکاس خبرگزاری DPA آلمان گل تساوی این دیدار را به ثمر رساند و در نهایت بازی با نتیجه مساوی دو بر دو به پایان رسید. عادل فردوسی پور، محمد سیانکی، علی اکبری خرم، مصطفی لشکری، هیوا یوسفی، رضا خسروی، مجید باباعلی، مهدی محمدی، محمد شهرابی، حامد امینی، آرمن ساروخانیان، سیامک خاجی، محمدرضا شکاری، علی رضایی، پیام پارسایی، مهدی سوفالی، کیوان طاهرکناره، مصطفی موسوی نژاد و امین پاریاب از جمله بازیکنان تیم رسانه ورزش بودند که به مربیگری رضا ترابیان به میدان رفتند. این بازی مورد استقبال گسترده مردم منطقه عسلویه و کارکنان شرکت های مستقر در سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس قرار گرفت و در پایان به ۱۰ نفر از تماشاگران به قید قرعه هدایای ارزشمندی اهدا شد.

سعید شیروانی نیر مربی گری تیم سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس را برعهده داشت.

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

• صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
• مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
• مدیر گرافیک : موسی ولیزاده و امیر علیپور
• نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
• دفتر هفته نامه نسیم جنوب
• تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
• ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
• لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷



«مسعود شکوهی» رییس ستاد یاران خاتمی- حامیان موسوی در استان بوشهر



مسعود شکوهی رییس شورای هماهنگی اصلاح طلبان استان بوشهر به عنوان رییس ستاد انتخاباتی احزاب و گروههای اصلاح طلب حامی مهندس موسوی در استان بوشهر منصوب شد.

این ستاد که در کشور به نام یاران خاتمی – حامیان موسوی فعالیت می نماید، در استان بوشهر متشکل از گروهها و مطبوعات اصلاح طلب استان خواهد بود.

متن حکم صادر شده از طرف دکتر بهزادیان نژاد رییس ستاد مرکزی مهندس «میرحسین موسوی» برای شکوهی به شرح زیر است:

جناب آقای مسعود شکوهی

اکنون که برادر ارجمند جناب آقای مهندس موسوی وارد عرصه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران شده اند و در آستانه چهارمین دهه شکوهمند انقلاب ، با عنایت حق تعالی و همراهی دوستان و یاران، ستادهای انتخاباتی ایشان در استان ها شکل می گیرد.

با توجه به نظر احزاب و گروه های اصلاح طلب آن استان با عنایت به سابقه و تجربه ارزشمند جناب عالی در عرصه های دینی، ملی، انقلابی و مدیریتی بدین وسیله شما را به عنوان رئیس ستاد انتخاباتی احزاب و گروههای اصلاح طلب حامی مهندس موسوی در استان بوشهر منصوب می نمایم.

لازم به ذکر است که منظور جذب حداکثری نیروهای حامی جناب آقای مهندس موسوی هماهنگی های حقوقی، اداری، تبلیغاتی ستادهای ایشان در آن استان مورد توجه و اهتمام جدی است و امیدواریم در این زمینه حداکثر مساعی لازم معمول گردد. لازم است کلیه هماهنگی های ضروری با ستاد مرکزی از طریق قائم مقام رییس ستاد در امور ستادهای مستقل به عمل آید.

دکتر قربان بهزادیان نژاد

رئیس ستاد مرکزی انتخابات مهندس موسوی

عکس جهانی نوجوان بوشهری

عکس زیبایی که نوجوان بوشهری در وبلاگ خود گذاشت، جهانی شد. سروش قیصی زاده اولین کودک وبلاگ نویس جنوب ایران که وبلاگ WWW.SOROUSH۸.COM را از ۸ سالگی راه اندازی و بهنگام سازی می کند، در تازه ترین مطلب خود، عکسی از خود را بر روی سایتش گذاشت که در ساحل دبی و در کنار برج العرب گرفته شده است. وی در باره این عکس در وبلاگ خود نوشته بود:

سروش و خلیج فارس در کنار برج العرب

من و خانواده ام وقتی که به دبی سفر کردیم، وارد هتل که شدیم، نقشه ی امارات را باز کردم یک چیز جلب توجه کرد و آن این بود که خلیج فارس را با نام خلیج عرب به دروغ معرفی کرده بودند. من ناراحت شدم و گفتم این عرب ها می خواهند دریای خلیج همیشه فارس را به نام خودشان ثبت کنند. روزی به کنار ساحل دریای خلیج فارس در کنار برج العرب رفتیم که می گفتند نشانه پیشرفت عربهاست. من در ساحل و در جلوی این برج عربها، کلمه ای زیبا نوشتم. کلمه ای که نه تنها عربها که هیچ کشور و قدرتی نمی تواند آنرا از صفحه تاریخ پاک کند.

من نوشتم: خلیج فارس

پس از این مطلب و عکس نام زیبای خلیج فارس در ساحل دبی و در زیر برج العرب، همزمان با روز ملی خلیج فارس سایتها و وبلاگ های بسیاری از ایران و ایرانیان ساکن دیگر کشورها این عکس را بر روی سایت و وبلاگ خود گذاشتند و آنرا ستودند. همچنین روزانه بیش از هزار نفر نیز با مراجعه به سایت سروش از این عکس بازدید می نمایند. می توان گفت عکس نوجوان بوشهری در باره خلیج فارس حالا دیگر جهانی شده است.



از اصولگرایان اصلاح طلب تا اصلاح طلبان اصولگرا

خسرو دهقانی





اصولگرایی واژه ای بود که محافظه کاران یا هما ن بنیادگرایان خود را به آن منتسب کردند و مخرج مشترک همه گروههایی که در این طیف قرار می گیرند، التزام و بازگشت به اندیشه سلف ایدئولوژیک و انقلابی است که به زعم آنها جامعه و نیروهای سیاسی به ویژه پس از روی کار آمدن اصلاح طلبان، از آنها فاصله گرفته اند.

وقتی احمدی نژاد از افراطی ترین لایه اصولگرایان، دولت را در دست گرفت و به تک روی و تند روی در همه عرصه ها روی آورد، صورتبندی اصولگرایان دستخوش تغییر شد و از دل آنها در آستانه انتخابات مجلس هشتم، گروهی سربرآورد که به تاثیر از جنبش اصلاحی خود را «اصولگرایان اصلاح طلب» لقب داد. این گروه که بیشتر حول محمد باقر قالیباف شهردار پایتخت شکل گرفت، در واقع بن مایه سیاست های خود را مخالفت با شیوه مدیریتی احمدی نژاد قرار داد و با تلفیق اصولگرایی و اصلاح طلبی ترجیحات خود را به شیوه پراگماتیستی و واگرایی نسبت به ایدئولوژی محوری نشان داد.

میرحسین موسوی در آستانه انتخابات دهم ریاست جمهوری با پس و پیش کردن همان واژه ها خود را «اصلاح طلب اصولگرا» نامید و در تعریف آن یادآور شد که «من اصلاح طلبی هستم که به اصول مراجعه می کنم». لابد طیف قبلی هم می توانند ادعا کنند که اصولگرایانی هستند که به اصلاحات رجوع می کنند! چه تفاوتی میان این واژه پردازی هاست؟ ودر پس این واژه ها چه افکار و رفتاری نهفته است؟

واقعیت این است که بشر را هیچ گاه از التقاط، گریزی نبوده است. سوسیال دموکراسی، دموکرات مسیحی، مارکسیسم لنینیسم، ملی مذهبی، مردم سالاری دینی و ... بیانگر همین صنعت مونتاژ در مهندسی اجتماعی است.

در عصر مدرن و حتا فرامدرن تلفیق بنیان های فکری و عملی برای برون رفت از مصائب سیاسی و اقتصادی با توجه به مولفه های هر جامعه، نه تنها عار و ننگ نیست؛ که نوعی هنر است. البته اگر اثربخش باشد و نجاتبخش. بحران سرمایه داری در دهه ۱۹۳۰ در لیبرال دموکراسی امریکا وغرب با نظریه اقتصاد کینزی که با دخالت دولت و گسترش دولت های رفاهی که در واقع بهره گیری از اقتصاد سوسیالسیستی در نظام سرمایه داری بود، حل و فصل شد و غرب در بحران فعلی نیز یک بار دیگر به گونه ای متفاوت آن را تجربه می کند.

در کشور ما هم اصلاحات حکومتی به بن بست خورده است. اصولگرایی نیز به زعم خود اصولگرایان، کشور را تا لبه پرتگاه جلو برده است. اینک اصولگرایان اصلاح طلب و البته اصلاح طلبان اصولگرا، با تلفیق این دو قرار است اکسیری بیابند که معجزه کند!

در اینجا روی سخن با اصلاح طلبان اصولگراست. در این دگردیسی در یک سو میرحسین قرار دارد که اینک میان دوصندلی نشسته است و با عینک مخصوص خود از سمت چپ اصلاح طلبان و با گوشه چشم راست، اصولگرایان را می نگرد. در سوی دیگر اصلاح طلبان و برخی اصولگرایان قرار دارند که هر کدام قرار است او را به سوی خود کشند. در این بین اما نکات قابل تاملی وجود دارد که ممکن است دغدغه مشترک دلسوزان اصلاحات باشد:

۱– هرجا تلفیق یا التقاطی بوده است، بدون مبانی روشی یا فلسفی خاصی اتفاق نیفتاده است. واقعیت این است که برای من و امثال من هضم بنیان های فکری و عملی اصلاحات اصولگرایانه بدون ذکر مصادیق و جزئیات ، بسیار سخت است. آیا منظور این است که ناکامی اصلاحات تا به حال به خاطر عدم توجه به اصول انقلابی و ایدئولوژیک بوده است؟ یا نه مقصود این است که اصلاح طلبان زمانی می توانند به اهداف رفرمیستی بیندیشند که با اصولگرایان به وحدت استراتژیکی و تاکتیکی برسند؟ منظور از اصول در اینجا چیست؟ آیا اصول همان قانون است یا صرفا ترجیحات ایدئولوژیک ؟ یا هردو؟

۲– سطح انتظار اصلاح طلبان و اصولگرایانی که قرار است پشت سر میرحسین به صف شوند ، کجا است؟ آیا هرکدام حاضرند به الزامات این نوع التقاط ، چه به لحاظ فکری و چه به لحاظ عملی تن دهند ؟ یا نه هر کدام از ظن خود یار او شده اند و می خواهند میرحسین صدای آنها باشد؟ آیا ائتلاف اصولگرایان حامی میرحسین همان انتظار را از میرحسین دارند که سازمان مجاهدین و جبهه مشارکت؟ مخرج مشترک مسیح مهاجری (مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی که برای حمایت از میرحسین خواستار رد صلاحیت احمدی نژاد شده) با تاج زاده (عضو ارشد جبهه اصلاحات) چیست ؟ آیا غیر از این است که هر کدام میرحسین را برای خود می خواهند؟ از یک طرف دادفر ضمن یادآوری بی توجهی میرحسین به مطالبات طبقه متوسط شهری نظیر دموکراسی و آزادی، از او می خواهد از اصولگرایان فاصله گیرد. از سوی دیگر نیز اصولگرایان با مستقل و فراگیر خواندن میرحسین به او فشار می آورند تا فاصله خود را با ملی مذهبی ها و دیگر اصلاح طلبان ریشه دار به صورت عملی مشخص کند. بر همین اساس وقتی سحابی با دعوت قبلی به ستاد میرحسین می رود اجازه اظهار نظر نمی یابد و با آمدن میرحسین پشت تریبون به نشانه اعتراض جلسه را ترک می کند.

تشکیل ستاد های موازی در استانها نیز متاثر از همین دوالیسم اصلاح طلبی – اصولگرایی است که حتا با فرض پیروزی میرحسین معلوم نیست چه سرانجامی پیدا می کند. آنها فعلا هم و غمشان عبور از احمدی نژاد است اما اینکه تا کجای مسیر می توانند با میر حسین طی طریق کنند، چیزی است که آینده آن را مشخص میکند.

–۳شعارهای اصلاح طلبانه میرحسین به خصوص در زمینه حمله به دولت اصولگرا و ارئه برنامه های رفرمی در زمینه سیاست داخلی و تاکید بر قانون مداری تا کنون مجال اندکی برای مانور اصلاح طلبان گذاشته است. خود اصلاح طلبان بیش از هر کس دیگر واقفند که آرا طبقات خاموش جامعه به این سادگی در سبد هیچ کدام از کاندیداها ریخته نمی شود؛ مگر اینکه مطالبات طبقات متوسط شهری و گروههای حرفه ای و صنفی نظیر معلمان، زنان، دانشجویان، کارگران، کارمندان، رانندگان و روزنامه نگاران شناسایی شده و برنامه ای درخور برای تغییر وضعیت موجود ارائه گردد و مهمتر اینکه با نمایندگان آنها گفتگو و چانه زنی شفاف به عمل آید.

ارائه چنین برنامه ای نیز مستلزم دوری گزیدن از کلی بافی های ایدئولوژیک و در پیش گرفتن نوعی پراگماتیسم شفاف و برخورد مصداقی به جای برخورد تجلیلی و تقدسی با تمام موضوعات است. دوالیسم اصلاح طلبی – اصولگرایی تا حدود زیادی کارکرد ایدئولوژی محوری قضایا را افزایش داده و در نتیجه شعارها را کم اثر و ناکارامد می کند. مجله معروف اشپیگل در مصاحبه ای که هفته گذشته با میرحسین داشت، پس از اظهار نظرهای میرحسین در مورد سیاستها ی خارجی و ارتباط ایران باغرب ؛ حد اقل دو بار به او یاد اور شد که «لحن شما شبیه احمدی نژاد است!» از همین روی می توان دغدغه های اصلاح طلبانی چون دادفر را بهتر درک کرد و به این نتیجه رسید که از یک منظر شاید تشکیل ستادهای حامیان خاتمی و طرح شعارهای دموکراتیک و مطالبه محور در زمان تبلیغات رسمی از سوی رسانه های اصلاح طلبان، بتواند این نقیصه را تا حدودی کاهش دهد ولی دوگانگی اصلاح طلبی – اصولگرایی در نزد میرحسین همچنان بر کمپین اصلاح طلبان حامی میرحسین سایه سنگین خود را حفظ خواهد کرد.

تبلیغات دولتی و ممانعت از تبلیغات انتخاباتی

علی اسماعیلی



هنوز فراموش نکرده ایم که آقای رئیس جمهور احمدی نژاد در پاسخ به منتقدان دستگاه دولت مبنی بر هزینه بر بودن سفرهای استانی و بوجود آوردن هزینه های اضافی و اسراف و پایمال شدن بیت المال، پس از کلی صغری و کبری چیدن و به اصطلاح طرح توجیهی اظهار داشت: «شاید همه چیز گفتنش خوب نباشد اما برای پاسخ به کسانی که می گویند همراهی هیئت دولت هزینه اضاف است و... باید بگوئیم شاید در خیلی از این سفرها هیئت دولت نان و پنیر بخورند و...» چه قدر این حرف آقای رئیس جمهور به دل برخی نشست. عکس های سفرهای ساده و خواب در چادر رئیس جمهور در صفحات خیلی از جراید کشور و اختصاصاً روزنامه های طیف رئیس جمهور راه پیدا می کند و همه تحسین می کنند و از سادگی و بی پیلگی این سفرها تعریف می کنند.

این داستان ادامه داشت و دارد تا گزارش سازمان بازرسی کل کشور که خبر از : اختصاص مبلغ صد و هفتاد میلیارد تومان از سوی وزارت نفت به سفرهای استانی و سردرگمی مبلغ هنگفتی که به احتمال قریب در همین راه هزینه گردیده است، می دهد. عجب نان و پنیری! و عجب سادگی و عدالتی. حال به ماهیت پنیر بودن و یا نبودن این سفرها با تمام قوا و کارشناسی و یا غیرکارشناسی بودن طرح های مصوب در طول سفر به استانها نمی پردازیم و این خود بحثی مفصل و نیازمند کارشناسی همه جانبه است. اما آن چه که به نظر حایز اهمیت آمد تا با این مقدمه این مطلب بنویسم این است که آیا این سفرها با این هزینه در این برهه زمانی، سفری فقط خاص سفرها معمول رئیس جمهور و چه فعلی و چه قبلی ها به استان با اهداف ذکر شده است و یا به سفر تبلیغاتی کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری شبیه تر است.

البته آن چه که در این جا مهم و قابل ذکر نیز می باشد این است که در دولت های پیشین در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری خود اصلاً رقیب جدی را احساس نمی کردند که حتی برای خود نیازمند انجام تبلیغ باشد چه برسد به سفر. اما آقای احمدی نژاد با در اختیار داشتن امکانات دولتی و جراید و مهمتر از همه تریبون رسانه ملی، اسب خود را تا دندان مسلح و برای انتخابات آتی، زین کرده و پیش می رود. حجم سفرهای استانی با نزدیکتر شدن به زمان انتخابات بالاتر و بالاتر می رود، اما هرگز این سفرها و گفته های ایشان در نزد صاحبنظران انتخاباتی رنگ تبلیغات پیش از موعود انتخابات که اقدامی غیرقانونی است، نمی گیرد و این روند ادامه دارد.

اقدام دولت در شهر بوشهر که در هنگام سفر خاتمی به این شهر اتفاق افتاد را بیاد بیاورید. فرمانداری بوشهر در اقدامی تحت عنوان جلوگیری از تبلیغات قبل از موعود، به پاره کردن بنرهای تبلیغاتی که فقط خبر از حضور سخنرانی آقای خاتمی می داد نمود، تا به گفته فرماندار میخ اول خود را محکم کوبیده باشند. اگر آقای احمدی نژاد بعنوان رئیس جمهور فعلی ایران می تواند برای حضور خود از همه نوع رسانه ها و امکانات دولتی و غیر دولتی جهت اطلاع رسانی بهره برده و شهرهای مورد استقبال را سراپا پرچم پوش و بنر باران گرداند و حتا برای استقبال، ادارات و مدارس تعطیل گردد، چه اشکالی دارد سایر کاندیداها که همگی از روسای قبلی دولت و مجلس و عضوهای مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و هستند و از دلسوزان نظام و یاران امام راحل می باشند، نیز بتوانند فقط از چند بنر جهت اطلاع رسانی، آن هم با هزینه های شخصی بهره ببرند؟!

انتخابات دور قبل (دور نهم) را بیاد بیاورید. دولت در دست اصلاح طلبان است. اما کدام کاندیدای اصلاح طلب از امکانات دولتی بهره برد؟ خود آقای دکتر احمدی نژاد در سفری قبل از موعد تبلیغات به شهر بوشهر مورد استقبال در فرودگاه قرار گرفت و اطلاع رسانی از طریق بنر و.... برای سخنرانی و استقبال از ایشان شد و اتفاقا یک بنر عکس و خبر سخنرانی ایشان دقیقا در مقابل استانداری و ستاد انتخابات استان نصب شد. این امکانات در سایر استانها نیز به همین نحو در اختیار ایشان قرار گرفت.حال این سئوال پیش می آید که دولتی که جهت ادامه ریاست در دور آتی از تمامی امکانات خود بهره می برد و تریبون رسانه ملی را قبل از موعد در اختیار دارد و برخی از مدیرانش در استانها حتی نسبت به خوب و یا شکوه برگزار شدن سخنرانی دیگر کاندیداها تا حدودی کارشکنی می کنند، چگونه می تواند تضمین حفاظت از آراء را به طیف مخالف خود دهد؟ آیا با این روند این حق جناح مخالف ایشان نیست که دلشوره انتخابات را داشته باشد؟

در ضرورت عدم اجماع اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری

محمد رضا فولادی



در حالی به انتخابات ریاست جمهوری دهم نزدیک می شویم که بسیاری از نیروهای سیاسی کشور و به طور ویژه اصلاح طلبان دو هدف عمده را پیگیری می کنند: هدف اول و اضطراری جلوگیری از حضور مجدد احمدی نژاد بر مسند ریاست جمهوری دهم است و هدف ثانویه انتخاب رئیس جمهور اصلح تر در میان کاندیداهای موجود. بر این اساس از تابستان ۸۷ شاهد آغاز تکاپوی جناح های مختلف و مخالف دولت نهم در جهت تغییر وضع موجود بوده ایم. به صورت مشخص کمپین های دعوت از سید محمد خاتمی با تکیه بر موج احساسات شروع به فعالیت نمودند و اصلاح طلبان مطمئن بودند با حضور خاتمی در عرصه ی رقابت ها می توانند در دور اول، یک ضرب محمود احمدی نژاد را زمین گیر کنند و با تکیه بر موج وسیع حمایت از خاتمی، کاریزما و محبوبیت خاتمی و رأی آوری بالای او، دولت را پس گیرند و کشور را به مسیر صحیح بازگردانند.

آغاز سفرهای استانی خاتمی و موج وسیع و شورانگیز استقبال مردمی، تقریباً قاطبه ی اصلاح طلبان را به پیروزی مطمئن ساخته بود. اما به یکباره با حضور میرحسین موسوی در عرصه ی رقابت ها و کناره گیری خاتمی، شرایط انتخاباتی به کلی دگرگون شد. حضور موسوی و کناره گیری خاتمی نشان داد که وضعیتی متفاوت بر کشور حاکم است و به زعم برخی تحلیلگران، شرایط کشور چه در سطح مدیریت کلان و چه در لایه های میانی و زیرینی حاکمیت پذیرای ریاست جمهوری خاتمی نمی باشد.

پس از کناره گیری خاتمی مشخصاً سه قطب اصلی در انتخابات ریاست جمهوری شکل گرفت: محمود احمدی نژاد، میرحسین موسوی و مهدی کروبی. در طی یک ماه گذشته و با بررسی وضعیت انتخاباتی کشور دو دیدگاه در باب مقابله با محمود احمدی نژاد شکل گرفته است: یکی نظریه ی اجماع که بیشتر از سوی هواداران اصلاح طلب میر حسین موسوی (موسوم به اصلاح طلبان پیشرو) مطرح می شود و دیگری نظریه حضور همزمان موسوی و کروبی در عرصه ی رقابت و اجماع در دور دوم با تکیه بر آرأ مردم که غالباً از سوی هواداران مهدی کروبی مطرح می شود.

گروه اول تجربه ی انتخابات ریاست جمهوری گذشته را یاد آور می شوند و اصرار دارند نباید آرأ مردمی و اصلاح طلبان بین کروبی و موسوی پراکنده شود و باید با یک کاندیدا به رقابت با احمدی نژاد رفت. که البته شایان ذکر است در دور قبل عملاً آرأ اصلاح طلبان به چهار پاره تقسیم شد و حتی سبک تبلیغاتی قالیباف نیز بخشی از آرایی که می توانست به سبد کاندیداهای اصلاح طلب ریخته شود را جذب نمود. این همه با شرایط انتخابات پیش رو و حضور کاندیدای اصلاح طلب (مهدی کروبی) و تا حدودی نزدیک به رگه هایی از اصلاح طلبی (میر حسین موسوی) متفاوت است. نگارنده اعتقادی به این نظریه ندارد و معتقد است موفقیت اصلاح طلبان در انتخابات پیش رو را باید در یک استراتژی دو مرحله ای برنامه ریزی نمود.





بر این اساس در غیبت یک کاندیدای کاریزماتیک چون خاتمی که بتواند موج وسیع مردمی را در حمایت از خود ایجاد کند و در مرحله ی اول هر رقیبی را شکست بدهد و با حضور موسوی و کروبی که هیچ یک وجوه کاریزماتیک و موج سازی چون خاتمی ندارند، کناره گیری هر یک از این دو به نفع دیگری عملاً موجب شکست جریان اصلاحات و پیروزی اصولگرایان در دور اول انتخابات می شود. خود هویداست که پخش سیب زمینی و اسکناس در بین مردم دیگر نمی تواند رأی ساز باشد؛ اما برخی معتقدند که می تواند به آقایان کمک کند تا در یک انتخابات دو قطبی، روز ۲۳ خرداد، خود را پیروز و تک کاندیدای اصلاح طلبان را شکست خورده اعلام کنند. (در حقیقت سیب زمینی بیش از آنکه دغدغه ی ستاد های تبلیغاتی کروبی و موسوی باشد، دغدغه ی کمیته ی صیانت از آرأ می باشد)

بنابر این باید وضعیتی را ایجاد نمود که سطح رقابت انتخاباتی بالا رود، فضای انتخاباتی در کشور گسترده تر شود، گفتمان های مختلفی از سوی کروبی و موسوی مطرح شود، از دو زاویه دولت فعلی را نقد نمود، آرأ اصولگرایان با دو گفتمان مختلف شکسته شود و افراد بیشتری را ترغیب به حضور در انتخابات و حمایت از کروبی یا موسوی نمود. بر این اساس هر چه به روزهای تبلیغات انتخاباتی نزدیک می شویم، گفتمان کروبی و موسوی متفاوت تر می شود و هر یک با آماج نقد قرار دادن دولت نهم و با ارائه ی وعده های مختلف انتخاباتی و جذب آرأ متفاوت، مجموع آرأ خود را بالاتر می برند و مجموع آرأ رقیب اصولگرا را پایین تر می آورند.

از سوی دیگر قومیت متفاوت موسوی و کروبی که هر یک توان جذب آرأ مختلف و رقابت در حوزه های متفاوتی را دارند، یکی دیگر از دلایل تأکید بر حضور همزمان این دو در عرصه ی رقابت می باشد. خوب می دانیم که در انتخابات ریاست جمهوری رقابتی، آرأ آذربایجان و مناطق ترک نشین که طبعاً به سمت دو گانه ی موسوی– احمدی نژاد با برتری موسوی سوق پیدا می کند، آرأ مناطق زاگرس نشین، کردستان و بلوچستان به سمت دو گانه ی کروبی– احمدی نژاد با برتری کروبی سوق می یابد. از سوی دیگر گفتمان مهندس موسوی توان جذب آرأ اصولگرایان منتقد احمدی نژاد و نیروهای میانه را دارد و گفتمان نوین کروبی توان جذب آرأ بخشی از بدنه ی اصلاح طلبان، ناراضیان، تا حدودی تحریمی ها و علاوه بر این ها و مهم تر از همه طبقات پایینی و عامه ی مردم را دارد.

بنابر این همانگونه که ملاحظه شد کروبی و موسوی بیشتر از آنکه آرأ یکدیگر را بشکنند، توان شکستن آرأ محمود احمدی نژاد را دارند و هر یک آرأ مختلف و گروه های متفاوتی را جذب خود می کنند. بر این اساس سه سناریو را می توان متصور بود:

۱.کروبی و موسوی به دور دوم بروند.(که این بهترین حالت برای اصلاح طلبان است) ۲. کروبی و احمدی نژاد به دور دوم بروند. ۳. موسوی و احمدی نژاد به دور دوم بروند. فارغ از سناریوی اول که خیال اصلاح طلبان را راحت تر می کند، در سناریوی دوم و سوم می توان متصور بود با توجه به موج نقد احمدی نژاد از سوی ستادهای کروبی و موسوی در دور اول، با حضور یکی از این دو در دور دوم و رقابت آن فرد با احمدی نژاد و حمایت کاندیدای از دور خارج شده از کاندیدایی که به همراه احمدی نژاد به دور دوم راه یافته، می توان با فعالیت شدید تبلیغاتی در یک هفته ی پایانی اکثریت آرأ را به سمت کاندیدای رقیب احمدی نژاد سوق داد، دولت را از جریان فعلی پس گرفت و کشور را به مسیر صحیح هدایت نمود.

شایسته است که تحلیلگران مخالف دولت نهم و نیروهای اصلاح طلب به جای کوبیدن بر طبل اجماع در انتخابات پیش رو که بیش از آنکه مبتنی بر تحلیل واقع گرایانه ی شرایط انتخاباتی کشور می باشد، یاد آور دعواهای سیاسی درون جبهه ی اصلاحات می باشد، فارغ از نظرات مبتنی بر پدر سالاری نوین احزاب اصلاح طلب، به سمت یکی از دو کاندیدای مطرح فعلی (کروبی یا موسوی) بروند و با حمایت از کاندیدایی که از بین این دو انتخاب می کنند، فضای انتخاباتی را فعال نمایند و بگذارند تا مردم خود در روز ۲۲ خرداد اجماع میان اصلاح طلبان را ایجاد کنند.

معرفی اعضای اصلی ستاد یاران خاتمی- حامیان موسوی در بوشهر

اعضای اصلی ستاد یاران خاتمی – حامیان موسوی در استان بوشهر معرفی شدند. اعضای شورای هماهنگی اصلاح طلبان استان بوشهر در جلسه خود، مقرر کردند تا مهندس «اسماعیل تبادار» استاندار دولت اصلاحات در بوشهر به عنوان رییس شورای سیاستگذاری این ستاد فعالیت کرده و «محمد دادفر» نماینده اصلاح طلب مجلس ششم نیز رابط ستاد یاران خاتمی- حامیان موسوی با تهران باشد. همچنین «عیسی محمد کمالی» نیز به عنوان قائم مقام این ستاد و مسئول امور شهرستان و «صدرالله محمدی باغملایی» نیز سخنگویی آن را عهده دار گردید.پیش از این رییس ستاد مرکزی مهندس موسوی طی حکمی «مسعود شکوهی» را به عنوان رییس ستاد هماهنگی گروهها و احزاب سیاسی حامی موسوی دز استان بوشهر منصوب کرده بود. ستادی که در سطح کشور به عنوان ستاد یاران خاتمی- حامیان موسوی شناخته می شود. شکوهی ریاست ستاد هماهنگی اصلاح طلبان استان بوشهر را برعهده دارد که متشکل از اکثر نمایندگان احزاب سیاسی و نشریات اصلاح طلب استان است.